

مجموعه چکیده مقالات سومین کنگره ملی انجمن علمی روان‌شناسی خانواده ایران

با تأکید بر فضائل اخلاقی در خانواده و ازدواج و چالش‌های آن

(۱۸-۲۰ اسفند ۱۴۰۰)

با همکاری اندیشکده خانواده مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

رئیس کنگره: دکتر محمدعلی بشارت

دبیر علمی کنگره: دکتر غلامعلی افروز

دبیر اجرایی کنگره: دکتر رضا خجسته مهر

فهرست

شماره صفحه	عنوان مقاله
۷	رابطه فضیلت‌های بهزیستی معنوی، بخشودگی بین فردی و شکفتگی با کیفیت رابطه زناشویی زنان رضا قاسمی جوبنه، فاطمه نظری
۸	بررسی خشونت خانگی علیه زنان در اسلام: از واقعیت تا تحریف قائم حیدری
۹	پیش‌بینی گرایش به طلاق عاطفی براساس خودتنظیمی هیجانی در زنان ورزشکار شهرستان نجف آباد محدثه عبداللهی، محمدرضا تمنایی
۱۰	اثربخشی خانواده‌درمانی ساختاری بر بهبود الگوی ارتباطی بانوان متقاضی مشاوره خانواده کیمیا جرجانی، زینب اکبری گلسفید
۱۱	اثربخشی خانواده‌درمانی ساختاری بر کاهش تعارضات زناشویی بانوان متقاضی مشاوره خانواده کیمیا جرجانی، زینب اکبری گلسفید
۱۲	اثربخشی زوج درمانی شناختی رفتاری بر کاهش دلزدگی زناشویی زوجین حسین حسینی، کلثوم کریمی نژاد، شهلا کرابی، پری ولدمومن
۱۳	برازش مدل علی مبتنی بر رضایت زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیتی: نقش میانجی بخشش و امید در زوجین در معرض طلاق محمد ثوابی
۱۴	پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس بخشش بین فردی (گذشت) در زوجین زهرا نقش، اصغر آقایی، زهرا نیک اندیش
۱۵	نقش الگوهای ارتباطی در پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین مهسا محمدی بازرگانی، حسن بنی اسدی شهر بابک، عباس رحمتی
۱۶	بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر ذهن آگاهی در تنظیم هیجانی زنان آسیب دیده از خیانت زناشویی لیلا کریم نژاد
۱۷	بررسی اثربخشی درمان هیجان مدار (EFCT) در افزایش صمیمیت و رضایت زناشویی زوجین دارای دلزدگی زناشویی لیلا کریم نژاد
۱۸	بررسی اثربخشی درمان شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی (MBCT) در کاهش اضطراب، افسردگی و افزایش بخشش و صمیمیت زنان آسیب دیده از خشونت خانگی لیلا کریم نژاد
۱۹	بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) در کاهش اضطراب و افسردگی و افزایش سطح سلامت روان و رشد پس از سانحه زنان آسیب دیده از خشونت خانگی لیلا کریم نژاد
۲۰	بررسی رابطه‌ی تاب‌آوری، هوش معنوی و سازگار اجتماعی با سلامت روان فرزندان طلاق ملوک ورزیده رنج، زهره فریدونیان، الهام سلمان صابری، جمیله سعیدآوی
۲۱	بررسی اثربخشی زوج درمانی به شیوه گاتمن بر بهبود صمیمیت زوجین شهر اهواز محسن نظری فر
۲۲	اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار به شیوه گرینبرگ بر بهزیستی روان شناختی زوجین دارای تعارض محسن نظری فر
۲۳	اثربخشی آموزش تصویر سازی ارتباطی (ایماگو تراپی) بر بهبود رضایت جنسی بانوان دارای الگوی ارتباطی مختل زهره اروجلو، کامیان خزایی
۲۴	اثربخشی آموزش تصویر سازی ارتباطی (ایماگو تراپی) بر بهبود عملکرد خانواده بانوان دارای الگوی ارتباطی مختل زهره اروجلو، زینب اکبری گلسفید
۲۵	همکاری زوجین مهمترین عامل در استحکام بنیان خانواده حسین خانلری بهنمیری

۲۶	مدل علی فرایند و محتوای خانواده، انواع رفتار جامعه پسند و انواع رفتار جامعه ستیز با واسطه‌گری تنظیم شناختی هیجان سیدمحمدصادق امامی، سیامک سامانی
۲۷	ساخت و اعتباریابی مقیاس تواضع و فروتنی معصومه غلام حسینی، غلام حسین مکتبی
۲۸	نقش میانجی‌گری افکار پارانویید در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و دلزدگی زناشویی در بین دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اراک احسان مرادی، زهرا دهقانی
۲۹	نقش الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی انگیزش درمان افراد وابسته به مواد فاطمه جاوند، اعظم سهرابی، فاطمه بجروانی، محمد محمودی، علی بابایی، بهزاد ماله‌میر
۳۰	تعهد و پذیرش در خانواده‌های با عضو مبتلا به اسکیزوفرنیا ماهرخ ذبیحی، سمیه انتظاری، سیدمحمدرضا علوی‌زاده
۳۱	پیش‌بینی رفتارهای ارتقا دهنده سلامت از طریق حمایت اجتماعی ادراک شده و میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی در زنان باردار در دوران شیوع کرونا فائزه مهدوی جعفری، مهشید تجربه کار
۳۲	مدل پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس خودشناسی، عشق با میانجی‌گری هوش هیجانی ایران صادقی، افشین صالحیان، مهدیه صالحی
۳۳	پیش‌بینی کیفیت زناشویی بر اساس تعهد و اعتماد، ارتباط سازنده و دوست داشتن و محبت فرزانه نیک نژادی، سمیه عابدینی چمگردانی
۳۴	بررسی رابطه نقش جنسیتی با بی‌ثباتی ازدواج: نقش تعدیل‌کنندگی جهت‌گیری در رابطه جنسی در بین زنان پریسا زمانیان
۳۵	مقایسه میزان رضایت زناشویی زنان با توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی (سن ازدواج زنان، تفاوت سنی، تحصیلات و قومیت زوجین) بهشته سادات هاشمی
۳۶	رابطه سلامت خانواده اصلی، هیجان خواهی، تاب آوری با تعهد زناشویی فائزه بقلانی، مجید یوسفی افراشته
۳۷	اثربخشی آموزش شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر ابهر حسن الهی فر، سهیلا فرجی
۳۸	بررسی اثربخشی بسته‌ی پیشگیری از طلاق بر میل بر طلاق زوجین متقاضی طلاق توافقی مسعود صادقی، مصطفی مظاهری، کورش گودرزی
۳۹	اثربخشی خانواده‌درمانی رفتاری بر قواعد خانوادگی نوجوانان ترک‌کننده سوءمصرف مواد سارا کیان ارثی، ذبیح الله عباس‌پور، خالد اصلانی
۴۰	اثربخشی خانواده‌درمانی رفتاری بر گفتگوهای خانوادگی نوجوانان ترک‌کننده سوءمصرف مواد سارا کیان ارثی، ذبیح الله عباس‌پور، خالد اصلانی
۴۱	اثربخشی خانواده‌درمانی رفتاری بر نقش‌های خانوادگی نوجوانان ترک‌کننده سوءمصرف مواد سارا کیان ارثی، ذبیح الله عباس‌پور، خالد اصلانی
۴۲	اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر بهزیستی روان‌شناختی و تاب آوری زنان قربانی خشونت خانگی کزال عباسی، وحید احمدی، حدیث ولی زاده
۴۳	بررسی نقش تعدیل‌کنندگی فرونشانی و نقش واسطه‌ای حساسیت بین فردی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی در دانشجویان دانشگاه تهران محمد علی رضایی، زهرا طاهری فر، حجت اله فراهانی
۴۴	رابطه سبک‌های دلبستگی و کمال‌گرایی با نگرش به ازدواج در بین دانشجویان شهرستان شاهرود ناصره شاکری، سید احسان سیفی، سید عرفان سیفی، زهرا شاه حسینی
۴۵	پیش‌بینی نگرش به روابط فرازناشویی از طریق هوش اخلاقی و بهزیستی روان‌شناختی در بین زوجین شهرستان شاهرود ناصره شاکری، زهرا شاه حسینی



۴۶	رابطه ملاک‌های همسرگزینی و احساس تنهایی با نگرش به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان شاهرود ناصره شاکری، سید احسان سیفی، سید عرفان سیفی، زهرا شاه حسینی
۴۷	پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی از طریق راهبردهای مقابله‌ای و سرمایه‌های روان‌شناختی در بین زوجین شهرستان شاهرود ناصره شاکری، زهرا شاه حسینی
۴۸	زن و سبک زندگی در دیدگاه آیت الله سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی) صدیقه شاکر خوشرو، عبدالرحمن باقرزاده
۴۹	تأثیر آموزش والدگری مثبت به مادران بر شادکامی کودکان معلول جسمی حرکتی نگین امیرارده جانی، مهناز علی اکبری دهکردی، زیبا برقی ایرانی
۵۰	ارائه الگوی زوج‌درمانی اسلام محور و بررسی تأثیر آن بر میزان خرسندی زوج‌های مراجعه کننده به موسسه زندگی نیکوی اصفهان محمد عابدینی
۵۱	اثربخشی آموزش قدرشناسی بر رضایت زناشویی مادران کودکان اوتیسم مریم تفنگچی
۵۲	پیش‌بینی شفقت به خود بر اساس سبک‌های دلبستگی ناایمن نسیم رضایی، محمدرضا تمنایی‌فر
۵۳	تعیین رابطه و سهم پیش‌بینی کنندگی شوخ طبعی و مهارت ارتباطی با صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل فاطمه مهربان چهرمی
۵۴	عوامل مؤثر بر گرایش زوجین ایرانی به طلاق: مطالعه مروری نظاممند زهرا میرزانی
۵۵	مقایسه اخلاق رابطه‌ای خانواده‌های سالم و مضطرب زهرا شاه حسینی، ناصره شاکری، فاطمه عبدالله زاده
۵۶	بررسی مقایسه‌ای ملاک‌های همسرگزینی قبل و بعد ازدواج زوجین شهرستان شاهرود زهرا شاه حسینی، ناصره شاکری، نیلوفر اعرابی
۵۷	رابطه‌ی ادراک انصاف و اخلاق رابطه‌ای با صمیمیت زناشویی در معلمان متأهل شهر اهواز ساسان باوی، میترا حیدریان
۵۸	نقش انعطاف‌پذیری شناختی و تمایز یافتگی در پیوند ایمن رابطه زناشویی آرزو مجرد
۵۹	مقایسه دشواری در تنظیم هیجان و ناهماهنگی شناختی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی زهره بشیری
۶۰	پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس فضیلت زناشویی فداکاری و تعهد زهرا محمودی، رضا خجسته مهر، ذبیح اله عباسپور
۶۱	پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان شاغل بر اساس حمایت اجتماعی و ادراک انصاف فاطمه حاجی حسینی، رضاخجسته مهر، کیومرث بشلیده
۶۲	پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس نگرش‌های جنسی و نگرش به زندگی در زنان متأهل فریبا کلانتری
۶۳	پیش‌بینی صمیمیت زناشویی بر اساس ذهن آگاهی و همدلی زناشویی زنان و مردان متأهل ایمان بهاروند
۶۴	اثربخشی درمان شناختی رفتاری بر تاب آوری مادران دارای کودکان بیش فعال سیده لیلا مصلحی
۶۵	پیش‌بینی ناگویی خلقی و حرمت خود دختران نوجوان بر اساس سبک‌های فرزندپروری پدران الناز عامریان، شهناز نوحی، مسعود جان بزرگی
۶۶	واکاوی فرزندپروری عدالت محور در فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی ماهرخ رحیمی شریف مقدس، حسین کدخدا

۶۷	توانمندسازی خانواده در گسترش مداخلات مقرون به صرفه برای کاهش مشکلات رفتاری: مرور توصیفی-انتقادی تسهیل تحول شناختی در زندگی روزمره زهره حسین‌زاده ملکی، علی مشهدی، سیدکاظم رسول‌زاده طباطبائی
۶۸	نقش میانجی غنای کار-خانواده در رابطه فضیلت تعالی با رضایت از زندگی سیمین دخت کلنی
۶۹	مطالعه کیفی مثلث سازی عاطفی در روابط زناشویی صفورا برنا بلداجی، سهیلا پزشک
۷۰	پیش‌بینی ابعاد دلزدگی زناشویی زوجین بر اساس مؤلفه‌های سبک زندگی هاجر فلاح زاده، شهلا آمره ئی برچلویی
۷۱	پیش‌بینی خوشنودی زناشویی بر پایه پختگی هیجانی و نگرش به پیوند زناشویی در زنان و مردان با همسرگیری زود هنگام و بهنجار زهره غلامی قره شیران، باقر ثنائی، علیرضا کیامنش، کیانوش زهراکار
۷۲	پیش‌بینی انتظار از ازدواج بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و اعتیاد به اینترنت نجمه نوری، آناهیتا تاشک
۷۳	پیش‌بینی سلامت روانی زنان متأهل بر اساس مؤلفه‌های هیجانی کیفیت زندگی منصور بیرامی، سولماز دهقانی دولت آبادی
۷۴	مقایسه اثربخشی درمان متمرکز بر شفقت و ایمن سازی در برابر استرس بر فرسودگی زناشویی زنان بهروز براتی مقدم
۷۵	بررسی رابطه بین خشونت خانگی و طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان در افراد متأهل شهرستان شادگان توفیق البوغیش
۷۶	بررسی عوامل بازدارنده از روابط فرا زناشویی در میان زوجین مریم مقدم
۷۷	اثربخشی زوج‌درمانی شناختی-رفتاری بر باورهای غیرمنطقی و دلزدگی زناشویی در زنان متأهل شهر یزد الیه منشادیان
۷۸	رابطه انعطاف پذیری کنشی، صمیمیت و مسئولیت پذیری با سازگاری زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز سیمنا نقی پور، روح اله آذریان
۷۹	رابطه مهارت‌های مقابله با استرس با رضایت از زندگی در زنان آسیب دیده از خشونت خانگی فاطمه سادات مرعشیان
۸۰	بررسی رابطه حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی در زنان سرپرست خانوار فاطمه سادات مرعشیان، کفایت سلیمانیان
۸۱	پیش‌بینی احتمال خیانت زناشویی بر اساس خودتنظیمی هیجانی و مهارت‌های ارتباطی در دانشجویان متأهل نجمه شکرانی، نفیسه حاجی عبدالهی
۸۲	بررسی رابطه بخشش با بی ثباتی زناشویی در زنان متأهل متقاضی طلاق سارا عادل‌نیا، فریبا سعیدپور
۸۳	بررسی رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با نگرش به روابط فرا زناشویی در زنان متأهل متقاضی طلاق نغمه رضانی پاک پور لنگرودی، فریبا سعیدپور
۸۴	بررسی رابطه بین نگرش به روابط فرا زناشویی و ناگویی هیجانی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی اهواز کفایت سلمانیان
۸۵	پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس هوش معنوی و حرمت خود زوجین فاطمه سادات میرتاج‌الدینی، مهشید تجربه‌کار
۸۶	مؤلفه‌های اخلاق رابطه‌ای به عنوان پیش‌بین وضعیت زناشویی رضا خجسته مهر، زهره خرسندی، ذبیح الله عباس پور
۸۷	بررسی رابطه بین خشونت خانگی با میزان رضایت جنسی در بین زنان جنوب کرمان محمدحسین رودباری، افشین طیبی، مهدیه بی نیاز

۸۸	بررسی تأثیر آموزش فرزندپروری بر اساس مهرورزی بر سبک‌های فرزندپروری و رابطه والد-فرزند مادران دارای کودکان مبتلا به اختلال یادگیری محمدحسین رودباری، ابوالفضل افشاری، محمد سنجری نیک
۸۹	پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی بر اساس ناگویی هیجانی، احساس تنهایی و بهزیستی روان‌شناختی در زنان متأهل پگاه خرم نیا
۹۰	اثر بخشی درمان راه حل محور بر افزایش صمیمیت زناشویی زنان دچار تعارضات زناشویی مژگان پوردل، منصور سودانی
۹۱	اثر بخشی درمان مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی بر تعارضات زناشویی زوجین در حال طلاق پروین میرشکاریان بابکی، زهرا ذاکرخاتونی
۹۲	بررسی الگوهای فرزندپروری در شبکه‌های اجتماعی مهديه بی نیاز، محمدحسین رودباری، حمیده شهریاری نژاد
۹۳	بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر ملاک‌های همسرگزینی در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر کرمان مهديه بی نیاز، محمدحسین رودباری، حمیده شهریاری نژاد
۹۴	بررسی چالش‌های دورکاری زنان شاغل در دوران کرونا: یک مطالعه کیفی مهرنوش صفی خانی، مریم غلامزاده جفره
۹۵	بررسی تجربه زیسته زنان آسیب دیده از نقش فضای مجازی در تعارضات زناشویی: یک مطالعه کیفی صدیقه سبحانی جو، حسن سواری
۹۶	بررسی مدل ارتباط بین صمیمیت زناشویی و خانواده اصلی با رضایت زناشویی با میانجی گری انعطاف پذیری کنشی در زنان معلم آسیه عبودی، فهیمه عابدی

رابطه فضیلت‌های بهزیستی معنوی، بخشودگی بین فردی و شکفتگی با کیفیت رابطه زناشویی زنان

رضا قاسمی جوبنه^{۱*}، فاطمه نظری^۲

* ۱- دکتری مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

۲- کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

rghasemi.jobaneh@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: سازه‌های مرتبط با روان‌شناسی مثبت هم‌چون معنویت، بخشودگی و شکفتگی می‌توانند در تبیین کیفیت رابطه زناشویی نقش داشته باشند. هدف از پژوهش حاضر نیز بررسی رابطه فضیلت‌های بهزیستی معنوی، بخشودگی بین فردی و شکفتگی با کیفیت رابطه زناشویی زنان متأهل بود.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است. تعداد ۱۲۰ زن متأهل به شیوه نمونه‌گیری داوطلبانه در پاییز ۱۴۰۰ انتخاب شدند و به پرسشنامه کیفیت رابطه زناشویی (RQ)، پرسشنامه بهزیستی معنوی (SW)، پرسشنامه بخشودگی بین فردی (IF) و پرسشنامه شکفتگی (FS) پاسخ دادند. داده‌های جمع‌آوری شده با ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون و با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین بهزیستی معنوی و کیفیت رابطه زناشویی همبستگی مثبت و معنادار ($P < 0/01$)، بین بخشودگی بین فردی و کیفیت رابطه زناشویی همبستگی مثبت و معنادار ($P < 0/01$)، و بین شکفتگی و کیفیت رابطه زناشویی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0/01$). همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای پیش‌بین می‌توانند به صورت مثبت و معنادار کیفیت رابطه زناشویی در زنان متأهل را پیش‌بینی کنند ($P < 0/01$).

نتیجه‌گیری: این پژوهش تلویحات روانی آموزشی مهم برای روان‌شناسان و مشاوران خانواده دارد؛ بر این اساس با توجه به نقش مثبتی که فضیلت‌های بهزیستی معنوی، بخشودگی بین فردی و شکفتگی در افزایش کیفیت رابطه زناشویی دارد، پیشنهاد می‌شود که در برنامه‌های مبتنی بر غنی‌سازی ازدواج و توانمندسازی خانواده به این مفاهیم توجه ویژه شود.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی معنوی، بخشودگی بین فردی، شکفتگی، کیفیت رابطه زناشویی.

بررسی خشونت خانگی علیه زنان در اسلام: از واقعیت تا تحریف

قائم حیدری

دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران

ghaemheydari81@gmail.com

چکیده

زمینه و اهداف: یکی از آسیب‌های جدی پیش روی هر جامعه خشونت خانگی است و طبیعتاً از مهمترین نوع خشونت‌های خانگی می‌توان به خشونت خانگی علیه زنان اشاره کرد. ایجاد شبهه درباره نظر دین در این موضوع، باعث این پرسش شد که آیا اسلام با چارچوب‌های غیراستاندارد نسبت به جهان مدرن و نسخ در قرآن مسبب ایجاد خشونت خانگی علیه زنان بوده و هست، یا علل روانی باعث این دگرگونی فرهنگی و پدید آمدن این معضل خانوادگی و اجتماعی شده‌اند. هدف اصلی این مقاله تحلیل علل و پیامدهای روانی خشونت خانگی و بررسی آیات قرآن در مورد خشونت خانگی علیه زنان است که با تأثیر تفاسیر اشتباه باعث ایجاد تفکر تشویق اسلام به این امر شده است، می‌باشد.

روش: در این مقاله با بررسی اسناد درباره تفاسیر آیات و یافتن معانی واژه‌های مورد بحث، دیدگاه اسلام درباره زن و جایگاه اش در خانواده مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس از طریق تحلیل نظرات منتقد و مخالف دیدگاه اسلام در موارد مورد پژوهش و با تشکیل شبکه مفاهیم درباره این نظرات حدود تفاوت‌های نظری تبیین شد. سپس با پرداختن به جنبه‌های روانی مورد بحث در هر دو دیدگاه و بررسی صحت و سقم هر کدام، نگاه اسلام به آسیب‌های جسمی و روانی زن در خانواده و خشونت‌های خانگی بررسی شد.

یافته‌ها: این مقاله با استناد به آیات و روایات و نظریات ایده پردازان اسلامی که بیانگر بحث‌هایی پیرامون موضوع خشونت خانگی علیه زنان بودند، و همچنین بررسی نظرات روان‌شناسی و جامعه‌شناسی درباره خشونت خانگی علیه زنان؛ به این نتیجه می‌رسد که از گذشته تا کنون تحریف در روایات اسلامی مسبب شبهات بسیاری شده است و با بررسی دقیق‌تر آیات و روایاتی که در تضاد با دیدگاه تشویق اسلام به خشونت خانگی و غیرخانگی علیه زنان هستند می‌توان اینطور دریافت که اسلام هیچ گاه مشوق ایجاد خشونت خانگی علیه زنان نبوده است، بلکه با بررسی علل روان‌شناختی ایجاد خشونت علیه زنان می‌توان به نتایجی دست یافت که عیناً در تراز با خواسته‌های نهایی دین اسلام است.

واژه‌های کلیدی: خشونت خانگی، خشونت خانگی علیه زنان، اسلام، قرآن کریم.

پیش‌بینی گرایش به طلاق عاطفی براساس خودتنظیمی هیجانی در زنان ورزشکار شهرستان نجف‌آباد

محدثه عبداللهی^{۱*}، محمدرضا تمنایی^۲

*۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکتری، دانشیار، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

Mohadese.abdollahi@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: امروزه طلاق عاطفی از جمله موضوعاتی است که بسیاری از اندیشمندان و کارشناسان مسائل اجتماعی به آن توجه می‌کنند و مسلماً هر شرایطی که برای زنان به عنوان کنشگران فعال تأثیرگذار و البته تأثیرپذیر پیش آید واکنش و پیامدهایی را به دنبال دارد که عواملی پیشاینده این پیامدها بوده‌اند. می‌دانیم که تغییر در عملکرد هر کدام از بخش‌های سیستم‌های شناختی مانند حافظه توجه و هوشیاری سبب‌ساز تغییر در خلق می‌شود از این‌رو نقش تنظیم هیجان در سازگاری افراد با وقایع استرس‌زای زندگی حائز اهمیت است. از آنجایی که تحقیقات کمی در زمینه تنظیم هیجان توسط ورزشکاران نسبت به سایر زیر شاخه‌های روان‌شناسی شده است برقراری ارتباط بین این مؤلفه و پدیده طلاق عاطفی در ورزشکاران هدف موردنظر این پژوهش است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و طرح پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری مورد مطالعه شامل زنان متأهل ورزشکار شهرستان نجف‌آباد بوده است. حجم نمونه ۸۰ نفر که به صورت تصادفی انتخاب شدند. از افراد نمونه خواسته شد پرسشنامه خودتنظیمی هیجانی (ERQ) گراس و جان و پرسشنامه طلاق عاطفی (EDOG) گاتمن را تکمیل نمایند.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده نشان داد که تنظیم هیجانات براساس سرکوبی آنان دارای همبستگی مثبت با طلاق عاطفی بوده و ارزیابی مجدد، همبستگی منفی با طلاق عاطفی دارد. به صورت کلی تنظیم هیجانات رابطه منفی با طلاق عاطفی دارد.

نتیجه‌گیری: تنظیم هیجان در روابط زناشویی و عاشقانه یک ضرورت می‌باشد. افراد دارای بی‌ثباتی هیجانی و تکانشگری همسران نامطلوبی هستند و از طرف دیگر سرکوبی هیجانات منجر به کمبود عمومی رفتارهای بیانی و به طبع فاصله گرفتن زوجین از لحاظ کلامی و عاطفی از یکدیگر و در آخر طلاق عاطفی خواهد شد. از این رو آموزش مهارت‌های تنظیم هیجان به زوجین ضروری است.

واژه‌های کلیدی: خودتنظیمی هیجانی، طلاق عاطفی، سرکوبی هیجانات



اثربخشی خانواده‌درمانی ساختاری بر بهبود الگوی ارتباطی بانوان متقاضی مشاوره خانواده

کیما جرجانی^{۱*}، زینب اکبری گلسفید^۲

^{۱*} - کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ - کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، ایران

Kimiiajry76@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: یکی از سازه‌هایی که در مداخلات روان‌شناختی مربوط به خانواده مورد توجه روان‌شناسان قرار می‌گیرد، الگوهای ارتباطی زوجین است، این مطالعه بر آن است تا اثربخشی خانواده‌درمانی ساختاری بر بهبود الگوهای ارتباطی بانوان متقاضی مشاوره خانواده را مورد بررسی قرار دهد.

روش پژوهش: این مطالعه از لحاظ هدف بنیادی و از لحاظ روش تحقیق در زمره تحقیقات نیمه آزمایشی قرار دارد. بانوان مراجعه کننده به مراکز مشاوره وابسته به مراکز بهداشتی منطقه ۵ تهران جامعه آماری این مطالعه را تشکیل دادند. نمونه- برداری به روش هدفمند بود. از بین بانوان مراجعه کننده به مراکز مشاوره مذکور بر اساس بیشترین نمره تعارضات زناشویی ۴۰ نفر انتخاب شدند سپس از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده برای جایگزینی افراد در گروه‌های آزمایشی و کنترل استفاده شد، البته از گروه آزمایشی ۵ نفر از مطالعه خارج شدند. از پرسشنامه تعارض زناشویی ترابی و ثنایی برای اندازه‌گیری متغیرها و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس یک متغیره استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از آن هستند که خانواده‌درمانی ساختاری بر الگوهای ارتباطی و تمامی مؤلفه‌های متشکله آن به ترتیب ارتباط اجتناب متقابل، ارتباط سازنده متقابل و ارتباط توقع / کناره‌گیری با ضرایب اتای ۰/۸۷، ۰/۸۲ و ۰/۴۹ اثربخش بوده است.

نتیجه‌گیری: از خانواده‌درمانی ساختاری می‌توان برای بهبود الگوهای ارتباطی و مؤلفه‌های آن از جمله: اجتناب متقابل، ارتباط سازنده متقابل و ارتباط توقع / کناره‌گیری استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: خانواده‌درمانی ساختاری، بهبود الگوی ارتباطی، بانوان متقاضی مشاوره

اثربخشی خانواده‌درمانی ساختاری بر کاهش تعارضات زناشویی بانوان متقاضی مشاوره خانواده

کیما جرجانی^{۱*}، زینب اکبری گلسفید^۲

*۱- کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)

۲- کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، ایران

Kimiaajri76@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: اصلاح و تعدیل تعارض زناشویی یک از هدف‌های زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی محسوب می‌شود و اثربخشی یا تأثیرگذاری مداخلات بالینی متعددی در خصوص آن مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، در این مطالعه اثربخشی خانواده‌درمانی ساختاری بر کاهش این سازه مورد بررسی قرار گرفته است.

روش پژوهش: این مطالعه از لحاظ هدف بنیادی و از لحاظ روش در زمره تحقیقات نیمه آزمایشی قرار دارد. بانوان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره وابسته به مراکز بهزیستی منطقه ۵ تهران جامعه آماری این مطالعه را تشکیل داده‌اند و نمونه‌برداری به روش هدفمند صورت پذیرفته است، از میان بانوان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره مذکور بر اساس بیش‌ترین نمره تعارضات زناشویی ۴۰ نفر انتخاب شدند، سپس از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده برای جایگزینی افراد در گروه‌های آزمایشی و کنترل استفاده شد. از پرسشنامه تعارض زناشویی ترابی و ثنایی برای اندازه‌گیری متغیرها و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها مشخص ساخت که خانواده‌درمانی ساختاری بر تعارض زناشویی و تمامی مؤلفه‌های آن به ترتیب جدا کردن امور مالی از یکدیگر، افزایش واکنش هیجانی، افزایش جلب حمایت از فرزندان، کاهش رابطه جنسی، کاهش ارتباط مؤثر، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و کاهش همکاری به ترتیب با ضرایب اتای ۰/۷۴، ۰/۷۲، ۰/۶۶، ۰/۶۵، ۰/۵۸، ۰/۵۷، ۰/۴۵، ۰/۴۰ اثربخش بوده است.

نتیجه‌گیری: وجود تعارض در سیستم خانواده که یک سیستم بهم وابسته است باعث می‌شود تعادل خانواده از بین برود و چرخه‌های معیوب برقراری تعادل، حکم فرما شود. بر اساس این یافته‌ها خانواده‌درمانی ساختاری با شناسایی چرخه‌های تعارض موجود در ارتباط اعضای خانواده، باعث ایجاد تعادل، بهبود عملکرد سیستم خانواده و رضایت زناشویی شد؛ بنابراین از خانواده‌درمانی ساختاری می‌توان به منظور اصلاح و تعدیل تعارضات زناشویی و مؤلفه‌های هشت‌گانه آن استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: خانواده‌درمانی ساختاری، تعارضات زناشویی، بانوان متقاضی مشاوره

اثربخشی زوج درمانی شناختی رفتاری بر کاهش دزدگی زناشویی زوجین

حسین حسینی^۱، کلثوم کریمی نژاد^{۲*}، شهلا کرای^۳، پری ولد مومن^۴

- ^۱ - دانشجوی دکترای روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران
^{۲*} - دانشجوی دکترای مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)
^۳ - کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
^۴ - کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

kolsoumkariminejad@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: خانواده مهم‌ترین نهاد در هر جامعه‌ای است و اگر بتواند کارکردهایش را به شکل مثبت انجام دهد، جامعه‌ای توسعه یافته خواهیم داشت. اما اگر خانواده دچار تعارض شود، کارکردهای آن نیز دچار اختلال خواهد شد. باتوجه به اهمیت موضوع پژوهش حاضر به بررسی اثربخشی زوج درمانی شناختی رفتاری بر کاهش دزدگی زناشویی زوجین پرداخته است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر آزمایشی از نوع پیش آزمون-پس آزمون با گروه آزمایش و گواه است. جامعه آمار پژوهش شامل زوجین شهر نورآباد بودند. به روش تصادفی ساده نمونه‌ای به حجم ۶۴ نفر انتخاب شد و در دو گروه آزمایش و گواه قرار داده شدند. ابتدا از دو گروه پیش آزمون گرفته شد و پس از اجرای پروتکل، از دو گروه پس آزمون به عمل آمد. داده‌های به دست آمده توسط فرمول‌های میانگین، انحراف استاندارد و در سطح استنباطی توسط فرمول کواریانس و با استفاده از نرم افزار آماری SPSS20 مورد تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: تحلیل داده‌ها نشان داد که بین عملکرد دو گروه آزمایش و کنترل پس از آموزش مهارت‌های شناختی رفتاری بر دزدگی زناشویی تفاوت معنادار آماری وجود دارد ($P \leq 0/01$) و زوج درمانی گروهی شناختی رفتاری موجب کاهش دزدگی زناشویی و مؤلفه‌های آن شده است و میزان این تأثیر بر بر دزدگی زناشویی ۶۶٪، بر خستگی جسمی ۵۱٪، بر از پا افتادگی عاطفی ۴۷٪ و بر از پا افتادگی روانی ۵۸٪ بود.

نتیجه‌گیری: در مجموع، یافته‌های تحقیق حاضر حمایتی تجربی برای رویکرد درمانی شناختی رفتاری در جهت کاهش دزدگی زناشویی زوجین فراهم می‌کند و آگاهی درمانگران حوزه خانواده و زناشویی از این رویکردها می‌تواند کمک‌کننده باشد. باتوجه به یافته‌های پژوهش به کارشناسان و مشاوران در زمینه خانواده و خانواده‌درمانی پیشنهاد می‌گردد که پیش از ازدواج و در هنگام تنش بین زوجین، آموزش مهارت‌های شناختی و رفتاری را به شکل ویژه در نظر بگیرند.

واژه‌های کلیدی: درمان شناختی رفتاری، دزدگی زناشویی، ماندگاری زناشویی

برازش مدل علی مبتنی بر رضایت زناشویی براساس ویژگی‌های شخصیتی: نقش میانجی بخشش و امید در زوجین در معرض طلاق

محمد ثوابی

دکتری مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، مشهد، ایران

mosavabi88@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: استفاده از سرمایه‌های معنوی (بخشش و امید) در خانواده می‌تواند زمینه ساز افزایش رضایت‌مندی زناشویی باشد. بر این اساس، این پژوهش با هدف بررسی نقش عوامل میانجی بخشش و امید در تأثیرگذاری ویژگی‌های شخصیتی (وظیفه‌شناسی، تجربه‌گرایی و روان‌آزردگی) بر رضایت زناشویی انجام شد.

روش پژوهش: روش پژوهش از نوع همبستگی و نمونه پژوهش از بین زوجین در معرض طلاق شهرستان مشهد به شیوه تصادفی در دسترس با حجم ۱۸۰ نفر (۹۰ زوج) مراجعه کننده به مراکز مشاوره انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از چهار پرسشنامه پنج عاملی شخصیتی نئو (neo-ffi)، رضایت زناشویی اینریچ (ims)، مقیاس سنجش بخشودگی پولارد (ffs) و همکاران و مقیاس امید اشنايدر (shs) استفاده شد. تحلیل داده‌ها با روش آماری تحلیل مسیر با مدل‌های برگشتی انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها ضمن تایید برازش مطلوب مدل پژوهش نشان دادند وظیفه‌شناسی تأثیر مثبت و معنی‌دار و روان‌آزردگی تأثیر منفی و معنی‌دار بر رضایت زناشویی دارند. همچنین امید و بخشش نیز بین وظیفه‌شناسی و روان‌آزردگی و رضایت زناشویی اثر میانجی دارند. نتایج نشان دادند ضمن تأثیر مثبت و معنی‌دار تجربه‌گرایی بر رضایت زناشویی عامل‌های امید و بخشش نیز اثر میانجی نداشته‌اند.

نتیجه‌گیری: بنابراین یافته‌های پژوهش نشان داد که روان‌آزردگی و وظیفه‌شناسی از طریق امید و بخشش بر رضایت‌مندی زناشویی تأثیرگذار هستند و هر سه متغیر ویژگی‌های شخصیتی، امید و بخشش می‌توانند تأثیر بر رضایت‌مندی زناشویی زوجین در معرض طلاق داشته باشند. لذا تاکید و تمرکز زوج‌درمانگران بر بسته مداخله‌ای و درمانی امید و بخشش مؤثر خواهد بود. اجرای این مداخله برای بهبود روابط زوجین و گسترش استراتژی‌ها و تدابیر جدید پیشگیری از طلاق پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: بخشش، امید، ویژگی‌های شخصیتی رضایت‌مندی زناشویی زوجین.

پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس بخشش بین فردی (گذشت) در زوجین

زهرا نقش^{۱*}، اصغر آقایی^۲، زهرا نیک اندیش^۳

* ۱- کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
۲- دکتری، استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران
۳- کارشناسی ارشد بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، یزد، ایران

Naghsh.0064@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: خانواده یکی از رکن‌های اصلی جامعه به شمار می‌رود. رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به منزله رضایت وی از خانواده محسوب می‌شود و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی بوده و در نتیجه موجب تسهیل در امر رشد و تعالی جامعه خواهد بود. بر همین اساس مطالعه عوامل تأثیرگذار بر رضایت زناشویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هدف اصلی این پژوهش پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس بخشش بین فردی در زوجین بود.

روش پژوهش: روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زوجین ساکن شهر اصفهان در بهار سال ۱۳۹۷ تشکیل داده‌اند. که از بین آن‌ها ۱۵۰ زوج به صورت در دسترس انتخاب شد. ابزار پژوهش شامل پرسش نامه انریچ فرم ۳۵ سوالی (فورز و السون، ۱۹۸۹) و مقیاس بخشش (گذشت) هارتلند (HFS) (تامپسون، اشنايدر و هافمن، ۲۰۰۵) بود. داده‌ها با استفاده از روش‌های همبستگی و تحلیل رگرسیون تحلیل شد.

یافته‌ها: در این پژوهش رضایت زناشویی دارای چهار خرده مقیاس (رضایت زناشویی، ارتباطات، تحریف آرمانی، حل تعارض) بود. نتایج این پژوهش نشان داد که بخشش بین فردی، توان پیش‌بینی رضایت زناشویی و ارتباطات را در زوجین دارد. ولی قادر به پیش‌بینی تحریف آرمانی و حل تعارض نیست.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده و این که ارتباطات زوجین یک تعامل نظام‌مند و رو به پیشرفت است می‌توان با سرمایه‌گذاری در رشد مهارت‌هایی مانند بخشش بین فردی، کمک مؤثری در راه استحکام نظام خانواده و همچنین رشد و تعالی جامعه بود.

واژه‌های کلیدی: رضایت زناشویی، بخشش بین فردی، زوجین

نقش الگوهای ارتباطی در پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین

مهسا محمدی بازرگانی^{۱*}، حسن بنی اسدی شهر بابک^۲، عباس رحمتی^۳

^{۱*} - کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ - دکتری مشاوره، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

^۳ - دکتری مشاوره، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

m.mohammadibazargani@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه بشری و واحدی با ابعاد گوناگون است که به دلیل جایگاه و اهمیتی که دارد، مورد توجه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و محققان قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی که همواره تهدیدی برای زندگی زوجین بوده است، طلاق است. طلاق در دو حالت طلاق رسمی و عاطفی صورت می‌گیرد. طلاق عاطفی، اولین مرحله در فرایند طلاق است که عوامل بسیار از جمله الگوهای ارتباطی زوجین در آن تأثیر گذارند. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین بر اساس الگوهای ارتباطی انجام پذیرفت.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زوجین شهر کرمان تشکیل می‌دهند که از بین آن‌ها ۳۲۱ نفر به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی از ۴ منطقه مختلف انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌های طلاق عاطفی گاتمن و الگوهای ارتباطی کریستنسن و سالووی (CPQ) استفاده شد. داده‌ها پس از انجام پیش‌آزمون‌هایی مانند نرمال بودن داده‌ها و تصادفی بودن داده‌ها؛ با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون در نرم افزار SPSS تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج استنباطی پژوهش حاضر نشان داد که بین طلاق عاطفی و زیرمقیاس‌های الگوهای ارتباطی رابطه معنی‌داری وجود دارد. بین طلاق عاطفی و زیرمقیاس ارتباط سازنده متقابل رابطه منفی، قوی و معنی‌داری وجود دارد ($\beta = -0.476$, $P < 0.001$). بین طلاق عاطفی و زیرمقیاس ارتباط اجتنابی متقابل رابطه مثبت، قوی و معنی‌داری وجود دارد ($\beta = 0.552$, $P < 0.013$, $T\text{-value} = 2.953$, $r = 0.619$). بین طلاق عاطفی و زیرمقیاس ارتباط توقع / کناره‌گیری رابطه مثبت، متوسط و معنی‌داری وجود دارد ($\beta = 0.308$, $P < 0.024$, $T\text{-value} = 2.262$, $r = 0.559$). به عبارت دیگر، الگوهای ارتباطی می‌توانند به طور معنی‌دار طلاق عاطفی را پیش‌بینی کنند.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان اذعان داشت آگاهی زوجین از الگوهای ارتباطی مختلف به آن‌ها کمک می‌کند تا بتوانند تعاملات درست و مثبتی با یکدیگر داشته باشند؛ در هنگام بروز اتفاقات ناگوار ارتباط سازنده متقابلی را با یکدیگر برقرار کنند که باعث تلاش زوجین و حمایت از یکدیگر و دوام روابط زناشویی آن‌ها می‌شود.

واژه‌های کلیدی: الگوهای ارتباطی، طلاق عاطفی، زوجین

بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر ذهن آگاهی در تنظیم هیجانی زنان آسیب دیده از خیانت زناشویی

لیلا کریم نژاد

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ساوه، ایران

L_ka2009@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: یکی از پیچیده ترین و آسیب زاترین مشکلات عاطفی بین زوجین خیانت است. خیانت زناشویی یا عهدشکنی نوعی درگیری عاطفی، جنسی یا عاطفی- جنسی با فرد دیگری به غیر از همسر است که حالت پنهانی دارد. خیانت علاوه بر این که منجر به متلاشی شدن ارکان خانواده می‌گردد، باعث صدمات روانی شدید در فرد خیانت دیده می‌شود. استفاده از تکنیک‌های مختلف درمانی از جمله تکنیک توجه آگاهی می‌تواند منجر به بهبود این صدمات روحی و تنظیم هیجانات و عواطف فرد آسیب دیده گردد. پژوهش حاضر به منظور بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر ذهن آگاهی (مایندفولنس) در زنان آسیب دیده از خیانت زناشویی صورت گرفته است.

روش پژوهش: پژوهش مذکور به صورت نیمه آزمایشی (پیش آزمون، پس آزمون) با گروه کنترل می‌باشد. جامعه آماری زنان آسیب دیده از خیانت زناشویی، مراجعه کننده به مراکز بهداشت و سلامت مناطق ۱ تا ۶ شهر تهران در سال ۱۴۰۰ می‌باشند که به صورت نمونه ۳۰ نفر به روش هدفمند انتخاب و ۱۵ نفر به صورت تصادفی در هر یک از گروه‌های آزمایشی و کنترل قرار گرفتند. درمان به صورت ۶ جلسه‌ای برای گروه آزمایشی اجرا و سپس پس آزمون انجام شد. داده‌های پژوهش مستخرج از "پرسشنامه تنظیم هیجان گراس و جان" به روش مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: باتوجه به بررسی فرضیه پژوهش مشخص گردید که مداخله انجام شده (ذهن آگاهی) بر سطح تنظیم هیجان زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی به طور معناداری ($P < 0/01$) تأثیر نیرومند و مثبتی دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج این بررسی بیان می‌کند که مداخلات مربوط به آرام سازی، توجه و ذهن آگاهی، می‌تواند در بالا بردن سطح تنظیم هیجانی افراد بخصوص افراد آسیب دیده از ترومای خیانت تأثیر مثبت و نیرومندی داشته باشد و منجر به بهداشت سلامت افراد گردد.

واژه‌های کلیدی: شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی، تنظیم هیجانی، خیانت زناشویی

بررسی اثربخشی درمان هیجان مدار (EFCT) در افزایش صمیمیت و رضایت زناشویی زوجین دارای دلزدگی زناشویی

لیلا کریم نژاد

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ساوه، ایران

L_ka2009@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: رضایت‌مندی زناشویی نگرش مثبت و لذت بخشی است که زن و شوهر از جنبه‌های مختلف روابط زناشویی خود کسب می‌نمایند. استفاده از تکنیک‌ها، روش‌ها و شیوه‌های مختلف برای بهبود و ارتقاء این رضایت‌مندی و افزایش میزان صمیمیت و دلبستگی، می‌تواند زوجین را از رسیدن به بن‌بست‌های عاطفی، سردی و دلزدگی روحی و روانی که نهایتاً منجر به از بین رفتن کارکرد خانواده و جدایی زوجین گردد، باز دارد. پژوهش حاضر به منظور بررسی اثربخشی "درمان هیجان مدار" در افزایش "صمیمیت" و "رضایت زناشویی" زوجین دارای "دلزدگی زناشویی" صورت گرفته است.

روش پژوهش: در این پژوهش ۴۰ زوج با گروه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال، با حداقل تحصیلات دانشگاهی فوق دیپلم، حداقل ۳ سال زندگی زناشویی، ساکن استان البرز در سال ۱۳۹۹ (مراجعه‌کننده به خانه‌های سلامت و مراکز بهداشت و درمانی) شرکت داشتند که به روش نیمه تجربی به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰ زوج) و گروه گواه (۲۰ زوج) جایگزین شدند. هر دو گروه پیش‌آزمون و پس‌آزمون دریافت کردند و فقط گروه آزمایش تحت درمان مدل درمانی EFCT قرار گرفت. این مدل درمانی طی ۶ جلسه ای ۲ ساعته برای گروه آزمایش اجرا شد. ابزار پژوهش پرسشنامه‌های "رضایت زناشویی انریچ (EMSS)"، "صمیمت زناشویی تامسون و واکر (MIS)" و "دلزدگی زناشویی پانیز (CBM)" بود. داده‌های پژوهش با استفاده از ابزار SPSS و به روش محاسبات آمار توصیفی و استنباطی شامل (میانگین، انحراف استاندارد و تجزیه و تحلیل کوواریانس) مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد بین زوج درمانی هیجان مدار و افزایش رضایت و صمیمت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد و این روش درمانی منجر به افزایش رضایت‌مندی و صمیمیت زناشویی زوجین دارای دلزدگی زناشویی با سطح معناداری ۰،۰۰۱ می‌گردد.

نتیجه‌گیری: در این پژوهش به ارزش و اهمیت استفاده از رویکرد زوج درمانی هیجان محور به عنوان یکی از روش‌های درمان شناختی، برای زوج‌هایی که از آشفتگی زوجی رنج می‌برند پرداخته شد که مشخص شد می‌تواند منجر به بهتر شدن احساسات، شناخت بهتر زوجین از یکدیگر و در نتیجه کاهش سوء تفاهمات و افزایش درک متقابل شده و در تداوم زندگی زناشویی، کاهش خستگی و دلزدگی زناشویی مؤثر واقع شده و نهایتاً با درک بهتر هیجانات یکدیگر، منجر به افزایش صمیمت و رضایت زناشویی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: درمان هیجان مدار (EFCT)، صمیمت زناشویی، رضایت زناشویی، دلزدگی زناشویی.

بررسی اثربخشی درمان شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی (MBCT) در کاهش اضطراب، افسردگی و افزایش بخشش و صمیمیت زنان آسیب دیده از خشونت خانگی

لیلا کریم نژاد

کارشناس ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ساوه، ایران

L_ka2009@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: خشونت خانگی رفتار پر خاشگرا ن های است که عامل خطر طیف وسیعی از مشکلات بهداشتی، سلامت جسمی و روانی محسوب می شود و واقعیتی دردناک است که بر تمام زوایای زندگی قربانیان خود من جمله زنان اثرگذار بوده و افسردگی، اضطراب، انزوا، عدم بخشش و کینه توزی را در پی دارد. استفاده از روش های مختلف درمان های نوین می تواند گامی مؤثر در کاهش صدمات و مشکلات روانی و افزایش سطح سلامت روان زنان آسیب دیده از این خشونت باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی درمان شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی بر کاهش افسردگی، اضطراب و افزایش بخشش و صمیمیت زنان آسیب دیده از خشونت خانگی صورت گرفته است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر یک کار آزمایی بالینی همراه با پیش آزمون و پس آزمون و پیگیری با گروه گواه می باشد که بر روی ۳۰ نفر زن ۲۰-۴۰ ساله شهر تهران که به روش نمونه گیری در دسترس و تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره آزمایشی و گواه قرار گرفته اند. ابزار پژوهش، پرسشنامه های اضطراب بک (BAI) و افسردگی بک (BDI)، مقیاس بخشش هارتلند (HFS)، مقیاس صمیمیت اجتماعی میلر (MSI) و پروتکل مداخله درمان شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی (MBCT) می باشد که به صورت ۸ جلسه انجام شد. داده های به دست آمده طی روش آماری توصیفی و استنباطی تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج پژوهش مشخص می نماید که درمان شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی (MBCT) به طور معناداری در کاهش افسردگی و اضطراب و افزایش صمیمیت و بخشش زنان آسیب دیده از خشونت در سطح معنی داری $p \leq 0/001$ مؤثر واقع می گردد.

نتیجه گیری: با توجه به این که مشکلات زناشویی به خصوص خشونت خانگی در کیفیت زندگی افراد بسیار مهم و مؤثر می باشد لذا می توان از طریق روش های درمانی مختلف از جمله درمان مبتنی بر ذهن آگاهی (MBCT) از طریق ایجاد توجه هدفمند و غیر قضاوتی (به شیوه ای خاص به لحظه و شرایط کنونی) به گونه ای اقدام نمود تا نه تنها در پیشگیری از بروز اختلالات شناختی مؤثر باشد، بلکه در درمان و کاهش علایم افسردگی و اضطراب نیز تأثیر گذار بوده و با تأثیر بر تغییر نگرش افراد باعث افزایش میزان صمیمیت و بخشودگی زنان آسیب دیده از خشونت خانگی گردد.

واژه های کلیدی: درمان شناختی مبتنی بر ذهن آگاهی، افسردگی، اضطراب، بخشش، صمیمیت، خشونت خانگی



بررسی اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) در کاهش اضطراب و افسردگی و افزایش سطح سلامت روان و رشد پس از سانحه زنان آسیب دیده از خشونت خانگی

لیلا کریم نژاد

کارشناس ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ساوه، ایران

L_ka2009@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: پدیده دردناک خشونت علیه زنان در ابعاد مختلف آن سلامت جسم و روان زنان را به خطر می اندازد و حقوق انسانی آنان را مورد تجاوز قرار می دهد. خشونت علیه زنان پدیده ای است که در آن زن به خاطر جنسیت خود و به علت صرفاً زن بودن مورد اعمال زور و تضییع حق از سوی جنس مخالف (عمدتاً همسر و پدر) قرار می گیرد. بطور کلی هر نوع عمل یا رفتاری که به آسیب جسمی، جنسی و روانی یا محرومیت و عذاب زن منجر شود خشونت علیه زنان گفته می شود. در این پژوهش سعی شده است که بعد از آشنایی با مفهوم خشونت و اشکال آن، به بررسی اثربخشی یکی از روش های درمان شناختی (ACT) جهت تعدیل علایم روانی آسیب ناشی از خشونت از جمله اضطراب و افسردگی و افزایش و بهبود سطح سلامت روان این افراد پرداخته شود.

روش پژوهش: پژوهش حاضر یک کار آزمایشی بالینی همراه با پیش آزمون و پس آزمون و پیگیری با گروه کنترل می باشد که بر روی ۳۰ نفر از زنان ۳۰ تا ۴۵ ساله شهر تهران مراجعه کننده به مراکز حقوقی و قضایی، به روش نمونه گیری به صورت در دسترس و تصادفی می باشد که طی آن شرکت کنندگان در دو گروه ۱۵ نفره آزمایشی و کنترل قرار گرفتند. ابزار پژوهش، پرسشنامه رشد پس از سانحه (PTGI)، تدسچی و کالهن، پرسشنامه افسردگی (BDI) و اضطراب بک (BAI)، چک لیست علائم و نشانه های اختلالات روانی (SCL-25)، پرسشنامه خشونت خانگی CTS-2 اشتراوس و پروتکل مداخله درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد ACT می باشد که به صورت ۸ جلسه ای انجام شد.

یافته ها: استفاده از روش درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) به طور معناداری بر بهبود علائم خلقی (اضطراب و افسردگی) و افزایش رشد پس از سانحه و بهبود سطح سلامت روان زنان آسیب دیده از خشونت مؤثر بوده است ($P \leq 0/001$).

نتیجه گیری: نتایج پژوهش صورت گرفته بیان می دارد که با توجه به این که مشکلات زناشویی عامل مؤثر و مهمی در سطح سلامت روان و کیفیت زندگی افراد می باشد، می توان از طریق روش ها و درمان های شناختی مختلف از جمله درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) نسبت به کاهش میزان اختلالات خلقی ایجاد شده ناشی از آن (از جمله افسردگی و اضطراب) و بالا بردن سطح کلی سلامت روان افراد و رشد پس از سانحه گروه هدف (زنان آسیب دیده از خشونت) نسبت به بهینه نمودن شرایط اقدام نمود. یافته های این پژوهش ارزش و اهمیت استفاده از رویکرد درمان شناختی از جمله ACT، برای افرادی که از آشفتگی زندگی زناشویی دچار رنج شده اند را در تداوم حیات آن ها و بهبود اختلالات و افزایش سطح سلامت روان و زندگیشان مؤثر می داند.

واژه های کلیدی: درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد، افسردگی، اضطراب، رشد پس از سانحه، سلامت روان، خشونت خانگی

بررسی رابطه‌ی تاب‌آوری، هوش معنوی و سازگار اجتماعی با سلامت روان فرزندان طلاق

ملوک ورزیده رنج^{۱*}، زهره فریدونیان^۲، الهام سلمان صابری^۳، جمیله سعیداوی^۴

^{۱*} - کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ - کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهیدباهنر، کرمان، ایران

^۳ - کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران

^۴ - کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران

Moloukvarzideh57@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: نقش خانواده به عنوان نخستین و پایداری‌ترین عامل تأثیرگذار بر سلامت روانی افراد روشن و بلامنازع است. وقوع طلاق می‌تواند با ایجاد تغییرات فاحش در عملکرد سالم نظام خانواده سبب تغییر در تاب‌آوری، هوش معنوی و سازگاری اجتماعی افراد گردد و اثرات منفی بر سلامت روانی فرزندان به جا نهد. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی تاب‌آوری، هوش معنوی و سازگاری اجتماعی با سلامت روان فرزندان طلاق شهر اهواز است.

روش پژوهش: روش این پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی است و برای نمونه آماری تعداد ۱۲۰ نفر فرزندان طلاق در سنین ۱۲ تا ۱۸ سال به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای مورد مطالعه از پرسشنامه‌های تاب‌آوری کونور و دیویدسون (cd-risc)، هوش معنوی (SIQ) عبدالله و همکاران، پرسشنامه سازگاری (AISS) دانش‌آموزان سینها و سینگ و سلامت روان (GHQ-28) گلدبرگ و هیلیر استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که متغیرهای پیش‌بین یعنی تاب‌آوری، هوش معنوی و سازگاری اجتماعی به طور معنادار با سلامت روان رابطه دارند، سلامت روان فرزندان طلاق را پیش‌بینی می‌کنند و حدود ۳۰ درصد از واریانس سلامت روان را تبیین می‌نمایند. هم‌چنین از میان متغیرهای پیش‌بین، متغیر سازگاری (آموزشی و عاطفی) و تاب‌آوری به طور معنادار و مثبتی سلامت روان را پیش‌بینی می‌کنند.

نتیجه‌گیری: پیشنهاد می‌شود برای کاهش اثرات طلاق بر فرزندان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، آموزش به والدین از طریق رسانه‌های جمعی، در دسترس بودن مراکز مشاوره خانواده و خانواده‌درمانی که می‌تواند سطح عملکرد خانواده را بهبود بخشد و منجر به بهداشت روانی فرزندان و به ویژه پیشگیری از ناسازگاری آن‌ها شود، برای خانواده‌ها در نظر گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: تاب‌آوری، هوش معنوی، سازگاری اجتماعی و سلامت روان

بررسی اثربخشی زوج درمانی به شیوه گاتمن بر بهبود صمیمیت زوجین شهر اهواز

محسن نظری فر

دکتری (استادیار مشاوره)، گروه روان‌شناسی و مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

m-nazarifar@araku.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: صمیمیت از جمله عواملی است که برای تحکیم روابط زناشویی، ایجاد محبت بیشتر و جلوگیری از گسیختن پیوندهای زناشویی ضرورت دارد. مطالعه عوامل مرتبط و رویکردهای مؤثر بر صمیمیت زناشویی و ابعاد مختلف آن به جهت تأثیری که بر بهداشت روانی خانواده دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است. هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی زوج درمانی به شیوه گاتمن بر صمیمیت زناشویی زوجین شهر اهواز بود.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی و جامعه آماری این پژوهش کلیه زوجین شهر اهواز بودند که به فراخوان محقق برای بهبود صمیمیت زناشویی پاسخ داده بودند. نمونه این پژوهش را تعداد ۳۰ زوج تشکیل می‌داد که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و سپس به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش و گواه گمارده شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه صمیمیت در ازدواج وندن بروک و برتمن (MIQ) و طرح پژوهش، طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون بود. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل کواریانس تک‌متغیری و چندمتغیری تحلیل گردید.

یافته‌ها: نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که زوج درمانی به شیوه گاتمن باعث بهبود صمیمیت زناشویی و مؤلفه‌های آن، شامل صمیمیت، میزان توافق، میزان صادق بودن، علاقه و محبت داشتن به یکدیگر و میزان پایبندی به تعهدات، شده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر و اثربخشی رویکرد زوج درمانی گاتمن و تأکید این رویکرد بر شناخت و اصلاح ۴ رفتار مخرب و تأثیر آن بر ارتباط زناشویی و صمیمیت همسران، توصیه می‌شود این رویکرد در آموزش‌های پیش از ازدواج و نیز درمان‌های زوجی به کار گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: زوج درمانی گاتمن، صمیمیت.

اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار به شیوه گرینبرگ بر بهزیستی روان شناختی زوجین دارای تعارض

محسن نظری فر

دکتری، استادیار مشاوره، گروه روان‌شناسی و مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

m-nazarifar@araku.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: بهزیستی روانی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی سلامت عمومی و نیز رضایتمندی در رابطه زناشویی در نظر گرفته می‌شود. بهزیستی روانی یک مفهوم متنوع چند بعدی است که در نتیجه ترکیب تنظیم هیجانی، ویژگی‌های شخصیتی، هویت و تجارب زندگی به وجود می‌آید. هدف از انجام این پژوهش بررسی اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار به شیوه گرینبرگ بر بهزیستی روان شناختی زوجین متعارض شهر اهواز بود.

روش پژوهش: روش این پژوهش نیمه آزمایشی و از نوع پیش آزمون، پس آزمون و آزمون پیگیری بود. جامعه آماری در این پژوهش زوجین دارای تعارضی بودند که جهت دریافت خدمات روان‌شناختی خانواده به مراکز تخصصی خانواده در شهر اهواز مراجعه کرده بودند. نمونه این پژوهش را تعداد ۲۶ زوج تشکیل می‌داد که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و سپس به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه گمارده شدند. گروه آزمایش در ۱۰ جلسه یک ساعته به صورت یک جلسه در هفته، تحت مداخله زوج درمانی هیجان مدار قرار گرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف (RSPWB) استفاده گردید. داده‌ها با آمار توصیفی و تحلیل کوواریانس تک‌متغیری و چندمتغیری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که زوج درمانی هیجان مدار به شیوه گرینبرگ باعث افزایش بهزیستی روان‌شناختی گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه شد و این اثر تا مرحله پیگیری ادامه یافت.

نتیجه‌گیری: زوج‌درمانی هیجان‌مدار به شیوه گرینبرگ از طریق تغییر چرخه‌های تعاملی منفی، بازسازی الگوهای تعاملی و تسهیل پیدایش راهکارهای تازه برای حل مسایل قدیمی در ارتباط، موجب بهبود روابط زوجی و بهزیستی روان‌شناختی زوجین متعارض می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: زوج درمانی هیجان مدار به شیوه گرینبرگ، بهزیستی روان شناختی، زوجین متعارض

اثربخشی آموزش تصویر سازی ارتباطی (ایماگو تراپی) بر بهبود رضایت جنسی بانوان دارای الگوی ارتباطی مختل

زهره اروجلو^{۱*}، کامیان خزایی^۲

^{۱*} - کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ - دکتری، استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، ایران

Orojloozohreh73@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: آمارهای مراجعه‌کنندگان به مراکز مشاوره و روان‌شناسی نشانگر آن است که نارضایتی جنسی در میان همسران جوان دارای فراوانی زیادی است با توجه به اهمیت آسیب شناختی کاهش رضایت جنسی در تأثیر گذاری بر همه ارکان خانواده این مطالعه بر آن است تا اثربخشی آموزش تصویر سازی ارتباطی (ایماگو تراپی) بر بهبود رضایت جنسی زنان دارای الگوهای ارتباطی مختل را مورد بررسی قرار دهد.

روش: این مطالعه با هدف بررسی اثربخشی آموزش تصویر سازی ارتباطی بر افزایش رضایت جنسی زنان دارای الگوهای ارتباطی مختل به روش نیمه آزمایشی صورت پذیرفته است و جامعه آماری پژوهش حاضر را زنانی تشکیل داده اند که دارای مشکلات ناشی از عدم رضایت جنسی داشتن الگوهای ارتباطی مختل هستند که به کلینیک‌های تحت نظارت اداره بهداشتی منطقه ۲ تهران مراجعه نموده اند. نمونه گیری به روش هدفمند صورت پذیرفته است و ۳۰ نفر از این زنان انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل جایگزین شده اند. مقیاس چند بعدی رضایت جنسی زنان (SSSW) برای اندازه‌گیری متغیرها به کار برده شدند و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کوواریانس در خصوص این مطالعه حاکی از آن است که آموزش تصویر سازی ارتباطی بر رضایت جنسی و به ترتیب بر افزایش مؤلفه‌های رضایت، ارتباط جنسی و کاهش اضطراب رابطه‌ای و اضطراب شخصی با ضرایب اتای ۰/۶۵، ۰/۵۱، ۰/۵۵ و ۰/۴۸ در زنان دارای الگوهای ارتباطی مختل اثربخش بوده است.

نتیجه‌گیری: بنابر یافته‌های این مطالعه، از آموزش تصویر سازی ارتباطی می‌توان به عنوان یکی از مداخلات بالینی اثربخش به منظور بهبود رضایت جنسی زنان دارای الگوهای ارتباطی مختل بهره برد.

واژه‌های کلیدی: آموزش تصویر سازی ارتباطی، رضایت جنسی، الگوهای ارتباطی مختل

اثربخشی آموزش تصویر سازی ارتباطی (ایماگوتراپی) بر بهبود عملکرد خانواده بانوان دارای الگوی ارتباطی مختل

زهره اروجلو*^۱، زینب اکبری گلسفید^۲

*۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، ایران (نویسنده مسئول)

۲- کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، ایران

Orojloozohreh73@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به اهمیت آسیب شناختی افت عملکرد اعضای خانواده در تأثیر گذاری بر همه ارکان خانواده این مطالعه بر آن است تا اثربخشی آموزش تصویر سازی ارتباطی (ایماگوتراپی) بر بهبود عملکرد خانواده زنان دارای الگوهای ارتباطی مختل را مورد بررسی قرار دهد.

روش: این مطالعه با هدف بررسی اثربخشی آموزش تصویر سازی ارتباطی بر بهبود عملکرد خانواده زنان دارای الگوهای ارتباطی مختل به روش نیمه آزمایشی صورت پذیرفته است و جامعه آماری پژوهش حاضر را زنانی تشکیل داده اند که دارای مشکلات ناشی از عدم عملکرد خانواده و داشتن الگوهای ارتباطی مختل هستند که به کلینیک‌های تحت نظارت اداره بهزیستی منطقه ۲ تهران مراجعه نموده اند. نمونه گیری به روش هدفمند صورت پذیرفته است و ۳۰ نفر از این زنان انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل جایگزین شده اند. پرسشنامه عملکرد خانواده (FAD) برای اندازه‌گیری متغیرها به کار برده شدند و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره در خصوص این فرضیه حاکی از آن است که آموزش تصویر سازی ارتباطی بر عملکرد خانواده و مؤلفه‌های آن به ترتیب حل مشکل، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار با ضرایب اتای ۰/۴۵، ۰/۷۶، ۰/۲۷ و ۰/۲۸ در زنان دارای الگوهای ارتباطی مختل اثربخش است.

نتیجه‌گیری: بنابراین نتایج، از آموزش تصویر سازی ارتباطی می‌توان به عنوان یکی مداخلات بالینی در بهبود عملکرد خانواده و مؤلفه‌های حل مشکل، همراهی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار بهره برد.

واژه‌های کلیدی: آموزش تصویر سازی ارتباطی، عملکرد خانواده، الگوهای ارتباطی مختل

همکاری زوجین مهمترین عامل در استحکام بنیان خانواده

حسین خانلری بهنمیری

دکتری (استادیار دانشکده علوم انسانی)، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

H.khanlarib@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: در آیات قرآن کریم؛ به تعبیر جالبی همچون آرامش، مودت، خوش رفتاری، عدالت، اشاره شده است؛ که پایه‌های بنیادین خانواده را تشکیل می‌دهند. یکی از اهداف تدوین قوانین برگرفته از حقوق اسلامی در حوزه ی خانواده؛ استحکام هر چه بیشتر بنیان خانواده است و یکی از مهمترین عوامل در ایجاد این استحکام، همکاری زوجین در تشدید مبانی خانواده است. در تنظیم روابط عاطفی زن و شوهر اخلاق بیش از قواعد حقوق حکومت دارد، چرا که در این رابطه سخن از عواطف انسانی، عشق و صمیمیت و وفاداری است. لازم است که زوجین از انجام هیچ عملی که به تقویت بنیان خانواده منجر شود؛ دریغ نورزند. در این مطالعه، به ضرورت هر چه بیشتر همکاری زوجین برای تشدید مبانی خانواده پرداخته شده است.

روش: برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه ای و مقالات نگارش یافته در این زمینه، استفاده شده است. برای تبیین هر چه بهتر، مفهوم همکاری زوجین، مؤلفه‌هایی همچون خوش رفتاری شوهر نسبت به زن، احترام به او، خوش زبانی و مدارا با او، احترام زن نسبت به شوهر، پرهیز از تندخویی و بدزبانی زوجین نسبت به یکدیگر، مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها: اصولاً در خانواده‌ای که زوجین همکاری ندارند، بدون تردید روابط عاطفی قابل تحسینی نیز وجود ندارد، چرا که یکی از نشانه‌های ابراز علاقه و ادای احترام به شریک زندگی مشترک؛ همکاری داشتن با او در همه زمینه‌های زندگی است، از قبیل نگهداری و تربیت فرزندان، که الگو سازی برای فرزندان نیز خواهد بود. همکاری زوجین در تشدید مبانی خانواده به عنوان کوچکترین نهاد اجتماعی یک جامعه، موجب تداوم روابط اجتماعی در جامعه خواهد بود. هر چه زوجین در تشدید مبانی خانواده همکاری بیشتری داشته باشند اثرات آن در استحکام خانواده، تربیت فرزندان موفق که آینده سازان کشور تلقی می‌شوند و در نهایت ایجاد یک جامعه امن و به دور از تنش، مشهود خواهد بود. شاید یکی از مهم‌ترین عوامل طلاق و جدایی در کنار عوامل دیگر، عدم همکاری و تشریک مساعی زن و شوهر در حفظ خانواده، عدم توجه به این وظیفه مهم است.

واژه‌های کلیدی: زوجین، مبانی خانواده، همکاری، استحکام خانواده

مدل علی فرایند و محتوای خانواده، انواع رفتار جامعه پسند و انواع رفتار جامعه ستیز با واسطه گری تنظیم شناختی هیجان

سید محمد صادق امامی^{۱*}، سیامک سامانی^۲

*۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات فارس، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکتری (دانشیار)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران

smsamamy@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: بی‌تردید رفتارهای جامعه پسند و رفتارهای جامعه ستیز، ریشه در بستر خانواده دارد اگر این نهاد کارآمد باشد، سعادت و توفیق آن جامعه دور از ذهن نخواهد بود و اگر این نهاد ناکارآمد باشد، به تربیت افراد ناکارآمد بلکه آسیب رسان منجر خواهد شد. هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه علی مدل فرایند و محتوای خانواده با رفتار جامعه پسند و جامعه ستیز با واسطه گری تنظیم شناختی هیجان بود که اطلاعات جدیدی از میزان تأثیر خانواده بر رفتارهای اجتماعی و اهمیت داشتن مهارت‌های زندگی را به ما نشان داد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. نمونه مورد بررسی ۶۷۱ دانشجو بودند که با روش داوطلبانه انتخاب شدند. در این پژوهش فرایند و محتوای خانواده به عنوان متغیرهای برون‌زاد و رفتار جامعه پسند و رفتار جامعه ستیز به عنوان متغیرهای درون‌زاد و تنظیم شناختی هیجان به عنوان متغیر واسطه در نظر گرفته شده است که با ابزارهای اندازه‌گیری، مقیاس خودگزارشی محتوای خانواده (SFCS)، مقیاس خودگزارشی فرایند خانواده (SFPS)، پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان (CERQ)، مقیاس رفتار جامعه پسند (PSBS) و مقیاس رفتار جامعه ستیز (ASBS)، ارزیابی شدند. سپس با نرم افزار SPSS و LISREL در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که مدل علی فرایند و محتوای خانواده و انواع رفتار جامعه پسند و انواع رفتار جامعه ستیز با واسطه گری تنظیم شناختی هیجان از برازش کافی برخوردار است و گونه‌های خانواده، به شکل غیر مستقیم با رفتار جامعه ستیز و رفتار جامعه پسند رابطه‌ی معناداری دارند. این رابطه از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنی دار است که این امر بیانگر نقش واسطه‌ای مؤثر متغیر تنظیم شناختی هیجان است.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج می‌توان به این نتیجه رسید که در صورت ارتقای کیفیت فرایندها از طریق آموزش خانواده و همچنین توسعه کیفیت محتوای خانواده، می‌توان مقدمات توسعه جامعه پسندی را در جامعه مهیا کرد و از افزایش رفتارهای جامع ستیز پیشگیری نمود.

واژه‌های کلیدی: رفتار جامعه پسند، رفتار جامعه ستیز، تنظیم شناختی هیجان، فرایند خانواده، محتوای خانواده

ساخت و اعتباریابی مقیاس تواضع و فروتنی

معصومه غلام حسینی^{۱*}، غلام حسین مکتبی^۲

*۱- کارشناسی ارشد روانشناسی اسلامی مثبت نگر دانشگاه پیام نور اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکتری، دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

ma.gholamhosseini@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: تواضع و فروتنی یکی از صفات پسندیده میباشد که باعث افزایش سلامت روحی و روانی میشود و سنجش آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. در خصوص اینکه تا کنون هیچ مقیاس معتبر در سنجش این صفت وجود نداشته است، بر همین اساس وجود آن ضروری می باشد. هدف از این پژوهش ساخت و اعتباریابی مقیاس تواضع بر اساس موازین اسلامی به منظور سنجش صفت اخلاقی تواضع می باشد.

روش پژوهش: بدین منظور، ابتدا آیات و روایات مرتبط با موضوع، مورد مطالعه، دسته بندی و مفهوم شناسی قرار گرفت و پس از طراحی گویه ها برای بررسی روایی محتوای آن ها مورد نظر کارشناسان قرار گرفت و در نهایت ۵۷ گویه استخراج شد. جامعه ی آماری مورد مطالعه شامل ۲۵۵ نفر از دانشجویان دانشگاه پیام نور اهواز در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ که با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شد. برای بررسی پایایی آن از تحلیل عامل اکتشافی استفاده شدند و پس از وارد کردن نمره کلیه گویه ها در نرم افزار SPSS و چرخش واریماکس معناداری گویه هایی که ارزش بالاتر از یک داشتند در سه عامل مشخص شد. در مجموع سه عامل استخراج شده ۳۴/۹۶٪ از واریانس کل آزمون را تبیین می نماید. برای احراز پایایی از روش آلفای کرونباخ که مقدار آن برای کل مقیاس تواضع ۰/۹۰٪ و برای خرده مقیاس های اجتماعی ۰/۹۲٪ (عامل اول با ۲۱ گویه) تواضع فردی ۰/۷۲٪ (عامل دوم با ۸ گویه) و تواضع رفتاری ۰/۵۲٪ (عامل سوم با ۳ گویه) مشخص شد و بعد از تحلیل نهایی ۳۲ گویه دارای روایی و پایایی بالایی بودند.

یافته ها: براساس یافته های پژوهش می توان گفت این پرسشنامه دارای اعتبار و روایی بالا بوده و عوامل منسجمی که از آن به دست می آید را می توان برای سنجش ویژگی اخلاقی تواضع و فروتنی افراد، مورد مطالعه قرار داد و در پژوهش های آتی از آن استفاده کرد.

واژه های کلیدی: اعتباریابی، مقیاس تواضع، تحلیل عامل اکتشافی

نقش میانجی‌گری افکار پارانویید در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و دزدگی زناشویی در بین دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اراک

احسان مرادی^{۱*}، زهرا دهقانی^۲

۱- دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، بروجرد، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، بروجرد، ایران

moradiehsan2029@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: ازدواج موفق موجب افزایش سلامت جسمانی و روان‌شناختی می‌شود. بر همین اساس، مطالعه عوامل مرتبط با مشکلات و دزدگی زناشویی و ابعاد مختلف آن به جهت تأثیری که بر بهداشت روانی افراد دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی‌گری افکار پارانوییدی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با دزدگی زناشویی انجام گرفته است.

روش پژوهش: در این پژوهش که از نظر هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق همبستگی بود و در بین ۱۱۰ نفر دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اراک انجام شد، پرسشنامه‌های سبک دلبستگی جان بالبی (۱۹۹۰)، دزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶)، افکار پارانویید گرین و همکاران (۱۹۹۰) توزیع شد و رابطه دو متغیر سبک‌های دلبستگی و افکار پارانوییدی و همچنین رابطه بین افکار پارانویید و دزدگی زناشویی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون سنجیده شد.

یافته‌ها: آزمون سطح معناداری نشان داد که بین سبک دلبستگی و افکار پارانویید رابطه معناداری وجود دارد. از طرفی رابطه بین دو متغیر افکار پارانویید و دزدگی زناشویی نیز که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون سنجیده شده بود، تأیید شد. سپس با استفاده از آزمون سوبل فرضیه پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت در پایان نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی و دزدگی زناشویی با میانجی‌گری افکار پارانویید رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده و تأثیری که سبک‌های دلبستگی بر افکار پارانویید و همچنین افکار پارانویید بر دزدگی زناشویی داراست، بهتر است اقدامات روان‌شناختی لازم جهت بررسی، شناسایی و بهینه‌سازی سبک‌های دلبستگی ناایمن و افکار پارانویید زوجین در مشاوره‌های پیش از ازدواج صورت گرفته تا موجب پیشگیری از مشکلات زناشویی احتمالی بعدی شود.

واژه‌های کلیدی: افکار پارانوییدی، سبک‌های دلبستگی، دزدگی زناشویی

نقش الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی انگیزش درمان افراد وابسته به مواد

فاطمه جاوند^۱، اعظم سهرابی^۲، فاطمه بجروانی^۳، محمد محمودی^۴، علی بابایی^۵، بهزاد ماله‌میر^{۶*}

- ۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد واحد تهران غرب، ایران
- ۲- کارشناسی ارشد پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی بابل، مازندران، ایران
- ۳- کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران
- ۴- کارشناسی روان‌شناسی عمومی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران
- ۵- کارشناسی پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، ایران
- ۶- کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول)

Behzadpsycho4@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: اعتیاد اختلالی مزمن و بازگشت‌کننده است که تأثیرات عمیق اجتماعی، روان‌شناختی، جسمی و اقتصادی در پی دارد. با توجه به تأثیرات آن بر جامعه و افراد، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش الگوهای ارتباطی خانواده و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی انگیزش درمان معتادان افراد وابسته به مواد بود.

روش پژوهش: مطالعه حاضر کاربردی و از نوع توصیفی همبستگی می‌باشد. جامعه آماری مطالعه حاضر شامل کلیه مراجعین به مراکز ترک اعتیاد استان قزوین در سال ۹۹-۱۴۰۰، می‌باشند که از این تعداد ۱۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند و نمونه پژوهش را تشکیل دادند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه‌های مراحل آمادگی برای تغییر و اشتیاق درمان میلر و تونینگان، پرسش‌نامه تجدیدنظر شده الگوهای ارتباطی خانواده فیتزپاتریک و ریچی و پرسش‌نامه سبک دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید استفاده شد. داده‌های به دست آمده با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که الگوی ارتباطی گفت و شنود، سبک دلبستگی نزدیکی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با انگیزش درمان ارتباط مثبت و معناداری دارد، همچنین الگوی ارتباطی همنوایی، سبک دلبستگی وابستگی و اضطراب با انگیزش درمان ارتباط منفی و معناداری دارد. الگوی ارتباطی خانواده، سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی ۰/۳۴ از واریانس انگیزش درمان را تبیین کردند. بر اساس یافته‌های پژوهش الگوی ارتباطی خانواده، سبک‌های دلبستگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی می‌توانند انگیزش درمان افراد مبتلا به اعتیاد را پیش‌بینی کنند.

نتیجه‌گیری: بنابراین با آموزش و تقویت انعطاف‌پذیری روان‌شناختی و انجام مداخلات مربوط به سبک‌های دلبستگی و اصلاح الگوهای ارتباطی خانواده می‌توان انگیزش درمان را در افراد مبتلا به اعتیاد افزایش داد.

واژه‌های کلیدی: الگوهای ارتباطی خانواده، سبک‌های دلبستگی، انگیزش درمان.

تعهد و پذیرش در خانواده‌های با عضو مبتلا به اسکیزوفرنیا

ماهرخ ذبیحی^{۱*}، سمیه انتظاری^۲، سیدمحمد رضا علوی زاده^۳

- * ۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۲- دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی بالینی، موسسه عصب‌روان‌شناسی بالینی ورزشی تهران، تهران، ایران
۳- دکتری روان‌شناسی، گروه عصب‌روان‌شناسی ورزشی، موسسه عصب‌روان‌شناسی بالینی ورزشی تهران، تهران، ایران

mahrokhzabihi71@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش‌ها گزارش کرده‌اند که برنامه‌های آموزش روانی می‌تواند بار روانی مراقبان خانوادگی افراد دارای اختلال اسکیزوفرنیا را کاهش دهد. هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش روانی مبتنی بر تعهد و پذیرش بر افسردگی، اضطراب و بار روانی مراقبان افراد دارای اسکیزوفرنیا بود.

روش پژوهش: این مطالعه پژوهشی نیمه‌آزمایشی است که از طرح پیش‌آزمون پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده کرده است؛ و اثربخشی یک برنامه آموزش روانی چهار جلسه‌ای را بررسی نمود. نمونه شامل ۴۰ نفر از مراقبین خانوادگی بیماران مبتلا به اسکیزوفرنیا که به صورت دوره‌ای در مرکز خصوصی نگهداری بیماران روانی استان البرز ساکن بودند می‌شد، که به صورت دسترس انتخاب شدند؛ شرکت‌کنندگان پرسشنامه افسردگی و اضطراب یک را تکمیل نمودند؛ داده‌ها با استفاده از تحلیل کواریانس در محیط SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که آموزش روانی مبتنی بر تعهد و پذیرش افسردگی و اضطراب مراقبان افراد دارای اسکیزوفرنیا را کاهش می‌دهد.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این پژوهش برنامه آموزش خانواده با کاهش افسردگی و اضطراب بر کاهش بار روانی مراقبین خانوادگی بیماران دارای اسکیزوفرنیا اثربخش بوده و این امر می‌تواند کیفیت زندگی بیماران و مراقبین را به طور بالقوه‌ای بهبود دهد.

واژه‌های کلیدی: تعهد و پذیرش، افسردگی، اضطراب، اسکیزوفرنیا

پیش‌بینی رفتارهای ارتقادهنده‌ی سلامت از طریق حمایت اجتماعی ادراک‌شده و میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی در زنان باردار در دوران شیوع کرونا

فائزه مهدوی جعفری^{۱*}، مهشید تجربه کار^۲

* ۱- دانشجوی کارشناسی‌ارشد مشاوره‌ی خانواده، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

۲- استادیار بخش روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

m.tajrobehkar@uk.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به شیوع کرونا از سال ۱۳۹۸ در ایران و اثرات آن بر سلامت افراد مختلف، پژوهش حاضر با هدف بررسی پیش‌بینی رفتارهای ارتقادهنده‌ی سلامت از طریق حمایت اجتماعی ادراک‌شده با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی انجام شد.

روش پژوهش: روش این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه‌ی مورد مطالعه، زنان باردار شهر کرمان در دوران کرونا در بازه‌ی زمانی آذرماه تا بهمن‌ماه ۱۳۹۹ بود. ۲۷۱ نفر از این زنان به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: پروفایل سبک زندگی ارتقادهنده‌ی سلامت و پیرایش‌شده (HPLP-II)، مقیاس حمایت اجتماعی ادراک‌شده‌ی چندبعدی (MSPSS)، مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان هازن و شاور (ASQ). جهت آزمون فرضیه‌ها از معادلات ساختاری با نرم‌افزار AMOS²³ و تکنیک بوت‌استرپ استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که رفتارهای ارتقا دهنده‌ی سلامت توسط حمایت اجتماعی ادراک‌شده پیش‌بینی می‌شود. در این پژوهش اثر متغیر میانجی معنادار نشد.

نتیجه‌گیری: با توجه به این یافته می‌توان گفت که حمایت اجتماعی ادراک‌شده می‌تواند رفتارهای ارتقادهنده‌ی سلامت را پیش‌بینی کند. لذا پیشنهاد می‌شود برنامه‌های ویژه‌ی جهت افزایش حمایت اجتماعی ادراک‌شده در زنان باردار در مراکز درمانی اجرا گردد.

واژه‌های کلیدی: سلامت، حمایت اجتماعی، دلبستگی، زنان باردار

مدل پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس خودشناسی، عشق با میانجیگری هوش هیجانی

ایران صادقی^۱، افشین صلاحیان^{۲*}، مهدیه صالحی^۳

۱- دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*۲- استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳- استادیار گروه روان‌شناسی واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

salahyanafshin@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: این پژوهش در زمینه بهبود رشد فردی در روابط زوجین با هدف سلامتی خانواده و کاهش تعارضات زناشویی به بررسی مدل پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس خودشناسی، عشق با میانجیگری هوش هیجانی پرداخت.

روش پژوهش: بوسیله نمونه گیری خوشه ای به صورت تصادفی از مراجعین زوج مراکز مشاوره شهر تهران، ۲۴۸ نفر نمونه (۱۱۵ زن و ۱۳۳ مرد) انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده برای جمع آوری اطلاعات پرسشنامه تعارضات زناشویی و همکارن (MCQ)، پرسشنامه خودشناسی (ISK)، پرسشنامه عشق استرنبرگ (STLS) و پرسشنامه هوش هیجانی (EQ) بودند. داده‌های پیمایش پس از گردآوری با استفاده از نرم افزار SMART.PLS و از طریق مدل سازی معادلات ساختاری به شکل بدون خرده مقیاس تجزیه - تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها مشخص ساختند که متغیرهای خودشناسی و عشق توانستند واریانس هوش هیجانی را با مقدار ۴۷/۲ درصد تبیین کنند و این دو متغیر همراه متغیر میانجی توانستند واریانس تعارضات زناشویی را با مقدار ۶۸/۲ درصد پیش‌بینی کنند، هم‌چنین نقش میانجی‌گری هوش هیجانی در هر دو مسیر معنی دار بود.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که مدل پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس خودشناسی، عشق با میانجی‌گری هوش هیجانی دارای برازش مطلوب است. با توجه به نتایج این مطالعه تدوین یک پروتکل آموزشی - درمانی دقیق برای زوجین با هدف کاهش تعارضات زناشویی و افزایش سلامت جامعه پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تعارضات زناشویی، خودشناسی، عشق، هوش هیجانی

پیش‌بینی کیفیت زناشویی بر اساس تعهد و اعتماد، ارتباط سازنده و دوست داشتن و محبت

فرزانه نیک نژادی^{۱*}، سمیه عابدینی چمگردانی^۲

*۱- دکتری، استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر، خمینی‌شهر، ایران (نویسنده مسئول)

۲- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر، خمینی‌شهر، ایران

Niknejdi@iaukhsh.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: کیفیت زناشویی به دلیل اهمیت آن در ازدواج و پیامدهای فردی و اجتماعی مرتبط با آن یکی از عناصر اصلی و مهم در پیش‌بینی سلامت روان و بهزیستی روان شناختی افراد می‌باشد و همچنین به عنوان عاملی مهم در تشخیص سلامت زندگی زناشویی محسوب می‌شود؛ به همین جهت محققان و متخصصان خانواده به دنبال بررسی عوامل پیش‌بینی کننده این سازه می‌باشند. هدف این پژوهش پیش‌بینی کیفیت زناشویی بر اساس تعهد و اعتماد، ارتباط سازنده و دوست داشتن و محبت در زنان متأهل مشاور بود.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر توصیفی، از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان مشاور متأهل در حال فعالیت در مراکز مشاوره شهر اصفهان در سال ۱۴۰۰ می‌شد، که ۲۰۷ نفر از آن‌ها به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. نمونه پژوهش به مقیاس تجدید نظر شده کیفیت زناشویی (RDAS) باسبی، کران، لارسن و کریستنسن و برای سنجش تعهد و اعتماد، ارتباط سازنده و دوست داشتن و محبت به پرسشنامه جاذبه‌های زناشویی (MAQ) سلیمی، جاودان، زارعی و نجارپوریان پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که تعهد و اعتماد، ارتباط سازنده و دوست داشتن و محبت می‌توانند کیفیت زناشویی را پیش‌بینی نمایند ($P < 0/001$). همچنین نتایج نشان داد که دوست داشتن و محبت، تعهد و اعتماد و ارتباط سازنده می‌توانند ۳۹/۴ درصد از واریانس کیفیت زناشویی را تبیین کنند.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های به دست آمده از پژوهش مبنی بر دوست داشتن و محبت، تعهد و اعتماد و ارتباط سازنده به عنوان پیش‌بین کیفیت زناشویی، مهم است که این عوامل در غنی‌سازی روابط زناشویی در برنامه‌های آموزشی و جلسات مشاوره ازدواج در مراکز ذی‌ربط مورد توجه قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زناشویی، تعهد و اعتماد، ارتباط سازنده، دوست داشتن و محبت

بررسی رابطه نقش جنسیتی با بی‌ثباتی ازدواج: نقش تعدیل‌کنندگی جهت‌گیری در رابطه جنسی در بین زنان

پریسا زمانیان

کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

parisa.zamanian90@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: بی‌ثباتی ازدواج در جامعه امروزی به یک نگرانی مهم تبدیل شده است بر همین اساس، مطالعه عوامل مؤثر بر بی‌ثباتی در ازدواج و بررسی ابعاد مختلف آن جهت بهبود روابط زناشویی و کاهش طلاق، از اهمیت زیادی برخوردار است. هدف این پژوهش، تعیین نقش تعدیل‌کنندگی جهت‌گیری در رابطه جنسی، در رابطه ی نقش‌های جنسیتی با بی‌ثباتی در ازدواج بود.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. به‌این‌ترتیب، ۱۵۰ خانم متأهل به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. از شرکت‌کنندگان خواسته شد پرسشنامه‌های بی‌ثباتی ازدواج MII، نقش‌های جنسیتی BSRI و جهت‌گیری در رابطه جنسی SRS را تکمیل کنند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل، از روش رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که جهت‌گیری در رابطه جنسی نقش تعدیل‌کنندگی در رابطه نقش‌های جنسیتی با بی‌ثباتی ازدواج دارد. بالا بودن جهت‌گیری مشارکتی در رابطه جنسی، با کاهش بی‌ثباتی ازدواج در زنان همراه بود. بالا بودن جهت‌گیری مبادله‌ای در رابطه جنسی، با افزایش بی‌ثباتی در ازدواج همراه بود. همچنین بالا رفتن جهت‌گیری توقع در رابطه جنسی، به‌جز زمانی که مردانگی در زنان زیاد بود با افزایش بی‌ثباتی ازدواج همراه بود. در زنانی که جهت‌گیری مشارکتی، مبادله‌ای و توقع در رابطه جنسی بالا بود، افزایش نقش‌های جنسیتی (مردانگی یا زنانگی) باعث کاهش بی‌ثباتی می‌شد و در زنانی که جهت‌گیری توقع و مبادله‌ای در رابطه جنسی پایین بوده، افزایش نقش‌های جنسیتی (مردانگی یا زنانگی) تغییری در میزان بی‌ثباتی ازدواج نداشت.

نتیجه‌گیری: از آن‌جا که ثبات در ازدواج در جامعه به یک مسئله جدی تبدیل شده است، از نتایج به دست آمده در این پژوهش می‌توان جهت پایش زنان و آموزش به آن‌ها به منظور بهبود جهت‌گیری مشارکتی در رابطه با همسر و همین‌طور افزایش نقش مردانگی در آن‌ها ثبات ازدواج را افزایش داد و با توجه به نوع جهت‌گیری در رابطه جنسی، می‌توان با افزایش نقش زنانگی یا مردانگی در زنان بی‌ثباتی ازدواج را کاهش داد.

واژه‌های کلیدی: بی‌ثباتی ازدواج، نقش‌های جنسیتی، جهت‌گیری در رابطه جنسی



مقایسه میزان رضایت زناشویی زنان با توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی (سن ازدواج زنان، تفاوت سنی، تحصیلات و قومیت زوجین)

بهشته سادات هاشمی

دانشجوی کارشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

Beheshteh.sadat@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: رضایت زناشویی، کیفیت زندگی را افزایش و احتمال بروز طلاق را کاهش می‌دهد. همچنین اخیراً، آمارها تغییر در نگرش و عملکرد خانواده و در نتیجه، کاهش تمایل به تشکیل خانواده و ازدواج و رشد قابل تأمل طلاق را نشان می‌دهند. بنابراین، باتوجه به ضرورت تحکیم نظام خانواده، بررسی عواملی که می‌توانند رضایت زناشویی را تحت‌تاثیر قرار بدهند، از اهمیت زیادی برخوردار است. این با هدف مقایسه میزان رضایت زناشویی زنان با توجه به ویژگی‌های جمعیت شناختی آن‌ها و همسرانشان (سن ازدواج، تفاوت سنی زوجین و همسانی یا ناهمسانی تحصیلات و قومیت آن‌ها) انجام شد.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای و روش نمونه‌گیری، در دسترس بود. سنجش ابعاد رضایت زناشویی ۱۴۰ خانم متأهل، با استفاده از پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (فرم بلند) انجام گرفت. برای تحلیل داده‌ها نیز، از آزمون‌های تحلیل واریانس تک متغیره و چند متغیره استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد بین گروه‌های زنان با سن ازدواج کم، متوسط و زیاد و گروه‌های زنان همسان و ناهمسان با همسران از نظر تحصیلات و قومیت در میزان رضایت زناشویی، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. اما بین سه گروه زنان با توجه به تفاوت سنی آن‌ها با همسرانشان، در متغیر رضایت زناشویی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. طبق یافته‌ها، به‌طور کلی زنان با تفاوت سنی متوسط با همسرانشان نسبت به دو گروه دیگر (تفاوت سنی زیاد و کم)، از رضایمندی زناشویی بیشتری برخوردارند. همچنین این گروه با کسب نمرات بالاتر، در ابعاد رضایت زناشویی، ارتباط، مدیریت مالی، رابطه جنسی و جهت‌گیری مذهبی وضعیت مطلوب‌تری دارند. اما در بعد فرزندپروری، زنان با تفاوت سنی زیاد با همسرانشان، در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج و از آنجا که افزایش سن ازدواج زنان و عدم تغییر سن ازدواج مردان، از اختلاف سنی زوجین کاسته است، بهتر است اقدامات مناسبی جهت کاهش سن ازدواج زنان انجام گیرد. همچنین بهتر است سن زوجین در مشاوره‌های پیش از ازدواج، برای جلوگیری از نارضایتی زناشویی احتمالی در آینده، بررسی و متناسب شود.

واژه‌های کلیدی: رضایت زناشویی، سن ازدواج، تفاوت سنی، قومیت، تحصیلات

رابطه سلامت خانواده اصلی، هیجان خواهی، تاب آوری با تعهد زناشویی

فائزه بقائی^{۱*}، مجید یوسفی افراشته^۲

^{۱*} - دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ - دکتری، استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

f.b530@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: یکی از ویژگی‌های مهم ازدواج‌های موفق تعهد زناشویی است که با متغیرهای مختلف درون یا برون فردی مرتبط است؛ از جمله سلامت خانواده اصلی، هیجان خواهی و تاب آوری. هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه سلامت خانواده اصلی، هیجان خواهی، تاب آوری با تعهد زناشویی بود.

مواد و روش: این مطالعه مقطعی در سال ۱۴۰۰ روی ۱۴۳ فرد متأهل ۶۱-۱۸ شهر زنجان انجام شد. ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه سلامت خانواده اصلی هاوشتات، هیجان خواهی آرنت، تاب آوری کانر و دیویدسون و تعهد زناشویی آدامز و جونز بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه انجام گردید.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد سلامت خانواده اصلی با ضریب بتای ۰/۲۴ و تاب آوری با ضریب بتای ۰/۴۱ در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ نقش معنی داری در تعهد زناشویی دارند. همچنین بین سلامت خانواده اصلی و تاب آوری با تعهد زناشویی همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. در حالی که هیجان خواهی با ضریب بتای ۰/۰۲ در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنادار نبود.

نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت سلامت خانواده اصلی و تاب آوری در بهبود روابط زناشویی، درمانگران می‌توانند در بررسی و درمان مشکلات زناشویی نقش سلامت خانواده اصلی و تاب آوری بر تعهد زناشویی را در نظر داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: سلامت خانواده اصلی، هیجان خواهی، تاب آوری، تعهد زناشویی.

اثربخشی آموزش شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر ابهر

حسن الهی فر^{۱*}، سهیلا فرجی^۲

* ۱- دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران (نویسنده مسئول)

۲- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران

elahifar.ha@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر ابهر بود.

روش پژوهش: روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه پژوهش شامل کلیه زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر ابهر بود. نمونه گیری بصورت در دسترس با توجه به معیارهای ورود نمونه ۳۰ نفر انتخاب شد و به صورت تصادفی به دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) واگذار گردید. پرسشنامه‌های پژوهش طلاق عاطفی (EDQ) و فرسودگی زناشویی (CBM) بر روی افراد نمونه به عنوان پیش آزمون اجرا شد و به تعداد ۸ جلسه هفتگی به مدت ۹۰ دقیقه آموزش ذهن آگاهی مبتنی بر شناختی رفتاری بر روی افراد گروه آزمایش اجرا شد و پس آزمون اخذ گردید.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد آموزش شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی موجب کاهش دلزدگی زناشویی ($P \leq 0/01$) و کاهش طلاق عاطفی ($P \leq 0/01$) زنان می‌شود.

نتیجه‌گیری: می‌توان نتیجه گرفت آموزش شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی موجب کاهش فرسودگی زناشویی و طلاق عاطفی زنان می‌شود از این روش روان‌شناسان و مشاوران حوزه خانواده در جهت کاهش مشکلات خانوادگی استفاده نمایند.

واژه‌های کلیدی: شناخت درمانی، ذهن آگاهی، دلزدگی زناشویی، طلاق عاطفی، زنان

بررسی اثربخشی بسته ی پیشگیری از طلاق بر میل بر طلاق زوجین متقاضی طلاق توافقی

مسعود صادقی^{۱*}، مصطفی مظاهری^۲، کورش گودرزی^۳

۱- دکترای مشاوره، دانشگاه لرستان، لرستان، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکترای مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد، بروجرد، ایران

۳- دکترای روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی بروجرد، بروجرد، ایران

sadeghi.m@lu.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: یکی از موضوعات روان‌شناختی که می‌تواند زوجین را به سمت طلاق توافقی سوق دهد، میل به طلاق در آن‌ها است. میل به طلاق از عوامل مؤثر در بروز طلاق‌های توافقی در زوجین می‌باشد که میزان تمایل و گرایش زوجین به جدا شدن و گسستن از روابط زناشویی را در زوجین را نشان می‌دهد. بنابراین تدوین بسته پیشگیری از طلاق برای زوجین می‌تواند منجر به کاهش میل به طلاق در زوجین شود. پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی بسته ی پیشگیری از طلاق (محقق ساخته) بر میل بر طلاق زوجین متقاضی طلاق توافقی انجام شد.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع مطالعات نیمه آزمایشی با گروه آزمایش و گواه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمام زوج‌های ارجاعی به مراکز مشاوره بهزیستی جهت انجام مشاوره طلاق توافقی شهر اصفهان در سال ۱۳۹۸ تشکیل می‌دادند. نمونه آماری شامل ۳۰ زوج بود که به شیوه در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی به دو گروه مساوی تقسیم شدند. گروه آزمایش تحت آموزش بسته پیشگیری از طلاق، که در ۱۴ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای تدوین شده بود قرار گرفتند. از پرسشنامه میل به طلاق (DTQ) برای جمع آوری داده‌ها استفاده شد. در نهایت داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که نمره میل به طلاق در زوج‌های گروه آزمایش در پس آزمون به طور معنی داری کمتر از گروه گواه شده بود. ($P < 0/05$) بسته پیشگیری از طلاق منجر به کاهش میل به طلاق و ابعاد آن (تمایل به طلاق، مسامحه) در زوجین گروه آزمایش شده بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت بسته ی پیشگیری از طلاق بر کاهش میل بر طلاق زوجین متقاضی طلاق توافقی تأثیر معنی داری دارد. بنابراین استفاده از این بسته پیشگیری می‌تواند گام مهمی در جهت کاهش آمارهای طلاق توافقی زوجین متقاضی این طلاق‌ها در فرایند قبل از مراجعه به سیستم قضایی باشد.

واژه‌های کلیدی: بسته ی پیشگیری از طلاق، میل به طلاق، طلاق توافقی

اثربخشی خانواده‌درمانی رفتاری بر قواعد خانوادگی نوجوانان ترک‌کننده سوءمصرف مواد

سارا کیان ارثی^{۱*}، ذبیح الله عباس‌پور^۲، خالد اصلانی^۳

*۱- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳- دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

sarakiyanersi@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: سوءمصرف مواد در نوجوانان به یکی از چالش‌های اساسی جامعه در حال حاضر تبدیل شده است و شیوع آن پیامدهای منفی فراوانی بر افراد، خانواده‌ها و جامعه داشته است. قواعد خانوادگی یکی از مهم‌ترین عوامل خانوادگی است که نقش کلیدی در گرایش، بهبودی و بازگشت به سوءمصرف مواد نوجوانان دارد. پژوهش‌ها نشان داده که درمان خانواده محور اثربخش‌ترین روش بهبود قواعد خانوادگی، کارکرد انطباقی خانواده و پیشگیری یا درمان نوجوانان درگیر سوءمصرف مواد است، در حالیکه پژوهش‌های اندکی به تعیین اثربخشی درمان‌های خانواده محور بر قواعد خانوادگی نوجوانان دارای اختلال مصرف مواد پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی خانواده‌درمانی رفتاری بر قواعد خانوادگی نوجوانان ترک‌کننده سوءمصرف مواد انجام شد.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر، آزمایشی تک موردی، از نوع خط پایه چندگانه بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، پنج نوجوان و خانواده آن‌ها در شهر اهواز انتخاب شدند. دستورالعمل خانواده‌درمانی رفتاری در ۱۴ جلسه و سه مرحله خط پایه، مداخله و پیگیری برای نوجوانان و مادران آن‌ها انجام شد. مادران به خرده مقیاس‌های قواعد خانوادگی پرسشنامه پیوستگی و انطباق‌پذیری خانوادگی (FACES-II) پاسخ دادند. داده‌ها به روش ترسیم دیداری، شاخص تغییر پایا (RCI) و فرمول درصد بهبودی تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش نشان داد خانواده‌درمانی رفتاری باعث بهبود قواعد خانوادگی نوجوانان ترک‌کننده سوءمصرف مواد شد. شاخص تغییر پایا پس از مرحله مداخله در آزمودنی اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم به ترتیب ۵/۱۵، ۵/۲۳، ۶/۱۱، ۵/۲۳ و ۶/۹۸ به دست آمد (۱/۹۶). همچنین هر پنج آزمودنی درصد بهبودی معنی‌دار قابل توجهی در خرده مقیاس قواعد خانوادگی (۴۵، ۴۱/۱، ۳۲/۱، ۴۶ و ۳۹/۹ درصد) را نشان دادند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده و از آنجا که خانواده‌درمانی رفتاری باعث بهبود قواعد خانوادگی می‌شود بنابراین مشاوران خانواده و اعتیاد می‌توانند از خانواده‌درمانی رفتاری برای بهبود فرایند درمان نوجوانان درگیر سوءمصرف مواد استفاده کنند.

واژه‌های کلیدی: خانواده‌درمانی رفتاری، سوءمصرف مواد، قواعد خانوادگی، نوجوانان



اثربخشی خانواده درمانی رفتاری بر گفتگوهای خانوادگی نوجوانان ترک کننده سوء مصرف مواد

سارا کیان ارثی^{۱*}، ذبیح الله عباس پور^۲، خالد اصلانی^۳

^{۱*} - کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ - دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

^۳ - دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

sarakiyanersi@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: سوء مصرف مواد در نوجوانان به یکی از چالش های اساسی جامعه در حال حاضر تبدیل شده است و شیوع آن پیامدهای منفی فراوانی بر افراد، خانواده ها و جامعه داشته است. گفتگوهای خانوادگی یکی از مهم ترین عوامل خانوادگی است که نقش کلیدی در گرایش، بهبودی و بازگشت به سوء مصرف مواد نوجوانان دارد. پژوهش ها نشان داده که درمان خانواده محور اثربخش ترین روش بهبود گفتگوهای خانوادگی، کارکرد انطباقی خانواده و پیشگیری یا درمان نوجوانان درگیر سوء مصرف مواد است، در حالیکه پژوهش های اندکی به تعیین اثربخشی درمان های خانواده محور بر گفتگوی خانوادگی نوجوانان دارای اختلال مصرف مواد پرداخته اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی خانواده درمانی رفتاری بر گفتگوهای خانوادگی نوجوانان ترک کننده سوء مصرف مواد انجام شد.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر، آزمایشی تک موردی، از نوع خط پایه چندگانه بود. با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، پنج نوجوان و خانواده آن ها در شهر اهواز انتخاب شدند. دستورالعمل خانواده درمانی رفتاری در ۱۴ جلسه و سه مرحله خط پایه، مداخله و پیگیری برای نوجوانان و مادران آن ها انجام شد. مادران به خرده مقیاس هاس گفتگوهای خانوادگی از پرسشنامه پیوستگی و انطباق پذیری خانوادگی (FACES-II) پاسخ دادند. داده ها به روش ترسیم دیداری، شاخص تغییر پایا (RCI) و فرمول درصد بهبودی تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج این پژوهش نشان داد خانواده درمانی رفتاری باعث بهبود گفتگوهای خانوادگی نوجوانان ترک کننده سوء مصرف مواد شد. شاخص تغییر پایا پس از مرحله مداخله در آزمودنی اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم به ترتیب ۵/۹۸، ۵/۱۳، ۶/۸۶، ۵/۲۳، ۵/۱۱ به دست آمد ($Z=1/96$). همچنین هر پنج آزمودنی درصد بهبودی معنی داری در خرده مقیاس گفتگوهای خانوادگی (۴۳، ۴۲/۱۲، ۳۳/۵، ۴۲ و ۳۵/۹ درصد) را نشان دادند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده و از آن جا که خانواده درمانی رفتاری باعث بهبود گفتگوی خانوادگی می شود بنابراین مشاوران خانواده و اعتیاد می توانند از خانواده درمانی رفتاری برای بهبود فرایند درمان نوجوانان درگیر سوء مصرف مواد استفاده کنند.

واژه های کلیدی: خانواده درمانی رفتاری، سوء مصرف مواد، گفتگوهای خانوادگی، نوجوانان



اثربخشی خانواده درمانی رفتاری بر نقش های خانوادگی نوجوانان ترک کننده سوء مصرف مواد

سارا کیان ارثی^{۱*}، ذبیح الله عباس پور^۲، خالد اصلانی^۳

* - کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳- دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

sarakiyanersi@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: سوء مصرف مواد در نوجوانان به یکی از چالش های اساسی جامعه در حال حاضر تبدیل شده است و شیوع آن پیامدهای منفی فراوانی بر افراد، خانواده ها و جامعه داشته است. نقش های خانوادگی یکی از مهم ترین عوامل خانوادگی است که نقش کلیدی در گرایش، بهبودی و بازگشت به سوء مصرف مواد نوجوانان دارد. پژوهش ها نشان داده که درمان خانواده محور اثربخش ترین روش بهبود نقش های خانوادگی، کارکرد انطباقی خانواده و پیشگیری یا درمان نوجوانان درگیر سوء مصرف مواد است، در حالیکه پژوهش های اندکی به تعیین اثربخشی درمان های خانواده محور بر نقش های خانوادگی نوجوانان دارای اختلال مصرف مواد پرداخته اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی خانواده درمانی رفتاری بر نقش های خانوادگی نوجوانان ترک کننده سوء مصرف مواد انجام شد.

روش پژوهش: روش این پژوهش، آزمایشی تک موردی، از نوع خط پایه چندگانه بود. با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، پنج نوجوان و خانواده آن ها در شهر اهواز انتخاب شدند. دستورالعمل خانواده درمانی رفتاری در ۱۴ جلسه و سه مرحله خط پایه، مداخله و پیگیری برای نوجوانان و مادران آن ها انجام شد. مادران به خرده مقیاس های نقش های خانوادگی از پرسشنامه پیوستگی و انطباق پذیری خانوادگی (FACES-II) پاسخ دادند. داده ها به روش ترسیم دیداری، شاخص تغییر پایا (RCI) و فرمول درصد بهبودی تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج این پژوهش نشان داد خانواده درمانی رفتاری باعث بهبود نقش های خانوادگی نوجوانان ترک کننده سوء مصرف مواد شد. شاخص تغییر پایا پس از مرحله مداخله در آزمودنی اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم به ترتیب ۶/۹۸، ۵/۲۳، ۶/۱۱، ۶/۸۶ و ۶/۹۸ به دست آمد ($Z=1/96$). همچنین هر پنج آزمودنی درصد بهبودی معنی داری در خرده مقیاس نقش های خانوادگی (۴۳، ۳۹/۶، ۳۰/۶، ۴۷ و ۴۵ درصد) را نشان دادند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده و از آنجا که خانواده درمانی رفتاری باعث بهبود نقش های خانوادگی می شود، بنابراین مشاوران خانواده و اعتیاد می توانند از خانواده درمانی رفتاری برای بهبود فرایند درمان نوجوانان درگیر سوء مصرف مواد استفاده کنند.

واژه های کلیدی: خانواده درمانی رفتاری، سوء مصرف مواد، نقش های خانوادگی، نوجوانان



اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر بهزیستی روان‌شناختی و تاب آوری زنان قربانی خشونت خانگی

کژال عباسی^۱، وحید احمدی^{۲*}، حدیث ولی زاده^۳

۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، واحد مهاباد، دانشگاه پیام نور، مهاباد، ایران

۲- دکترای تخصصی روان‌شناسی سلامت، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)

۳- دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی عمومی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران

Vahid_ahmadi20@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مسأله‌های اجتماعی مهم که جامعه ما با آن درگیر است، مسأله خشونت خانگی علیه زنان می‌باشد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر بهزیستی روان‌شناختی و تاب آوری زنان قربانی خشونت خانگی شهر ایلام انجام شد.

روش پژوهش: طرح پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی به شیوه پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری را زنان قربانی خشونت خانگی شهر ایلام که در نیمه اول سال ۱۴۰۰ به مراکز مشاوره مراجعه کرده بودند، تشکیل داده است. نمونه پژوهش شامل ۳۰ نفر از زنان قربانی خشونت خانگی بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی بر اساس ملاک‌های ورود به پژوهش انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. برای گروه آزمایش آموزش مهارت‌های حل مسئله و گروه کنترل هیچ نوع آموزشی دریافت نکردند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف (RSPWB) و پرسشنامه تاب آوری کانر-دیویدسون (CD-RISC) بود. داده‌ها با روش تحلیل کوواریانس تک‌متغیری در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که گروه آزمایش از نظر هر دو متغیر بهزیستی روان‌شناختی و تاب آوری تفاوت معنی‌داری با گروه کنترل داشتند ($P < 0/05$). به عبارت دیگر، آموزش مهارت‌های حل مسئله باعث بهبود بهزیستی روان‌شناختی و تاب آوری زنان قربانی خشونت خانگی شهر ایلام شد.

نتیجه‌گیری: بر پایه یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان از این شیوه آموزشی در محیط‌های مشاوره و روان درمانی خانواده به عنوان آموزشی کارآمد جهت بهبود بهزیستی روان‌شناختی و تاب آوری زنان قربانی خشونت خانگی استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: آموزش مهارت‌های حل مسئله، بهزیستی روان‌شناختی، تاب آوری، خشونت خانگی.

بررسی نقش تعدیل‌کنندگی فرونشانی و نقش واسطه‌ای حساسیت بین فردی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی در دانشجویان دانشگاه تهران

محمد علی رضایی^۱، زهرا طاهری فر^{۲*}، حجت اله فراهانی^۳

۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲* - دکتری، استادیار، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳- دکتری، استادیار، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

z.taherifar@ut.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: امروزه دیگر اهمیت تأثیر سبک‌های فرزندپروری بر شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها بر کسی پوشیده نیست، و همه‌ی ما می‌دانیم که سبک‌های فرزندپروری نامناسب تا چه میزان می‌تواند سلامت روان کودکان را در آینده تهدید کند. بنابراین بررسی عوامل مؤثری که در سبک‌های فرزندپروری وجود دارد و باعث به وجود آمدن اضطراب اجتماعی می‌شوند از اهمیت بالایی برخوردار است، هدف اصلی این پژوهش بررسی نقش تعدیل‌کنندگی راهبرد فرونشانی و نقش واسطه‌ای حساسیت بین فردی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی است.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی و یک مطالعه مقطعی بود، و نمونه مورد بررسی ۲۲۶ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران بودند که از طریق نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. از شرکت‌کنندگان خواسته شد پرسشنامه تنظیم هیجان گراس (ERQ)، و پرسشنامه حساسیت بین فردی بایس و پارکر (IPSM)، و پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بوری (PAQ)، و پرسشنامه اضطراب اجتماعی لیوویتز (LSAS) را تکمیل کنند. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و R Studio استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش حاضر نشان داد اثر فرونشانی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی منفی، و معنادار نیست، و اثر حساسیت بین فردی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی مثبت و معنادار است، و بین سبک‌های فرزندپروری و نشانه‌های اضطراب اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر نشان‌دهنده این است که سبک‌های فرزند پروری و میزان حساسیت بین فردی هر خانواده تأثیر مستقیم بر ایجاد نشانه‌های اضطراب اجتماعی و میزان کیفیت بهداشت و سلامت روان هر فردی می‌گذارد، بهتر است آموزش‌های لازم برای بهینه‌سازی و ارتقاء فرزندپروری در جامعه انجام گیرد.

واژه‌های کلیدی: فرونشانی، حساسیت بین فردی، سبک‌های فرزند پروری، اضطراب اجتماعی

رابطه سبک‌های دلبستگی و کمال گرایی با نگرش به ازدواج در بین دانشجویان شهرستان شاهرود

ناصره شاکری^{۱*}، سید احسان سیفی^۲، سید عرفان سیفی^۳، زهرا شاه حسینی^۴

*- دکتری روان‌شناسی عمومی، مربی موسسه غیرانتفاعی شاهرود، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)

۲- فارغ التحصیل کارشناسی روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران

۳- فارغ التحصیل کارشناسی روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران

۴- دکتری مشاوره، مربی موسسه غیرانتفاعی شاهرود، شاهرود، ایران

nasreshakeri@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: نرخ ازدواج در کشور روند مناسبی ندارد و سن ازدواج نیز رو به افزایش است. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و کمال گرایی با نگرش به ازدواج در بین دانشجویان شهرستان شاهرود بود.

روش پژوهش: جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود بود که با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس ۱۶۲ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه کمال گرایی، سبک‌های دلبستگی و نگرش به ازدواج بود.

یافته‌ها: نتایج تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا با ابعاد نگرش بدبینانه به ازدواج رابطه مثبت و با نگرش واقع گرایانه به ازدواج رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و کمالگرایی مثبت با نگرش خوش بینانه به ازدواج رابطه مثبت معنادار و بین کمال گرایی منفی با ابعاد نگرش بدبینانه به ازدواج و نگرش واقع گرایانه به ازدواج به ترتیب رابطه مثبت و منفی معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر بررسی سبک دلبستگی، میزان کمال گرایی و نگرش افراد به ازدواج پیش از ازدواج امر حائز اهمیتی است. برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های دانشجویی می‌تواند در تعدیل نگرش‌های منفی افراد نسبت به ازدواج نقش بسزایی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی، کمال گرایی، نگرش به ازدواج

پیش‌بینی نگرش به روابط فرازنشویی از طریق هوش اخلاقی و بهزیستی روان‌شناختی در بین زوجین شهرستان شاهرود

ناصره شاکری^{۱*}، زهرا شاه حسینی^۲

* ۱- دکتری روان‌شناسی عمومی، مربی موسسه غیرانتفاعی شاهرود، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکتری مشاوره، مربی موسسه غیرانتفاعی شاهرود، شاهرود، ایران

nasereshakeri@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: خانواده به عنوان واحدی اجتماعی، کانون رشد، تکامل، التیام، شفا‌دهندگی، تغییر و تحول آسیب‌ها و عوارض است که می‌تواند هم بسترشکوفایی و هم بستر فروپاشی روابط میان اعضایش باشد. هدف از پژوهش حاضر بررسی پیش‌بینی نگرش به روابط فرازنشویی از طریق هوش اخلاقی و بهزیستی روان‌شناختی در بین زوجین شهرستان شاهرود بود.

روش: جامعه پژوهش حاضر تمامی زوجین شهرستان می‌باشند که به روش نمونه‌گیری در دسترس و بر اساس جدول مورگان ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. در پژوهش حاضر از پرسشنامه‌های هوش اخلاقی لنینک و کیل (MCI)، بهزیستی روان‌شناختی ریف و کیز (SWS) و نگرش به روابط فرازنشویی واتلی (ATIS) استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که بین هوش اخلاقی و مؤلفه‌های آن (راستگویی، وفای به عهد، مسئولیت‌پذیری، عمل کردن مبتنی بر اصول و ارزش‌ها، اقرار به اشتباهات، اهمیت دادن به دیگران، توانایی در بخشش اشتباهات خود و دیگران و پافشاری در زمینه حقیقت) و همچنین بین بهزیستی روان‌شناختی و مؤلفه‌های آن (خودمختاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود) با نگرش به روابط فرازنشویی رابطه وجود دارد. از طرفی نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نیز نشان داد که مؤلفه‌های راستگویی، وفای به عهد، مسئولیت‌پذیری، عمل کردن مبتنی بر اصول و ارزش‌ها، رشد شخصی، خودمختاری و هدفمندی در زندگی توانایی پیش‌بینی نگرش افراد به روابط فرازنشویی را دارد.

نتیجه‌گیری: طبق یافته‌های پژوهش حاضر، از آنجا هوش اخلاقی و بهزیستی روان‌شناختی همراه با مؤلفه‌هایشان می‌توانند با نگرش افراد به روابط فرازنشویی مرتبط باشند، پیشنهاد می‌شود در مشاوره‌های ازدواج به این دو متغیر مهم مورد ملاحظه قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی: هوش اخلاقی، بهزیستی روان‌شناختی، نگرش به روابط فرازنشویی



رابطه ملاک‌های همسرگزینی و احساس تنهایی با نگرش به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان شاهرود

ناصره شاکری^{۱*}، سید احسان سیفی^۲، سید عرفان سیفی^۳، زهرا شاه حسینی^۴

*- دکتری روان‌شناسی عمومی، مربی موسسه غیرانتفاعی شاهرود، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)

۲- فارغ التحصیل کارشناسی روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران

۳- فارغ التحصیل کارشناسی روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران

۴- دکتری مشاوره، مربی موسسه غیرانتفاعی شاهرود، شاهرود، ایران

nasereshakeri@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: با توجه به اینکه دانشجویان می‌توانند بخش اعظمی از آینده‌سازان کشور باشند، ازدواج سالم و موفق برای آن‌ها در جهت ساختن جامعه سالم امری مهم و غیرقابل چشم‌پوشی است. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ملاک‌های همسرگزینی و احساس تنهایی با نگرش به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان شاهرود بود

روش: جامعه پژوهش حاضر تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد شهرستان شاهرود می‌باشند که به روش نمونه‌گیری در دسترس و بر اساس جدول مورگان ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. در پژوهش حاضر از پرسشنامه‌های ملاک‌های همسرگزینی (MSCI) و احساس تنهایی (SELSA-S) و نگرش به ازدواج (MAS) استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون انجام گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که بین مؤلفه‌های ملاک‌های همسرگزینی (مهربانی، پایگاه اجتماعی، اعتماد، خلاقیت، جاه‌طلبی، جذابیت فیزیکی، فرهنگ و خوش‌خلقی)، احساس تنهایی و مؤلفه‌های آن (تنهایی رمانتیک، تنهایی خانوادگی و تنهایی اجتماعی) با نگرش به ازدواج در بین دانشجویان رابطه وجود دارد.

نتیجه‌گیری: طبق یافته‌های پژوهش حاضر، تأکید بر اصلاح ملاک‌های ناسالم و نادرست دانشجویان و ایجاد معیارهای اصیل و واقعی در کلینیک‌های مشاوره پیش از ازدواج امری مهم است. گاه افراد برای رهایی از احساس تنهایی تصمیم به ازدواج می‌گیرند، لازم است در کنار اصلاح ملاک‌ها، این باور اشتباه نیز در بین افراد تغییر یابد.

واژه‌های کلیدی: ملاک‌های همسرگزینی، احساس تنهایی، نگرش به ازدواج

پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی از طریق راهبردهای مقابله‌ای و سرمایه‌های روان‌شناختی در بین زوجین شهرستان شاهرود

ناصره شاکری^{۱*}، زهرا شاه حسینی^۲

* ۱- دکتری روان‌شناسی عمومی، مربی موسسه غیرانتفاعی شاهرود، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکتری مشاوره، مربی موسسه غیرانتفاعی شاهرود، شاهرود، ایران

nasereshakeri@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: خانواده به عنوان مبدا ظهور و بروز عواطف انسانی است. کانون صمیمانه‌ترین روابط بین افراد و هسته اصلی بهداشت جامعه شناخته شده است که در آن روابط زن و شوهر، عامل اصلی سلامت خانواده است. هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی از طریق راهبردهای مقابله‌ای و سرمایه‌های روان‌شناختی در بین زوجین شهرستان شاهرود بود.

روش پژوهش: جامعه پژوهش حاضر تمامی زوجین شهرستان شاهرود می‌باشند که به روش نمونه‌گیری در دسترس و بر اساس جدول مورگان ۳۵۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. در پژوهش حاضر از پرسشنامه‌های بهزیستی روان‌شناختی ریف و کیز (SWS)، راهبردهای مقابله‌ای اندلر و پارکر (CISS) و سرمایه‌های روان‌شناختی لوتانز (PCQ) استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون همزمان استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که بین مؤلفه‌های راهبردهای مقابله‌ای (مقابله مساله‌مدار، مقابله هیجان‌مدار و مقابله اجتنابی) و همچنین بین مؤلفه‌های سرمایه‌های روان‌شناختی (امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی) با بهزیستی روان‌شناختی رابطه وجود دارد. از طرفی نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نیز نشان داد که مؤلفه‌های مقابله مساله‌مدار، مقابله هیجان‌مدار، امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی توانایی پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی را دارد.

نتیجه‌گیری: طبق یافته‌های پژوهش حاضر، شناخت راهبردهای مقابله‌ای افراد و کمک به تقویت و یا ایجاد سرمایه‌های روان‌شناختی در بین زوجین، می‌تواند به بهزیستی روانی آن‌ها کمک نماید که یکی از راه‌های کمک‌کننده در این زمینه برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی توسط مشاورین و روان‌شناسان متخصص می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی روان‌شناختی، راهبردهای مقابله‌ای، سرمایه‌های روان‌شناختی



زن و سبک زندگی در دیدگاه آیت الله سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)

صدیقه شاکر خوشرودی^{۱*}، عبدالرحمن باقرزاده^۲

* ۱- سطح ۳، تفسیر قرآن، حوزه علمیه الزهرا (س) بابل، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکتری، استادیار دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

shaker_h69@yahoo.com

چکیده

متأسفانه نقش و اهمیت زنان، سال‌ها با هجوم غرب بیگانه از اسلام و با تهاجم فرهنگی طراحی شده از سوی غربیان به سوی نابودی کامل پیش رفت. در دوران معاصر نیز و پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نه تنها در ایران بلکه در هیچ کجای دنیا برای زن ارزشی جز استفاده و بهره‌های جنسی قائل نبودند و قدر و منزلت زن، آن‌چنان که باید شناخته نشده بود. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران و با رسالت پیامبر گونه‌ای امام خمینی رحمه‌الله و خلف صالح ایشان امام خامنه‌ای مدظله العالی، شاهد پیشرفت‌ها و رویش‌های بسیاری در جامعه‌ی زنان مسلمان، نه فقط زنان ایران بلکه رویش زنان مسلمان در تمامی نقاط جهان بوده ایم لذا نگارنده در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته تلاش نموده تا هویت فردی زن، نقش او را در اجتماع و خانواده را از نظر رهبری تبیین نموده و به این نتیجه رسیده هویت و شخصیت زن، در جنس خود زن یک هویت بسیار بالا و با کرامتی است، از بعضی جهات از مردها بالاتر است می‌شود گفت زن و مرد از لحاظ آن‌چه که مربوط به انسانیت است هیچ فرقی ندارند» رهبری معتقد است، اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی‌نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است. زنان به قدری که توان جسمی و نیازها و ضرورت‌هایشان اجازه می‌دهد می‌تواند در فعالیت‌ها شرکت کنند.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی زنان، هویت فردی و اجتماعی زنان، فعالیت‌های اجتماعی زنان

تأثیر آموزش والدگری مثبت به مادران بر شادکامی کودکان معلول جسمی حرکتی

نگین امیرارده جانی^{۱*}، مهناز علی اکبری دهکردی^۲، زیبا برقی ایرانی^۳

^{۱*} - کارشناس ارشد روان شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ - دکتری، استاد گروه روان شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۳ - دکتری، دانشیار گروه روان شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

Neginamiriar@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: تأثیری که معلولیت بر وضعیت اجتماعی و روانی فرد بر جای می گذارد غیر قابل انکار است؛ چرا که معلولیت جدا از محدودیت ها یا مشکلاتی که از نظر کنشی در فرد معلول ایجاد می کند، ممکن است تأثیرات سوء روان شناختی بر شخصیت فرد معلول داشته باشد (گالوچی و همکاران، ۲۰۱۱). نشاط و شادکامی، به عنوان یکی از مهم ترین نیازهای روانی بشر، به دلیل تأثیرات عمده ای که روی شکل گیری شخصیت آدمی و مجموعه زندگی انسان دارد، همواره ذهن انسان را به خود مشغول کرده است. هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر آموزش والدگری مثبت به مادران بر شادکامی کودکان معلول جسمی حرکتی بود.

روش: روش این پژوهش، آزمایشی از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل و یک دوره پیگیری یک ماهه بود. جامعه آماری را کلیه دانش آموزان پسر معلول جسمی حرکتی مقطع ابتدایی منطقه ۴ شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ تشکیل می دادند. از بین مدارس استثنایی پسرانه منطقه ۴، یک مدرسه به روش در دسترس انتخاب شد. از دانش آموزان این مدرسه، ۳۰ دانش آموز که شرایط ورود به نمونه را دارا بودند، انتخاب شده و از این ۳۰ نفر، ۱۵ نفر به طور تصادفی در گروه آزمایش و ۱۵ نفر دیگر در گروه کنترل قرار گرفتند. ابتدا توسط هر دو گروه آزمایش و کنترل، پرسشنامه های شادکامی آکسفورد (OHI) تکمیل شد. سپس برای مادران کودکان گروه آزمایش، برنامه آموزشی والدگری مثبت شامل ۸ جلسه آموزشی دو ساعته، به صورت یک بار در هفته اجرا گردید. بعد از پایان دوره مجدداً افراد هر دو گروه آزمایش و کنترل، توسط همان پرسشنامه مورد آزمون قرار گرفتند. حدود یک ماه بعد از اتمام جلسات آموزشی، مرحله پیگیری برای اندازه گیری ماندگاری آموزش های داده شده با تکمیل پرسشنامه انجام گرفت. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ و توسط آزمون تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج به دست آمده نشان داد که شادکامی گروه آزمایش، در مقایسه با گروه کنترل به طور معناداری ($P < 0.05$) افزایش یافته است و این افزایش در مرحله پیگیری پایدار مانده است.

نتیجه گیری: بنابراین می توان نتیجه گرفت آموزش والدگری مثبت به مادران می تواند شادکامی کودکان معلول جسمی حرکتی را افزایش دهد و درمانگران می توانند از این رویکرد برای کاهش مشکلات روان شناختی خانواده های دارای فرزند معلول جسمی حرکتی استفاده کنند.

واژه های کلیدی: آموزش والدگری مثبت، شادکامی، کودکان معلول جسمی حرکتی.



ارائه الگوی زوج درمانی اسلام محور و بررسی تأثیر آن بر میزان خرسندی زوج‌های مراجعه کننده به موسسه زندگی نیکوی اصفهان

محمد عابدینی

کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد خمینی شهر، اصفهان، ایران

abedini_4416@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: هدف این پژوهش بررسی اثربخشی الگوی تدوین یافته زوج درمانی اسلام محور بر میزان خرسندی و رضایتمندی زوجها بود.

روش: روش پژوهش براساس هدف مورد نظر از نوع تحقیقات بنیادی کاربردی است و به صورت نیمه تجربی از نوع پیش آزمون پس آزمون با گروه کنترل است و جامعه مورد مطالعه شامل زوج‌های مراجعه کننده به موسسه فرهنگی آموزشی زندگی نیکوی اصفهان در سال ۱۳۹۷ بوده است و روش نمونه گیری در این پژوهش در دسترس که شامل ۳۰ زوج بوده است که به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ زوج) و گروه کنترل (۱۵ زوج) جایگزین شدند. متغیر وابسته در این پژوهش میزان خرسندی زوجها و متغیر مستقل زوج درمانی اسلام محور است که در ۱۰ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تنظیم و بر گروه آزمایش اجرا شد و ابزار ارزیابی در این پژوهش پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH) بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل کواریانس مورد تجزیه و تحلیل واقع شد.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده نشان داد که زوج درمانی اسلام محور بر میزان خرسندی زوجها در سطح معنا دار ($p < 0/05$) تأثیر داشته است. همچنین نتایج درباره زیر مقیاس‌های خرسندی و رضایت زناشویی زوجین نشان داد که آموزش اسلام محور بر ابعاد پاسخ قراردادی، رضایت زناشویی، موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، روابط جنسی و جهت گیری مذهبی اثر بخش بوده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان نتیجه گرفت که آموزش و اجرای زوج درمانی اسلام محور بر ارتقاء سطح خرسندی زوجها مؤثر است و با توجه به انطباق این بسته درمانی با فرهنگ ایرانی اسلامی غالب مراجعان اجرای این روش درمانی برای درمانگران و مشاوران مفید به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: خرسندی زوجها، زوج درمانی اسلام محور، زوج درمانی

اثربخشی آموزش قدرشناسی بر رضایت زناشویی مادران کودکان اوتیسم

مریم تفنگچی

دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

tofangchi_m@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: خانواده به ویژه مادران کودکان مبتلا به اوتیسم به دلیل بیماری فرزندشان استرس و رنج زیادی را متحمل می‌شوند که بر رضایت زناشویی آنان تأثیر منفی می‌گذارد. از سوی دیگر، مطالعات از تأثیرات مثبت قدرشناسی بر روابط بین فردی حکایت دارد. در همین راستا، هدف تحقیق حاضر بررسی اثربخشی آموزش قدرشناسی بر رضایت زناشویی مادران کودکان اوتیسم بود.

روش پژوهش: در این تحقیق ۳۲ نفر از مادران کودکان اوتیسم مراجعه کننده به مراکز مشاوره به طور در دسترس انتخاب شدند و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ بود که پیش و پس از مداخله آموزشی ۸ جلسه‌ای قدرشناسی در گروه‌ها اجرا شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش آماری تحلیل کوواریانس با کنترل پیش‌آزمون با استفاده از نرم‌افزار SPSS 21 استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که آموزش قدرشناسی باعث افزایش رضایت زناشویی در بین مادران کودکان مبتلا به اوتیسم شده است. قدرشناسی منجر به افزایش رضایت زناشویی در مسایل جنسی، ارتباط با همسر، جهت‌گیری مذهبی، ارتباط با اقوام و دوستان، تحریف آرمانی شد، ولی در رابطه با مسائل مالی، اوقات فراغت، حل تعارض، فرزندپروری، موضوعات شخصیتی تأثیر معناداری نداشت.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که آموزش قدرشناسی می‌تواند رضایت زناشویی را حتی در مادرانی که به دلیل ابتلای فرزند به اوتیسم دچار مشکلات عدیده‌ای هستند به بار آورد. لذا، توجه به آموزش مادران و همسران در رابطه با قدرشناسی باید در مراکز آموزشی و درمانی مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: قدرشناسی، رضایت زناشویی، اوتیسم

پیش‌بینی شفقت به خود بر اساس سبک‌های دلبستگی ناایمن

نسیم رضایی^۱، محمدرضا تمنایی‌فر^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
۲- دکتری، دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول)

tamannai@kashanu.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: خانواده و روابط میان اعضای آن یکی از عوامل مهم شکل‌گیری شخصیت، حفظ سلامت روان و پیشگیری از مشکلات مرتبط با بهزیستی روانی است. از این رو مطالعه‌ی روابط میان اعضای خانواده و فاکتورهای نشأت گرفته از این روابط، مانند سبک‌های دلبستگی از اهمیت شایانی برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی سبک‌های دلبستگی ناایمن اضطرابی و اجتنابی انجام شد.

روش پژوهش: با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تعداد ۳۹۶ دانش‌آموز (۱۹۹ دختر و ۱۹۷ پسر) از میان تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع متوسطه دوم سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ شهرستان فارس انتخاب شدند. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه سبک‌های دلبستگی هازن و شیور (AAQ) و فرم کوتاه مقیاس شفقت به خود ریس و همکاران (SCS) استفاده گردید. داده‌ها با روش همبستگی و تحلیل رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که سبک دلبستگی ناایمن-اضطرابی و سبک دلبستگی ناایمن-اجتنابی با شفقت به خود همبستگی منفی معناداری دارند. همچنین، سبک‌های دلبستگی ناایمن (اضطرابی و اجتنابی) به‌طور منفی و معنادار ۱۱ و ۱۸ درصد از واریانس شفقت به خود را تبیین می‌کنند.

نتیجه‌گیری: از یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های دلبستگی می‌توانند در بروز شفقت به خود مؤثر باشند. لذا روان‌شناسان با کمک به اصلاح روابط میان والدین و فرزندان می‌توانند زمینه شکل‌گیری صفات مفید شخصیتی مانند شفقت به خود را در فرزندان ایجاد کنند.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی‌های ناایمن، شفقت به خود

تعیین رابطه و سهم پیش‌بینی کنندگی شوخ طبعی و مهارت ارتباطی با صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل

فاطمه مهربان جهرمی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، مرودشت، ایران

mehrabanfa77@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: صمیمیت را باید محصول یک جریان رشد در رابطه دانست فرآیندی که قبل از ازدواج شروع می‌شود و بعد از آن نیز ادامه می‌یابد. مفهوم صمیمیت به عنوان سازه‌ای مهم در پویایی‌های ارتباط زناشویی در نظر گرفته می‌شود و یکی از ضرورت‌های تداوم رضایتمندی و موفقیت در ازدواج است. عبارت صمیمیت زناشویی یک پتانسیل ارتباطی قوی و عمیق میان زوجین است که شامل چهار حوزه اصلی عاطفی، روانی/اجتماعی، معنوی و فیزیکی می‌باشد. عوامل مختلفی در صمیمیت زوجین دخیل است که خود به اهمیت موضوع می‌افزاید. بدین منظور هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه شوخ طبعی و مهارت‌های ارتباطی با صمیمیت زناشویی است.

روش پژوهش: جامعه آماری این پژوهش دانشجویان متأهل بودند که یک سال یا بیشتر از زندگی مشترکشان گذشته بود. تعداد ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه تحقیق به روش تصادفی انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های صمیمیت زناشویی (MIS) واکر و تامپسون، پرسشنامه مهارت ارتباطی (Barton.G.E) بارتون و پرسشنامه شوخ طبعی (SHQ) خشوعی و همکاران استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS 20 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج با استفاده از تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین شوخ طبعی و مؤلفه‌های آن با صمیمیت زناشویی و بین مهارت ارتباطی و مؤلفه‌های آن با صمیمیت زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین شوخ طبعی با مهارت ارتباطی رابطه معنادار وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان داد که شوخ طبعی و مهارت ارتباطی به عنوان مؤلفه شکل‌گیری و پیش‌بینی کننده قوی صمیمیت زناشویی به شمار می‌رود. بنابراین آموزش مؤلفه‌های مهارت ارتباطی و استفاده صحیح از حس شوخ طبعی در زندگی زناشویی، موجب افزایش صمیمیت زناشویی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: شوخ طبعی، مهارت ارتباطی، صمیمیت زناشویی

عوامل مؤثر بر گرایش زوجین ایرانی به طلاق: مطالعه مروری نظاممند

زهرا میرزائی

کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، اراک، ایران

zaahra.mii1372@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: به دلیل سیر صعودی آمار طلاق و پیامدهای مخرب آن برای افراد و جوامع، این پژوهش با هدف بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین ایرانی به طلاق انجام شده است.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر از نوع مروری نظاممند است. این جست‌وجو از طریق پایگاه‌های علمی معتبر شامل SID, Magiran, Noormags با استفاده از کلید واژه «گرایش به طلاق» انجام گرفت و اطلاعات لازم استخراج گردید.

یافته‌ها: به طور کلی ۱۸ مقاله مرتبط که سال انتشار آن‌ها از ۱۳۸۶ تا ۱۴۰۰ متغیر بود، انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. حجم نمونه‌های مورد مطالعه نیز در مجموع ۶۶۲۹ مورد بود. نتایج جست‌وجو نشان داد که متغیرهای باورهای ارتباطی غیرمنطقی، سرخوردگی زناشویی، اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، دخالت دیگران، ویژگی روان‌شناختی فردی، مقایسه‌ی دوران تاهل با تجرد، انتظارات از نقش همسر، اختلاف تحصیلی و اختلاف سن زوجین، عدم صداقت همسر، عدم مشورت در امور زندگی، تصور مثبت از طلاق، اختلاف طبقاتی خانواده زوجین، احساس تنهایی، دلزدگی زناشویی، بُعد کمال‌گرایی خویش‌مدار و دیگرمدار، کمال‌گرایی منفی، تفاوت عقاید همسران و رفتارهای خشونت‌آمیز با گرایش به طلاق رابطه‌ای مستقیم دارد. همچنین متغیرهای تمایز یافتگی فردی، سلامت خانواده اصلی، مدت زندگی مشترک، تعداد فرزندان، رضایت جنسی و عاطفی از همسر، میزان مراوده با خویشاوندان، میزان شناخت از همسر قبل از ازدواج، میزان وفاداری همسر، سطح انرژی عاطفی در خانواده، تحمل پریشانی، برون‌گرایی، موافق بودن و باوجدان بودن، نگرش مذهبی، برخورداری از مهارت‌های حل مسئله، مقابله با استرس، مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، ابراز وجود، خودآگاهی، همدلی و حل تعارض با گرایش به طلاق رابطه‌ی معکوس دارند.

نتیجه‌گیری: از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان در راستای مداخلات بالینی و درمانی جهت افزایش کیفیت زندگی و کاهش گرایش به طلاق زوجها استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: خانواده، گرایش به طلاق، مطالعه مروری نظاممند

مقایسه اخلاق رابطه ای خانواده‌های سالم و مضطرب

زهره شاه‌حسینی^{۱*}، ناصره شاکری^۲، فاطمه عبدالله زاده^۳

۱- دانشجوی دکترا، مربی موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکتری روان‌شناسی عمومی، مربی موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی شاهرود، ایران

۳- کارشناسی روان‌شناسی موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی شاهرود، ایران

Zahra.sh2008@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: فشارهای پیچیده ای در خانواده‌های امروزی وارد می‌آید و ارائه تصویری جامع از کارکرد آن‌ها در گرو این است که از فهم ساده انگارانه توالی‌های تعاملی اعضای خانواده فراتر رویم یکی از عواملی که کارکرد مؤثر یک خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اخلاق رابطه‌ای است که به تعادل آنچه افراد در روابط پرداخت می‌کنند در مقابل آنچه حق دارند از دیگران بگیرند سر و کار دارد. لذا هدف از پژوهش حاضر مقایسه اخلاق رابطه ای عمودی و افقی در خانواده‌های سالم و مضطرب زوجین شهرستان دامغان می‌باشد.

روش پژوهش: روش تحقیق حاضر توصیفی از نوع مقایسه ای است. نمونه ی این پژوهش متشکل ۵۱ زوج (۱۰۲ نفر) از شهرستان دامغان در سال ۱۳۹۹ بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و با ابزارهای پرسشنامه اخلاق رابطه ای (RES) و پرسشنامه اضطراب کتل (CAQ) مورد آزمون قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش مشخص ساخت بین اخلاق رابطه ای در خانواده‌های سالم و مضطرب تفاوت معناداری وجود دارد. افراد گروه مضطرب نسبت به گروه سالم از وفاداری، اعتماد و حقوق کمتری در روابط با خانواده گسترده و زوجی بهره‌مند هستند.

نتیجه‌گیری: می‌توان بیان نمود زمانی که مسئولیت برای حضور در رابطه وجود ندارد و بده بستان حقوق و تکالیف نامتعادل باشد نتایج ممکن است مجموعه ای از مشکلات شامل افسردگی، سوء استفاده جنسی، بی‌اشتهایی، روابط راکد و بیماری‌های روانی را به دنبال داشته باشد. پس اگر یک شخص بین تکالیف و حقوق در رابطه به طور اخلاقی رفتار نکند پیامدهای منفی دارد و می‌تواند بر سلامت جسمی و روانی تأثیر بگذارد، بنابراین همان‌طور که افراد در یک رابطه به یکدیگر وابسته هستند وجود اخلاق رابطه‌ای لازم هست تا افراد خود را در برابر پیامدهای ارتباط مسئول بدانند و بین حقوق و تکالیف انصاف و حقوق برابر را رعایت کنند.

واژه‌های کلیدی: اخلاق رابطه ای، خانواده مضطرب، روابط عمودی و افقی

بررسی مقایسه ای ملاک‌های همسرگزینی قبل و بعد از ازدواج زوجین شهرستان شاهرود

زهره شاه‌حسینی^{۱*}، ناصره شاکری^۲، نیلوفر اعرابی^۳

*۱- دانشجوی دکترا، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکتری، دانشیار دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شاهرود، شاهرود، ایران

۳- دکتری، دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، بجنورد، ایران

Zahra.sh2008@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: هدف از پژوهش حاضر، بررسی مقایسه ای ملاک‌های همسرگزینی قبل و بعد از ازدواج (حداقل ۵ سال) زوجین شهرستان شاهرود می باشد.

روش پژوهش: روش تحقیق حاضر توصیفی از نوع مقایسه ای است. نمونه ی این پژوهش متشکل از ۱۰۰ نفر افراد متأهل شهرستان شاهرود بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار به کار گرفته شده، "پرسشنامه اولویت بخشی ملاک‌های همسرگزینی" بود.

یافته‌ها: بین ملاک‌های همسرگزینی و جنسیت افراد در بعد محتوایی و فرایندی قبل و بعد از ازدواج تفاوت معنی داری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: درواقع می‌توان بیان نمود که اهمیت ملاک‌ها برای افراد بعد از تجربه زندگی مشترک بیشتر و واضح تر می باشد. به عنوان مثال قبل از ازدواج ملاک‌های محتوایی مانند ویژگی‌های روان‌شناختی فردی و خانوادگی از قبیل سن، شغل و درآمد، تناسب فرهنگی از اهمیت کمتری برای افراد برخوردار بوده است درحالی که ملاک‌هایی از قبیل جذابیت ظاهری قبل از ازدواج از اهمیت بالایی برای افراد برخوردار بوده اما بعد از ازدواج اهمیت چندانی نداشته است. همچنین ملاک‌هایی مثل عشق و علاقه برای برخی افراد قبل از ازدواج بی اهمیت بوده بعد از ازدواج از اهمیت برخوردار شده و برخی دیگر بلعکس.

واژه‌های کلیدی: ملاک‌های همسرگزینی، قبل و بعد از ازدواج، ملاک‌های همسرگزینی، جنسیت

رابطه‌ی ادراک انصاف و اخلاق رابطه‌ای با صمیمیت زناشویی در معلمان متأهل شهر اهواز

ساسان باوی^{۱*}، میترا حیدریان^۲

*- دکتری، استادیار گروه روان‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

۲- کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

sasanbavi@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر جهت تعیین میزان رابطه‌ی ادراک انصاف و اخلاق رابطه‌ای با صمیمیت زناشویی در معلمان متأهل شهر اهواز بود.

روش پژوهش: توصیفی از نوع همبستگی بود جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان زن و مرد مدارس بود که از این جامعه آماری تعداد ۱۵۰ نفر به شیوه تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شد. برای گردآوری داده‌ها از مقیاس صمیمیت زناشویی، سنجش ادراک انصاف و پرسشنامه اخلاق رابطه‌ای استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS-۲۱ در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد.

یافته‌ها: نشان دادند که بین ادراک انصاف و اخلاق رابطه‌ای با صمیمیت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون به روش ورود همزمان نشان داد که ادراک انصاف و اخلاق رابطه‌ای ۳۷/۹ درصد از واریانس مربوط به صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کنند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام به گام نشان داد که اخلاق رابطه‌ای و ادراک انصاف به ترتیب پیش‌بینی کننده‌های معنی داری برای صمیمیت زناشویی هستند. سطح معنی داری در این پژوهش $P < 0/05$ می‌باشد.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد با افزایش اخلاق رابطه‌ای و ادراک انصاف در زندگی زناشویی احتمال افزایش صمیمیت زناشویی در بین زوجین بیشتر خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: ادراک انصاف، اخلاق رابطه‌ای، صمیمیت زناشویی

نقش انعطاف‌پذیری شناختی و تمایز یافتگی در پیوند ایمن رابطه زناشویی

آرزو مجرد

دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

arezoomojarrad@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: خانواده هسته اساسی جامعه محسوب می‌شود که تداوم آن بسته به نحوه پیوند روابط زناشویی بستگی دارد و این امر از عوامل مختلفی سرچشمه می‌گیرد. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی نقش انعطاف‌پذیری شناختی و تمایز یافتگی در پیوند ایمن رابطه زناشویی بود.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر توصیفی، از نوع همبستگی بود. جامعه پژوهش شامل تمامی زنان متأهل بین ۱۹ تا ۵۵ سال بود که در سال ۱۴۰۰ به مرکز مشاوره مراجعه کرده بودند که از بین آن‌ها نمونه‌ای به تعداد ۱۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و از شرکت‌کنندگان خواسته شد پرسشنامه‌های انعطاف‌پذیری شناختی دنیس و وندروال (CFI)، پیوند ایمن (JSL) و تمایز یافتگی خود (DSI) را تکمیل کنند. برای تحلیل داده‌ها از آزمون پارامتریک همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد بین انعطاف‌پذیری شناختی و تمایز یافتگی با پیوند ایمن زناشویی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بدین معنا که هر چه انعطاف‌پذیری شناختی و تمایز یافتگی بیشتر باشد پیوند ایمن رابطه زناشویی نیز بیشتر است.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده و با توجه به اهمیت پیوند ایمن رابطه زناشویی در تداوم زندگی، بهتر است با برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی و با بهره‌گیری از اقدامات روان‌شناختی مناسب سعی در افزایش انعطاف‌پذیری شناختی و تمایز یافتگی شده و از این طریق موجب افزایش پیوند ایمن رابطه زناشویی شد.

واژه‌های کلیدی: انعطاف‌پذیری شناختی، تمایز یافتگی، پیوند ایمن، رابطه زناشویی

مقایسه دشواری در تنظیم هیجان و ناهماهنگی شناختی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی

زهره بشیری

کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

zbashirim72@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: ازدواج و زندگی زناشویی از جمله اتفاقات مهمی در زندگی افراد است که دلایل مختلفی می‌تواند آنرا به سمت طلاق سوق دهد. بنابراین هدف پژوهش حاضر مقایسه دشواری در تنظیم هیجان و ناهماهنگی شناختی در زوجین متقاضی طلاق و زوجین عادی بود.

روش پژوهش: حاضر توصیفی و از نوع علی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان و مردان مراجعه کننده به مراکز مشاوره و زوجین عادی شهر ایلام بود. حجم نمونه نیز شامل ۱۰۰ نفر از این افراد بود که ۵۰ نفر در گروه متقاضی طلاق و ۵۰ نفر زوج عادی بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه ناهماهنگی شناختی (DARQ) هارمون - جونز و پرسشنامه دشواری تنظیم هیجانی (DERS) گراتر و رومر پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از تحلیل واریانس تک و چند متغیره استفاده شد که تمام کارهای آماری از طریق نرم افزار SPSS-23 انجام پذیرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین نمرات ناهماهنگی شناختی در دو گروه متقاضی طلاق و عادی تفاوت معنی‌داری مشاهده شد ($P=0/001$) به طوری که گروه عادی نمرات کمتری از گروه متقاضی طلاق کسب کردند. همچنین در تمامی مؤلفه‌های دشواری در تنظیم هیجان (عدم پذیرش، اهداف، تکانه، آگاهی، راهبردها و شفافیت) در دو گروه متقاضی طلاق و عادی تفاوت معناداری وجود داشت به گونه ای که گروه متقاضی طلاق در تمامی این مؤلفه‌ها دارای نمرات بالاتری نسبت به گروه عادی بودند.

نتیجه‌گیری: می‌توان با افزایش مهارت تنظیم هیجان و بررسی خطاها و ناهماهنگی‌های شناختی زوجین در قبل از ازدواج به افزایش رضایت زناشویی و کاهش طلاق کمک کرد.

واژه‌های کلیدی: دشواری در تنظیم هیجان، ناهماهنگی شناختی، طلاق، زوجین

پیش بینی رضایت زناشویی براساس فضیلت زناشویی فداکاری و تعهد

زهرا محمودی^۱، رضا خجسته مهر^{۲*}، ذبیح اله عباسپور^۳

۱- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
۲- دکتری، استاد تمام، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)
۳- دکتری، استادیار، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

Zahramahmoudi318@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: ازدواج، مهمترین تصمیم زندگی فردی؛ و رضایت از ازدواج نیز اصلی ترین عامل تعیین کننده کیفیت زندگی و سلامت روانی است. پژوهشگران بسیاری تلاش نموده‌اند تا عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی را شناسایی و روابط بین آن‌ها را تعیین نمایند. پژوهش حاضر با هدف تعیین سهم پیش بینی کنندگی تعهد زناشویی و ادراک فداکاری به عنوان فضیلت‌های زناشویی مهم بر رضایت زناشویی بود.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر توصیفی، از نوع همبستگی و نمونه مورد بررسی ۳۵۴ فرد متأهل شهر اهواز بودند که به شیوه نمونه گیری در دسترس داوطلبانه انتخاب شدند. پس از ساخت پرسشنامه در سایت پرس لاین و انتشار لینک آن در فضای مجازی، داوطلبان می‌توانستند با ورود به لینک پرسشنامه‌های پژوهش، مقیاس ارزیابی رابطه (RAS)، سنجح ادراک فداکاری (PSM) و پرسشنامه تعهد زناشویی (DSI) را تکمیل کنند. داده‌های این پژوهش با بکارگیری روش همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه. و با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که تعهد زناشویی و ادراک فداکاری با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معنادار ($P < 0/01$) دارد. نتایج رگرسیون همچنان مشخص ساخت از بین دو متغیر پیش‌بین فقط متغیر تعهد زناشویی پیش بین قوی معنادار ($P < 0/01$) رضایت بود.

نتیجه گیری: رضایت زناشویی زوجین از طریق تعهد زناشویی قابل پیش بینی است. لذا با توجه نتایج بدست آمده در زمینه میزان اثر به دست آمده در خصوص تعهد زناشویی احتمالاً بتوان رضایت زناشویی افراد را تا حد قابل ملاحظه ای افزایش داد. مداخله مبنی بر اثربخشی بسته‌های آموزشی فضیلت تعهد بر کیفیت و رضایت زناشویی از پیشنهاد مهم این پژوهش است.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زناشویی، ادراک فداکاری، تعهد زناشویی، فضیلت‌های زناشویی

پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان شاغل بر اساس حمایت اجتماعی و ادراک انصاف

فاطمه حاجی حسینی^{۱*}، رضاخجسته مهر^۲، کیومرث بشلیده^۳

* کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهیدچمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

۲- استاد تمام، دانشگاه شهیدچمران اهواز، اهواز، ایران

۳- استاد تمام، دانشگاه شهیدچمران اهواز، اهواز، ایران

f.hajihosseini1393@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: از جمله دلایل معقول و منطقی مطالعه بر روی جزئیات رضایت زناشویی، درک محوریت آن در سلامت خانواده و اشخاص، اهمیت آن در شکل‌گیری ازدواج‌های موفق در جامعه، گسترش مداخلات تجربی برای زوجین به منظور جلوگیری یا کم کردن فشارهای زناشویی و طلاق می‌باشد. هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه رضایت زناشویی زنان شاغل با حمایت اجتماعی و ادراک انصاف و پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان شاغل بر اساس این دو متغیر است.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع هبستگی و نمونه مورد نظر ۱۹۰ خانم متأهل شاغل بودند که با روش نمونه‌گیری دردسترس داوطلبانه انتخاب شدند. لینک پرسشنامه‌ها برای شرکت‌کنندگان ارسال شد و از آن‌ها خواسته شد مقیاس ارزیابی رابطه (RAS)، مقیاس چند بعدی حمایت اجتماعی ادراک شده (MSPSS) و مقیاس تک سوالی انصاف را تکمیل کنند. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که در نمونه‌ی پژوهش بین رضایت زناشویی زنان شاغل، حمایت اجتماعی و ادراک انصاف رابطه مثبت معنادار وجود دارد، همچنین متغیرهای حمایت اجتماعی و ادراک انصاف توانایی پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان شاغل را دارند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج بدست آمده و از آن‌جا که رضایت زناشویی زنان بر کیفیت و میزان سلامت خانواده و جامعه تأثیر می‌گذارد، بهتر است اقدامات پژوهشی و بالینی لازم جهت بهبود و جذب بیشتر حمایت اجتماعی و ادراک انصاف که موجب افزایش رضایت زناشویی زنان است، در مشاوره‌های خانواده انجام گیرد.

واژه‌های کلیدی: رضایت زناشویی، زنان شاغل، حمایت اجتماعی، ادراک انصاف

پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس نگرش‌های جنسی و نگرش به زندگی در زنان متأهل

فریبا کلانتری

دکتری، استادیار گروه روان‌شناسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

kalantari_fr@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه نگرش‌های جنسی و نگرش به زندگی با سازگاری زناشویی زنان متأهل انجام شد.

روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متأهل شهر رامهرمز بود که تعداد ۲۴۵ نفر با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد سنجش نگرش جنسی هادسون، مورفی و نوریس (۱۹۸۳)، نگرش به زندگی باتیستا (۱۹۷۳) و سازگاری زناشویی گراهام بی اسپانییر (۱۹۷۶) استفاده شد. جهت تحلیل فرضیه‌های پژوهش از ضرایب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چند گانه و نیز مفروضه‌های تحلیل رگرسیون شامل نرمال بودن، وجود هم خطی و بررسی استقلال خطاها استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که بین نگرش‌های جنسی با سازگاری زناشویی در زنان متأهل رابطه معنی‌دار وجود داشت. هم‌چنین بین نگرش به زندگی با سازگاری زناشویی در زنان متأهل رابطه معنی‌داری وجود داشت. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز حاکی از وجود رابطه چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین با سازگاری زناشویی بود. تحلیل رگرسیون به روش ورود نشان داد تقریباً ۴۷٪ واریانس مربوط به متغیر سازگاری زناشویی به وسیله‌ی متغیرهای پیش‌بین تبیین شدند. هم‌چنین برای تعیین یک معادله پیش‌بینی مناسب با استفاده از کوچکترین مجموعه‌ی احتمالی از قوی‌ترین ترکیب متغیرهای پیش‌بین از روش رگرسیون گام به گام (Stepwise) استفاده شد. طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش گام به گام، از میان متغیرهای پیش‌بین، نگرش به زندگی بهترین پیش‌بینی‌کننده برای سازگاری زناشویی زنان متأهل بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته پژوهش حاصل می‌توان گفت نگرش به زندگی بر روی انتخاب فعالیت‌ها و اهداف فرد تأثیر گذاشته و موجب برخورداری او از یک زندگی هدفمند و همراه با احساس قدرت و حس تکامل می‌شود بنابراین در زندگی زوجی منجر به سازگاری زناشویی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: نگرش جنسی، نگرش به زندگی، سازگاری زناشویی

پیش‌بینی صمیمیت زناشویی بر اساس ذهن آگاهی و همدلی زناشویی زنان و مردان متأهل

ایمان بهاروند

دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

im.bahar69@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: صمیمیت رابطه‌ای است که در آن مراقبت، اعتماد متقابل و پذیرش وجود دارد و تأثیر قابل توجهی در سلامت زوجین دارد. بر همین اساس مطالعه صمیمیت بین زوجین و عوامل مؤثر بر آن، از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین، هدف این پژوهش بررسی نقش ذهن آگاهی و همدلی زناشویی در صمیمیت زناشویی است.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر توصیفی، از نوع همبستگی است. ۲۱۵ فرد متأهل (۱۲۹ زن و ۸۶ مرد) به شیوه نمونه-گیری در دسترس انتخاب شدند؛ و بصورت آنلاین به پرسشنامه‌های صمیمیت زناشویی (MIS) تامپسون و واکر فرم کوتاه پرسشنامه ذهن آگاهی (FMI) فرایبورگ و همدلی زناشویی (MES) پاسخ دادند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد بین ذهن آگاهی و همدلی زناشویی با صمیمیت زناشویی همبستگی مثبت معنادار ($P < 0.01$) وجود دارد. همچنین ذهن آگاهی و همدلی زناشویی دارای توان پیش‌بین صمیمیت زناشویی ($P < 0.001$) در زنان و مردان بودند.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش حاضر نشانگر اهمیت عوامل روان‌شناختی فردی در تبیین صمیمیت زناشویی زنان و مردان است. بنابراین توجه به این عوامل به خصوص ذهن آگاهی و همدلی زناشویی نقش مهمی در صمیمیت زناشویی و سلامت خانوادگی زوجین دارد.

واژه‌های کلیدی: صمیمیت زناشویی، ذهن آگاهی، همدلی زناشویی

اثربخشی درمان شناختی رفتاری بر تاب آوری مادران دارای کودکان بیش فعال

سیده لیلا مصلحی

کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران

leilamoslehi2014@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: تاب آوری عاملی است که افراد را در مواجهه و سازگاری با شرایط سخت و استرس زای زندگی کمک می کند و آن ها را در برابر اختلالات روانی و مشکلات زندگی محافظت می کند، بر همین اساس مطالعه عوامل مؤثر بر تاب آوری مادران دارای کودکان بیش فعال از اهمیت زیادی برخوردار است. پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی درمان شناختی رفتاری بر تاب آوری مادران دارای کودکان بیش فعال انجام شد.

روش: روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۰ نفر از مادران دارای کودکان بیش فعال که در مراکز مشاوره ای شهر تنکابن در سال ۱۴۰۰ مراجعه کردند. ابزار گردآوری مقیاس تاب آوری (CD_RIS) کانر و دیویدسون بود. ۳۰ نفر از مادران به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. و به طور تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره آزمایش و کنترل جایگزین شدند. برای هر دو گروه پیش آزمون اجرا شد و سپس یک گروه آزمایشی به مدت ۲ ماه و در هر هفته یک جلسه ۴۵ دقیقه ای، در مراکز مربوطه توسط درمانگر، تحت درمان شناختی قرار خواهند گرفت و گروه شاهد هیچ درمانی انجام نشد.

یافته ها: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از کوواریانس نشان داد که نمرات تاب آوری مادران دارای کودکان بیش فعال در پس آزمون نسبت به پیش آزمون افزایش پیدا کرده است. بنابراین بین درمان شناختی رفتاری و تاب آوری مادران دارای کودکان بیش فعال رابطه مثبت معنادار وجود دارد و هرچه میزان تاب آوری کودکان کمتر باشد احتمال مشکلات بیش فعالی بیشتری تجربه خواهد شد.

نتیجه گیری: باتوجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها و از آن جا که درمان شناختی رفتاری بر تاب آوری مادران دارای کودکان بیش فعال تأثیر دارد، بهتر است اقدامات روان شناختی لازم جهت بررسی و شناسایی و آموزش مادران دارای کودکان بیش فعال توسط سازمان های مربوطه برنامه ریزی شود. تبیین آموزش مادران دارای کودکان بیش فعال می تواند به مدیران، برنامه ریزان، مجریان آموزش در طراحی و اجرای توانمندسازی اثربخش، کمک نموده و دستیابی بیشتر و سهل تر اهداف آموزش را که بهبود عملکرد مادران در جامعه کوچک خانواده است را فراهم آورد.

واژه های کلیدی: درمان شناختی رفتاری، تاب آوری مادران، کودکان بیش فعال



پیش بینی ناگویی خلقی و حرمت خود دختران نوجوان بر اساس سبک های فرزندپروری پدران

الناز عامریان^۱، شهناز نوحی^{۲*}، مسعود جان بزرگی^۳

۱- کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران
۲- دکتری، استادیار، گروه روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول)
۳- دکتری، استاد گروه روان شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم، قم، ایران

Psynut.sh@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: سبک فرزندپروری والدین یکی از مهمترین عواملی است که منجر به رشد سالم در کودکان و نوجوانان می شود. به عبارتی، رفتار والدین نقش بسزایی در سلامت روان و رفاه کودک دارد و توانایی سازگاری عمومی نوجوانان نیز در پیشرفت آنها عاملی مهم است که با مداخلات پیشگیرانه و برنامه های ارتقای سلامت بهبود می یابد. هدف اصلی پژوهش حاضر پیش بینی ناگویی خلقی و حرمت خود دختران نوجوان بر اساس سبک های فرزندپروری پدران بود.

روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانش آموزان دختر مدارس شاهرود و پدران آنها بود که تعداد ۲۴۴ نفر از دختران دانش آموز مقاطع مختلف مشغول به تحصیل در مدارس شاهرود و پدرانشان به عنوان گروه نمونه با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند و پرسشنامه حرمت خود (SEI) کوپراسمیت، پرسشنامه ناگویی خلقی (TAS-20) تورنتو، پارکر و تیلور، و پرسشنامه سبک فرزندپروری (BPS) بامریند، بین آنها توزیع گردید. داده ها با استفاده از همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه تحلیل شد.

یافته ها: تحلیل داده ها نشان داد که سبک های فرزندپروری پدران با ناگویی خلقی و حرمت خود دختران نوجوان همبستگی معنادار داشتند ($P \leq 0/01$) و به طور مشترک ۳۶ درصد از واریانس، متغیر ناگویی خلقی و ۲۰ درصد از واریانس، حرمت خود در دختران نوجوان را تبیین کردند. همچنین سبک فرزندپروری مقتدر در پدران قوی ترین پیش بین ناگویی خلقی و حرمت خود در دختران نوجوان با مقدار پیش بینی کنندگی ۰/۲۷ و ۰/۳۱ بود. سبک فرزندپروری مستبد در پدران نیز ۲۲ و ۲۰ درصد از تغییرات ناگویی خلقی و حرمت خود دختران نوجوان را تبیین نمود. علاوه بر این، سبک فرزندپروری سهل گیر در پدران به صورت مثبت ۳۵ درصد از تغییرات ناگویی خلقی را تبیین کرد و توان پیش بینی حرمت خود را نداشت.

نتیجه گیری: بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، سبک های فرزندپروری در پدران عامل مهمی در پیش بینی ناگویی خلقی و حرمت خود دختران نوجوان هستند. لذا طراحی کارگاه های آموزشی در مورد سبک های فرزندپروری و اثرات هریک از آنها بر فرزندان بسیار ضروری است تا از این طریق بتوان با تغییر نگرش پدران و بهبود روابط اعضای خانواده مشکلات هیجانی-رفتاری دختران نوجوان را کاهش داد و موجب تقویت حرمت خود آنها گردد.

واژه های کلیدی: ناگویی خلقی، حرمت خود، فرزندپروری پدران



واکاوی فرزندپروری عدالت محور در فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی

ماهرخ رحیمی شعر باف مقدس*^۱، حسین کدخدای^۲

*۱- کارشناس ارشد روان شناسی عمومی موسسه آموزش عالی حکیم نظامی قوچان، قوچان، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکتری مدیر گروه و استادیار دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

Mahrokh.R.39@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: این پژوهش در صدد تبیین و تحلیل فرزند پروری عدالت محور و بدور از تبعیض بین فرزندان در فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی می باشد. خانواده از ارکان مهم اجتماع بوده و میزان تبعیض بین فرزندان بر ابعاد و وجود شخصیتی فرزندان و به دنبال آن بر سایر ابعاد جامعه تأثیرگذار است. اغلب پدر و مادرها در نظر خود میان فرزندان شان هیچ تفاوتی قائل نشده و با همه فرزندان شان به یک شکل برخورد می کنند. نبود عدالت در فرزندپروری موضوع جدیدی در خانواده ها نیست و از گذشته تا به امروز همیشه بوده است.

روش پژوهش: روش پژوهش این مقاله توصیفی- تحلیلی است. جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه ای و مرور بالغ بر ۲۰ مقاله و سایت ها انجام شده و سوالات آن عبارت است از: فرزندپروری در فرهنگ ایرانی تا چه حد عدالت محور است؟ مبنای فرزندپروری عدالت محور از منظر اسلام چگونه است؟ عوامل مؤثر بر فرزندپروری عدالت محور با توجه به فرهنگ ایران- اسلامی چیست؟

یافته ها: یافته های این پژوهش نشان داد که در فرهنگ ایرانی هنوز عواملی چون ارجحیت فرزند پسر بر فرزند دختر وجود دارد. البته عواملی چون ترتیب تولد، رفتار و شخصیت بچه ها، حوادثی چون بیماری یکی از فرزندان هم نقش مؤثری دارد. همچنین در اسلام بر رعایت بر این موضوع و عدم تبعیض بین فرزندان سفارش بسیاری شده و در احادیث و روایات و حتی در قرآن کریم هم بر این موضوع و ایجاد خانواده سالم و رعایت تاکید شده است. برخی احادیث به تبیین جایگاه فرزندان در خانواده، ادای حق فرزند، تأثیری که بر حیات مادی و معنوی والدین دارند، پرداخته اند. این موضوع از آموزه های اخلاقی در سنت اسلامی است و قرآن و احادیث بر اهمیت آن از دوره پیش از ولادت تا بزرگسالی، سخن رفته است.

نتیجه گیری: ابراز محبت های والدین به خدشه دار شدن عدالت میان فرزندان منجر شده و یک یا چند فرزند احساس کمبود محبت کرده و با مشکلات عاطفی مواجه می شوند. در این اوضاع است که مشخص می شود توصیه اکید اسلام در خصوص رعایت عدالت میان فرزندان تا چه اندازه در بقای خانواده و حفظ آرامش و امنیت خاطر اعضای آن تأثیر داشته و دامنه آن تا اجتماع و کاهش بحران ها و آسیب های اجتماعی و اخلاقی کشیده می شود.

واژه های کلیدی: فرزندپروری، عدالت، فرهنگ ایرانی، فرهنگ اسلامی

توانمندسازی خانواده در گسترش مداخلات مقرون به صرفه برای کاهش مشکلات رفتاری: مرور توصیفی-انتقادی تسهیل تحول شناختی در زندگی روزمره

زهره حسین‌زاده ملکی^{۱*}، علی مشهدی^۲، سید کاظم رسول‌زاده طباطبائی^۳

*-دکتری (استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی)، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

۲-دکتری (استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی)، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳-دکتری (دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی)، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

z.hmaleki@um.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: پیشگیری و کاهش مشکلات رفتاری برای ارتقاء کیفیت فرزندآوری ضروری است. سال‌های آغازین زندگی، برای نیل به این هدف حیاتی است. در حالی که مداخلات زودهنگام، می‌تواند مانع از شکل‌گیری پیامدها، بهبود پیش‌آگهی تحولی و کاهش هزینه‌های سازمان‌های متولی باشد، فراوانی تعداد کودکان در هرم جمعیتی، شیوع بالای مشکلات رفتاری، هزینه آموزش متخصصین و نظارت بر اجرای دقیق مداخلات با توجه به محدودیت منابع مالی و گاه غفلت از بافت فرهنگی، دسترس‌پذیری مداخلات زودهنگام و درمان‌های مبتنی بر شواهد (EBTs) در ایران را دشوار می‌سازد. بنابراین، هدف مطالعه حاضر مروری توصیفی-انتقادی شناسایی مداخله‌ای زودهنگام و مبتنی بر شواهد اما مقرون به صرفه، برای پیشگیری و کاهش مشکلات رفتاری بود.

روش پژوهش: مرور توصیفی-انتقادی برای شناسایی و گزینش مداخلات، با استفاده از روش تطبیق‌یافته گارلند (ملکی و همکاران، ۲۰۲۰) صورت گرفت. بدین منظور، Sid، Magiran، Irandoc و Google scholar، پژوهش‌های کمی و کیفی (سال‌های ۲۰۰۵ الی ۲۰۲۰) با نمونه‌های ایرانی (فارسی و انگلیسی) و غیرایرانی (انگلیسی)، بررسی و نتایج با مطالعات فراتحلیل و مروری برای سنجش شواهد مقایسه شد، هدف از بررسی پژوهش‌های کیفی استخراج تجارب دینفعان (خانواده و کودکان پیش‌دبستانی) در دریافت و دسترسی به خدمات بود.

یافته‌ها: مداخله مبتنی بر شواهد و مقرون به صرفه برای پیشگیری و کاهش مشکلات رفتاری در سنین پیش‌دبستان، آموزش فرزندپروری بود. یافته‌های نوظهور عصب‌روان‌شناختی و تجارب دینفعان اصلی، آموزش فرزندپروری را مداخله‌ای می‌داند که از بدو تولد در بستر فرهنگی زندگی روزمره خانواده می‌تواند در دسترس باشد و با تسهیل، ارتقا و تحول مغز به کاهش/پیشگیری مشکلات رفتاری کودک منجر شود. این تأثیرات با تمرکز بر ارتقاء مؤلفه‌های "دانش"، "مهارت" و "نگرش" خانواده محقق خواهد شد؛ وجه برجسته دیگر آموزش فرزندپروری، دسترس‌پذیری از منظر سهولت آموزش به کارکنان خدمات سلامت بومی، اثرگذاری بر کنش‌وری اجرایی مغز و به تبع آن نگرش، مهارت و رفتار کودک در همان بستر خانواده می‌باشد. همچنین، ارائه آن در مراکز بهداشت، اماکن فرهنگی و مدارس، به شیوه‌های فردی، گروهی، برخط، ضبط شده و مکتوب ممکن و مؤثر است. در حالی که مزایای سایر رویکردهای مبتنی بر شواهد مانند دارودرمانی برای "سنین پیش از دبستان"، هنوز وضوح ندارد یا در بستر فرهنگی ایران از سوی خانواده‌ها مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. بنابراین، طی سال‌های پیش‌دبستانی، شکل‌دهی به تحول مغز با استفاده از ظرفیت‌های خانواده به ویژه تعامل والد-کودک، از منظر تخصیص منابع انسانی و مالی در قبال نتایج مثبت حاصل، مقرون به صرفه است.

واژه‌های کلیدی: خانواده، مداخلات مقرون به صرفه، مشکلات رفتاری، تحول شناختی، پیش‌دبستان، مرور توصیفی-انتقادی



نقش میانجی غنای کار-خانواده در رابطه فضیلت تعالی با رضایت از زندگی

سیمین دخت کلنی

دکتری، استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

Sd.kalani@edu.ui.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: ایجاد تعادل بین نقش‌های شغلی و زندگی شخصی به کانون اصلی تحقیقات تبدیل شده است و یک دغدغه عملی برای افراد و سازمان‌ها است. پژوهش‌های اخیر ارزش روان‌شناسی مثبت در پیشینه کار-خانواده را با ساختارهای بدیع مانند غنی‌سازی کار و خانواده تأیید کرده است. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر میانجی غنای کار-خانواده در رابطه فضیلت تعالی با رضایت از زندگی بود.

روش پژوهش: نمونه ۱۶۸ نفر از زنان و مردان متأهل شاغل در یک سازمان در اصفهان بودند و به پرسشنامه توانمندی‌های منش (VIA-IS) از پیترسون و سلیگمن (فضیلت تعالی شامل توانمندی‌های ستایش زیبایی و نیکی، قدرشناسی، امید و خوش‌بینی، شوخ‌طبعی و معنویت)، پرسشنامه غنای کار-خانواده از رشید همکاران و پرسشنامه رضایت از زندگی داینر (SWLS) پاسخ دادند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد فضیلت تعالی از طریق نقش میانجی غنای کار-خانواده، در افزایش رضایت از زندگی نقش دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج می‌توان گفت یکی از راه‌های افزایش غنای کار-خانواده و به تبع آن رضایت از زندگی، تقویت فضیلت تعالی در کارکنان متأهل می‌باشد و این مسئله بایستی مورد توجه مدیران منابع انسانی در سازمان‌ها قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: توانمندی‌های منشی، فضیلت تعالی، غنای کار-خانواده، رضایت از زندگی

مطالعه کیفی مثلث سازی عاطفی در روابط زناشویی

صفورا برنا بلداجی^{۱*}، سهیلا پزشکی^۲

* ۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی المهدی مهر، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

۱- موسسه آموزش عالی المهدی مهر، اصفهان، ایران

safoura.borna66@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: مثلث سازی عاطفی یعنی اینکه فرد که با وجود همسر معشوقه پیدا می کند وارد یک ائتلاف سری با معشوقه می شود و این وضع به او اجازه می دهد که از فشارهای دردناک رابطه با همسرش فاصله بگیرد که این گونه روابط تهدیدی برای کانون خانواده بوده و مخاطراتی را در پی دارد. پژوهش حاضر به منظور بیان روایت زنان از مثلث سازی عاطفی در زندگی زناشویی بود.

روش: پژوهش حاضر به شیوهی تحلیل روایت که یکی از روش های کیفی است، انجام گرفت. پژوهشگر با استفاده از نمونه گیری گلوله برفی و هدفمند، با دادن اطمینان خاطر در مورد محرمانه بودن و عدم افشای آن، از ۱۰ زن مورد مطالعه خواست که روایت زندگیشان را تعریف کرده به گونه ای که احساسات و افکار قبل، حین و بعد از برقراری مثلث سازی عاطفی آنان در زندگی زناشویی متمایز شود. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مصاحبه ی روایتی بوده و نحوه ی تجزیه تحلیل داده ها نیز به شیوه ی تحلیل روایت مضمونی بوده است به طوریکه پژوهشگر در سه سطح توصیف تقلیل و تفسیر داده ها به این امر پرداخت.

یافته ها: یافته های پژوهش در قالب سه مقوله ی اصلی محرک های فردی-روان شناختی، فرهنگی-جامعه شناختی و محرک های رسانه ای مطرح شد. مقولات فردی-روان شناختی شامل مقولات فرعی محرومیت جنسی، محرومیت عاطفی و عدم پابندی مذهبی، مقولات فرهنگی-جامعه شناختی شامل مقولات فرعی ازدواج اجباری، ازدواج در سنین پایین، روابط قبل از ازدواج و زندگی شهری و مقولات رسانه ای شامل مقولات فرعی شبکه های بیگانه و فضای مجازی بودند.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه در مراکز مشاوره و کارگاه ها و متخصصین حوزه زوج درمانی در بردارد. فهم پدیده مثلث سازی عاطفی در زندگی زناشویی، آن گونه که در این پژوهش آمده است، می تواند به زوج ها کمک کند تا از بی کیفیتی در زندگی زناشویی جلوگیری نموده و کیفیت و رضایت زناشویی خود را بهبود بخشند.

واژه های کلیدی: مثلث سازی عاطفی، روابط زناشویی، فرازناشویی، مطالعه کیفی

پیش‌بینی ابعاد دلزدگی زناشویی زوجین بر اساس مؤلفه‌های سبک زندگی

هاجر فلاح زاده^{۱*}، شهلا آمره ئی برچلوئی^۲

^{۱*} - دکتری، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ - کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران

falahzade@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: ازدواج موفق موجب افزایش سلامت جسمی و روانی زوجین می‌شود. بر همین اساس، بررسی و مطالعه فاکتورهای مرتبط با مشکلات و دلزدگی زناشویی و ابعاد مختلف آن به جهت تأثیری که بر بهداشت روانی زوجین دارد، حائز اهمیت زیادی است. لذا پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی ابعاد دلزدگی زناشویی زوجین بر اساس مؤلفه‌های سبک زندگی در سال ۱۳۹۹-۱۳۹۸ انجام گرفت.

روش: جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل تمامی زوجین ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۹ است. در پژوهشی با روش توصیفی از نوع همبستگی، نمونه‌ای به حجم ۲۴۰ نفر (۱۲۰ زوج) از میان تمامی زوجین ساکن منطقه چهار شهر تهران به روش نمونه‌گیری در دسترس هدفمند انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان در این مطالعه، پرسشنامه دلزدگی زناشویی (MBQ) و نیمرخ سبک زندگی ارتقادهنده سلامت (HPLP-II) را تکمیل نمودند.

یافته‌ها: نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندمتغیری حاکی از آن است که بین ابعاد دلزدگی زناشویی با مؤلفه‌های سبک زندگی به صورت نزولی (منفی) از لحاظ آماری رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفه‌های سبک زندگی، به صورت معناداری ابعاد دلزدگی زناشویی زوجین را پیش‌بینی می‌کنند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان از اهمیت سبک زندگی سالم در تعدیل دلزدگی زناشویی زوجین دارد.

واژه‌های کلیدی: دلزدگی زناشویی، سبک زندگی

پیش بینی خوشنودی زناشویی بر پایه پختگی هیجانی و نگرش به پیوند زناشویی در زنان و مردان با همسرگیری زودهنگام و بهنجار

زهرا غلامی قره شیران^۱، باقر ثنایی^۲، علیرضا کیامنش^{۳*}، کیانوش زهراکار^۴

- ۱- دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران
۲- دکتری، استاد گروه مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
۳- دکتری، استاد گروه مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۴- دکتری، دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

kiamanesh@khu.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: کامیابی خانواده و روابط زوجی از ازدواج بهنگام و آگاهانه و انتخاب همسر با سنجش های درست اثر می پذیرد. در این پژوهش بر پایه پختگی هیجانی و نگرش به پیوند زناشویی در زنان و مردان با همسرگیری زودهنگام و بهنجار خوشنودی زناشویی پیش بینی شده است.

روش پژوهش: با به کارگیری روش توصیفی و بهره گیری از همبستگی و رگرسیون، یک نمونه ۱۹۷ نفری زن و مرد متأهل با حداقل ۵ و حداکثر ۱۰ سال زندگی مشترک که به صورت در دسترس انتخاب شده بودند، مورد بررسی نهاده شد. از پرسشنامه های خوشنودی زناشویی اینرچ (ENRICH-47)، نگرش به پیوند زناشویی (MAS) و پختگی هیجانی (EMS) برای داده گیری استفاده شد. داده ها با استفاده از آزمون های تی، همبستگی و رگرسیون تحلیل شده اند.

یافته ها: یافته ها نشان می دهد که میان سن ازدواج زنان و مردان در دو عامل مورد بررسی تفاوت معنی داری وجود ندارد. نگرش به پیوند زناشویی و مؤلفه بدبینی در هر چهار گروه مورد بررسی خوشنودی زناشویی را پیش بینی می کنند. با افزایش سن ازدواج در هر چهار گروه نگرش بدبینانه به ازدواج کاهش می یابد.

نتیجه گیری: روی هم رفته می توان نتیجه گرفت که با افزایش سن، ازدواج نگرش به پیوند زناشویی در زنان کاهش و واقع گرایانه می شود، ضمن آنکه استواری هیجانی افزایش می یابد. در مردان با افزایش سن ازدواج نگرش به پیوند زناشویی افزایش و نگرش بدبینانه کاهش می یابد. افزایش سن ازدواج در هر چهار گروه با کاهش ازدواج سنتی و افزایش ازدواج نوین همراه است.

واژه های کلیدی: سن ازدواج، خوشنودی زناشویی، پختگی هیجانی، نگرش به پیوند زناشویی

پیش‌بینی انتظار از ازدواج بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و اعتیاد به اینترنت

نجمه نوری^{۱*}، آناهیتا تاشک^۲

* ۱- کارشناسی، دانشگاه باهنر کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکتری، استادیار، دانشگاه باهنر کرمان، کرمان، ایران

najme2444@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: انتظار از ازدواج از جمله عوامل مهم تأثیرگذار در روابط بعد از ازدواج است. به همین دلیل بررسی عوامل و متغیرهای مختلفی که با انتظار از ازدواج رابطه دارند ضروری به نظر می‌رسد. هدف اصلی در این پژوهش بررسی این موضوع است که آیا دو متغیر ویژگی‌های شخصیتی و اعتیاد به اینترنت توانایی پیش‌بینی انتظار از ازدواج را دارند یا خیر.

روش پژوهش: پژوهش حاضر از نوع همبستگی است و روی ۳۶۳ نفر از دانشجویان دانشگاه باهنر کرمان که با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند انجام شد. از شرکت‌کنندگان خواسته شد که پرسشنامه‌های اعتیاد به اینترنت یانگ (IAT)، پرسشنامه شخصیت آیزنک (EPQ) و مقیاس انتظار از ازدواج (MES) را تکمیل کنند و برای تحلیل داده‌ها از روش آماری رگرسیون گام به گام استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ابعاد ویژگی‌های شخصیتی شامل برون‌گرایی، نوروژگرای و سایکوزگرای و متغیر اعتیاد به اینترنت پیش‌بینی‌کننده ابعاد مختلف انتظار از ازدواج از جمله انتظارات واقع بینانه، انتظارات بدبینانه و انتظارات ایده آل گرایانه است.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر بهتر است که در زمینه مشاوره‌ی پیش از ازدواج و به ویژه ازدواج‌های دانشجویی به مواردی از قبیل ساعات استفاده از اینترنت و اعتیاد به اینترنت توجه شود. بنابراین نتایج پژوهش برای مراکز مشاوره پیش از ازدواج، مراکز مشاوره خانواده و مراکز مشاوره مدارس قابل استفاده است.

واژه‌های کلیدی: انتظار از ازدواج، اعتیاد به اینترنت، ویژگی‌های شخصیتی

پیش‌بینی سلامت روانی زنان متأهل بر اساس مؤلفه‌های هیجانی کیفیت زندگی

منصور بیرامی^۱، سولماز دهقانی دولت آبادی^{۲*}

* ۱- دکتری، استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

s.dehghani.d@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: سلامت روانی زنان می‌تواند سایر وظایف آن‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، بنابراین بررسی نقش عوامل تأثیرگذار در سلامت روانی از موضوعات با اهمیت به شمار می‌رود. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش مؤلفه‌های هیجانی کیفیت زندگی در پیش‌بینی سلامت روانی زنان متأهل بود.

روش: این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی بود. بدین منظور از جامعه زنان متأهل شهر شیراز، ۲۴۰ نفر به شیوه هدفمند انتخاب و با استفاده از پرسش‌نامه کیفیت زندگی (SF-36) و سلامت روانی (GHQ-28) در فضای مجازی مورد آزمون قرار گرفتند. به‌منظور تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل رگرسیون چندگانه (مدل همزمان) استفاده شد.

یافته‌ها: در پیش‌بینی سلامت روانی زنان متأهل، مؤلفه‌های انرژی/خستگی، بهزیستی هیجانی و عملکرد اجتماعی کیفیت زندگی نقش مثبت و مؤلفه‌ی اختلال نقش بخاطر عدم سلامت هیجانی نقش منفی دارند.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت چگونگی وضعیت بهزیستی هیجانی، شادکامی و سرزندگی زنان متأهل می‌تواند در سلامت روانی آن‌ها نقش مهمی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: سلامت روانی، کیفیت زندگی، بهزیستی هیجانی، عملکرد اجتماعی، زنان متأهل

مقایسه اثربخشی درمان متمرکز بر شفقت و ایمن سازی در برابر استرس بر فرسودگی زناشویی زنان

بهروز براتی مقدم

کارشناس ارشد مشاوره شغلی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

behrouzbarati90@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: انباشته شدن مشکلات فراوان، نامیدی از همسر و ایجاد فاصله روانی - عاطفی بین زوج منجر به فرسودگی زناشویی می‌گردد. پژوهش حاضر با هدف مقایسه اثربخشی درمان متمرکز بر شفقت و ایمن سازی در برابر استرس بر فرسودگی زناشویی زنان انجام شد.

روش پژوهش: مطالعه حاضر از نوع شبه آزمایشی و از طرح پیش آزمون- پس آزمون- پیگیری با گروه کنترل استفاده گردید. جامعه آماری زنان متأهل مراجعه کننده به مرکز مشاوره روها در شهر بجنورد بودند. نمونه ۴۵ نفر بودند که به شیوه در دسترس انتخاب و با گمارش تصادفی در دو گروه آزمایشی و یک گروه کنترل (هرگروه ۱۵ نفر) جایگزین شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مقیاس فرسودگی زناشویی (CBM) پاینز بود. گروه آزمایشی اول مداخله درمان متمرکز بر شفقت و گروه آزمایشی دوم ایمن سازی در برابر استرس را دریافت کردند. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل کوواریانس تک متغیری و آزمون تعقیبی بونفرونی استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج حاکی از آن بود که هر دو مداخله درمان متمرکز بر شفقت و ایمن سازی در برابر استرس در کاهش فرسودگی زناشویی در گروه‌های آزمایش در پایان درمان و بعد از پیگیری یک ماهه مؤثر واقع شدند. همچنین بین اثربخشی دو روش درمانی در پایان درمان و پس از پیگیری یک‌ماهه تفاوت معنی‌داری وجود نداشت.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌ها، پیشنهاد می‌گردد مشاوران و خانواده درمانگران از این دو رویکرد درمانی در جهت کاهش مشکلات و بهبود روابط زناشویی استفاده نمایند.

واژه‌های کلیدی: فرسودگی زناشویی، درمان متمرکز بر شفقت، ایمن سازی در برابر استرس، زنان

بررسی رابطه بین خشونت خانگی و طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان در افراد متأهل شهرستان شادگان

توفیق البوغبیش

کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

Tofighcounselor70@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: تشکیل خانواده و ارتباطات زناشویی یکی از منحصربه‌فردترین روابط در هر جامعه‌ای است که با ازدواج آغاز می‌شود. بر همین اساس مطالعه نحوه تأثیر هیجانات بر طلاق عاطفی و خشونت خانگی در افراد متأهل باعث آگاهی خانواده‌ها و زمینه بهبود روابط زوجین را ایجاد می‌نماید. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای تنظیم هیجان در رابطه بین خشونت خانگی و طلاق عاطفی در افراد متأهل بود.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی، از نوع همبستگی و نمونه مورد بررسی ۲۰۰ مرد و زن متأهل بودند که سن آن‌ها بین ۲۰ تا ۴۰ است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. از شرکت‌کنندگان خواسته شد پرسشنامه‌های طلاق عاطفی (EDS) گاتمن، خشونت خانگی (HITS)، تنظیم هیجان (ERQ) گراس و جان را تکمیل کنند. نتایج با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که تنظیم هیجان در ارتباط بین خشونت خانگی و طلاق نقش واسطه‌ای و تعدیل‌کننده‌ای ایفا می‌کند و بین متغیرهای خشونت خانگی و طلاق عاطفی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده و از آنجاکه خشونت خانگی و طلاق عاطفی منجر به تعارضات زناشویی می‌شوند، پیشنهاد می‌گردد که اقدامات روان‌شناختی لازم جهت شناسایی و تنظیم هیجانات مناسب در مشاوره‌های پیش از ازدواج که موجب پیشگیری از مشکلات احتمالی بعدی می‌شود، انجام گیرد.

واژه‌های کلیدی: خشونت خانگی، طلاق عاطفی، تنظیم هیجان.

بررسی عوامل بازدارنده از روابط فرا زناشویی در میان زوجین

مریم مقدم

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اراک، اراک، ایران

maryammoghaddam1368@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: روابط فرا زناشویی یکی از عوامل مهم و تهدید کننده در روابط زوجین است. پس از ازدواج، افراد از خود و همسرشان انتظار دارند که در طول ازدواجشان از نظر جنسی و عاطفی وفادار بمانند. خیانت زناشویی به عنوان یک راز جنسی، یا درگیری عاطفی که منجر به نقص تعهد رابطه زناشویی می شود تعریف می گردد. درک و شناسایی عوامل بازدارنده از روابط فرا زناشویی جهت حفظ کانون خانواده از ارزش بالایی برخوردار است. هدف پژوهش حاضر، بیان تجارب زیسته میان زوجین در خصوص عوامل بازدارنده از روابط فرا زناشویی می باشد.

روش: این پژوهش از نوع کیفی است و در آن از رویکرد پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است. نمونه‌هایی از زوجین انتخاب شده اند که مدت پنج سال از زندگی مشترک آن‌ها می گذشت. تعداد ۲۰ نفر به روش هدفمند انتخاب شدند که به مراکز خدمات مشاوره رجوع کرده اند. روش جمع آوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختار یافته ی عمیق بود که تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری استرواس و کوربین استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد سه دسته عوامل: درونی، بیرونی و ارتباطی به عنوان عوامل بازدارنده از روابط فرا زناشویی می‌تواند مؤثر باشد. عوامل درونی شامل: (معنویت، تعهد، مهارت‌های فردی، ترس). عوامل بیرونی: (خانواده، جامعه، فرهنگ). عوامل ارتباطی: (صمیمیت، گذشت، عشق).

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش عواملی را مشخص و بیان می کند که می‌توان با استفاده و با استناد به آن، برنامه‌هایی جهت جلوگیری از روابط فرا زناشویی و خیانت‌های زوجین تنظیم کرد. و همچنین آموزش‌ها و مهارت‌هایی را که مورد نیاز برای تقویت روابط زوجین است طرح ریزی کرد.

واژه‌های کلیدی: روابط فرا زناشویی، عوامل بازدارنده، خانواده، پژوهش کیفی.

اثربخشی زوج درمانی شناختی-رفتاری بر باورهای غیرمنطقی و دلزدگی زناشویی در زنان متأهل

شهر یزد

الهه منشادیان

کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اشکذر، یزد، ایران

Elahemanshadian74@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: بررسی اثربخشی زوج درمانی شناختی-رفتاری بر باورهای غیر منطقی و دلزدگی زناشویی در زنان متأهل شهر یزد بود.

روش پژوهش: نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون، پس آزمون و گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان متأهل بود که در سال ۱۳۹۹ به کلینیک مشاوره رهیاب حقیقت در شهرستان یزد مراجعه کرده اند. نمونه پژوهش شامل ۳۰ نفر از این زنان بودند که به روش نمونه گیری غیرتصادفی و در دسترس انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش در ۸ جلسه گروهی، ۹۰ تحت مداخله زوج درمانی مبتنی بر رویکرد شناختی-رفتاری قرار گرفتند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز و پرسشنامه دلزدگی زناشویی پاینز استفاده شد. از تحلیل کوواریانس با رعایت پیش فرض‌ها به منظور تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: حاکی از تحلیل کوواریانس نشان داده که این مداخله توانسته است بین دو گروه آزمایش و کنترل از نظر میانگین تعدیل شده متغیر وابسته ترکیبی با احتمال ۹۹ درصد تفاوت معنادار وجود دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که زوج درمانی به روش شناختی-رفتاری بر باورهای غیر منطقی و دلزدگی زناشویی در زنان متأهل مؤثر است و میزان حجم، بیانگر شدت اثر بسیار بالایی می باشد ($p < 0.01$). همچنین اثربخشی این مداخله در کاهش باورهای غیر منطقی نشان می‌دهد که با کنترل نمرات پیش‌آزمون باورهای غیرمنطقی، زنانی که زوج درمانی به روش شناختی-رفتاری دریافت کرده اند، به طور معناداری نمرات پایین‌تری در متغیر باورهای غیرمنطقی در مرحله پس‌آزمون نسبت به گروه کنترل بدست آورده‌اند ($P \leq 0.05$). و اثربخشی این مداخله در کاهش دلزدگی زناشویی به طور معناداری نمرات پایین‌تری در متغیر دلزدگی زناشویی در مرحله پس آزمون نسبت به گروه کنترل بدست آورده‌اند ($P \leq 0.05$) بوده است.

نتیجه‌گیری: این یافته‌ها نشان می‌دهد که استفاده از فنون شناختی به همراه تکنیک‌های رفتاری می‌تواند باورهای ناکارآمد را اصلاح کرده و همچنین فرسودگی زناشویی را در زنان کاهش دهد.

واژه‌های کلیدی: زوج درمانی شناختی-رفتاری، باورهای غیرمنطقی، دلزدگی زناشویی، زنان متأهل.

رابطه انعطاف پذیری کنشی، صمیمیت و مسئولیت پذیری با سازگاری زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز

سیما نقی پور^{۱*}، روح اله آذریان^۲

^{۱*} - دکترای گروه روان‌شناسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد گروه روان‌شناسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

Naghipoor2014@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: بررسی عوامل مربوط به سازگاری زناشویی، از گذشته تا کنون، مورد علاقه بسیاری از پژوهشگران بوده است. هدف از این پژوهش، بررسی رابطه انعطاف پذیری کنشی، صمیمیت و مسئولیت پذیری با سازگاری زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز بود.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی، از نظر هدف، کاربردی و جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز و حجم جامعه آن، ۷۰۰ نفر (مردان ۳۳۰ نفر و زنان ۳۷۰) بود که بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۲۴۴ نفر (مردان ۱۲۰ نفر و زنان ۱۲۶ نفر) با نسبت جنسیتی زن و مرد و با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارت بودند از: خرده مقیاس انعطاف پذیری در پرسش نامه هوش هیجانی بار - ان (i-QE)، پرسشنامه‌های صمیمیت زناشویی بروک و اومن (QIM)، سنجش مسئولیت پذیری کالیفرنیا (IPC-ER) و مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر (SAD)

یافته‌ها: طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش ورود مکرر، ضریب همبستگی چند متغیری برای ترکیب خطی متغیرهای پیش‌بین (سطح انعطاف پذیری، صمیمیت و مسئولیت پذیری) با سازگاری زناشویی کل نمونه برابر با $MR=0.598$ ضریب تعیین برابر $RS=0.358$ و $F=44.57$ شد. اگر چه با توجه به مقدار ضریب تعیین ۳۰ درصد واریانس سازگاری زناشویی کل دانشجویان توسط متغیرهای پیش‌بین قابل تبیین شد اما مشاهده می شود که متغیر صمیمیت، بهترین پیش‌بینی کننده سازگاری زناشویی کل دانشجویان است.

نتیجه‌گیری: طبق نتایج بین متغیرهای پژوهش، رابطه معنادار وجود داشت. پیشنهاد می شود برای پژوهش‌های آتی از روش‌های کمی و کیفی برای بررسی متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش استفاده تا اطلاعات دقیق تری برای ارزیابی فراهم شود. در مشاوره قبل از ازدواج به مسئله‌ی انعطاف پذیری کنشی، صمیمیت و مسئولیت پذیری توجه شود.

واژه‌های کلیدی: انعطاف پذیری کنشی، صمیمیت، مسئولیت پذیری، سازگاری زناشویی



رابطه مهارت‌های مقابله با استرس با رضایت از زندگی در زنان آسیب دیده از خشونت خانگی

فاطمه سادات مرعشیان

دکتری، استادیار گروه روان شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

fsmarashian@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: خشونت زوجین علیه یک دیگر موضوع جدیدی نمی باشد و دارای عمری به اندازه تاریخ بشریت است. زنان همواره قربانیان آن هستند. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه مهارت‌های مقابله با استرس و رضایت از زندگی در زنان آسیب دیده از خشونت خانگی در شهر اهواز بود.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان آسیب دیده از خشونت خانگی در شهر اهواز بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۰۰ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه راهبردهای مقابله با تنیدگی (DASS-21) و پرسشنامه رضایت از زندگی داینر و همکاران (SWLS) استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و همچنین از روش آلفای کرونباخ جهت محاسبه ضریب پایایی استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های بدست‌آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که بین راهبردهای مقابله با استرس و رضایت از زندگی در زنان آسیب دیده از خشونت خانگی شهر اهواز رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش می‌توان گفت شیوه‌های رویارویی در برابر استرس نقش مهمی در سازگاری شناختی، سلامت روانی و رضایت از زندگی در زنان آسیب دیده از خشونت‌های خانگی دارد.

واژه‌های کلیدی: راهبردهای مقابله با استرس، استرس، رضایت از زندگی، خشونت خانگی

بررسی رابطه حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی در زنان سرپرست خانوار

فاطمه سادات مرعشیان^{۱*}، کفایت سلیمانیان^۲

* ۱- دکتری، استادیار گروه روان شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

۲- کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

fsmarashian@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: در مواردی که سرپرستی خانواده به صورت ناگهانی از مرد به زن منتقل می‌شود، شرایط نا امنی شامل از دست دادن درآمد، تربیت فرزند، ایفای نقش دوگانه پدر و مادری برای زنان فراهم می‌شود که این شرایط موجب شکل‌گیری استرس‌ها و فشارهای شخصی، روانی و اجتماعی بر دوش زن می‌شوند، که می‌توانند سلامت روانی و خانوادگی زن را به خطر بیندازند. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی در زنان سرپرست خانوار در شهر اهواز بود.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان زنان سرپرست خانوار در شهر اهواز بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۰۰ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه حمایت اجتماعی فیلیپس (۱۹۸۶) و رضایت از زندگی داینر و همکاران (۱۹۸۵) استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و همچنین از روش آلفای کرونباخ جهت محاسبه ضریب پایایی استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که بین حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی در زنان سرپرست خانوار شهر اهواز رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش می‌توان گفت ارائه حمایت‌های اجتماعی بهبود رضایت از زندگی و ارتقای سلامت روانی را به همراه دارد.

واژه‌های کلیدی: حمایت اجتماعی، رضایت از زندگی، سرپرست خانوار، زنان.

پیش‌بینی احتمال خیانت زناشویی بر اساس خودتنظیمی هیجانی و مهارت‌های ارتباطی در دانشجویان متأهل

نجمه شکرانی^{۱*}، نفیسه حاجی عبدالهی^۲

*۱- کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد رودهن، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲- کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران، ایران

hoda.moazzam@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی احتمال خیانت زناشویی بر اساس خودتنظیمی هیجانی و مهارت‌های ارتباطی در دانشجویان متأهل بود. زندگی زناشویی امروزه دچار مشکلات فراوانی می‌باشد و پایداری آن همواره تهدید می‌شود. یکی از متغیرهایی که می‌تواند در پایداری زندگی زناشویی نقش بی‌بدیلی داشته باشد، خودتنظیمی هیجانی است. خودتنظیمی هیجانی به فرایندهایی اشاره دارد که افراد توسط آن هیجانات خود را تحت تأثیر قرار می‌دهند و طبق این فرایند مشخص می‌شود که فرد چگونه هیجانات را تجربه و ابراز می‌کند.

روش: روش پژوهش غیرآزمایشی از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن بود. از فرمول کرامر برای تعیین حجم نمونه استفاده شد مقدار به دست مشخص شده برای حجم نمونه ۱۴۵ نفر می‌باشد که با در نظر گرفتن پیش برآورد ۱۴۵ نفر انتخاب گردید. افراد نمونه، پرسشنامه‌های خیانت زناشویی (Infidelity)، خودتنظیمی هیجانی (Emotional self-regulation) و مهارت‌های ارتباطی (Communication skills) را تکمیل کردند. تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه و با نرم افزار spss انجام شد.

یافته‌ها: متغیر دشواری در تنظیم هیجانی با متغیر خیانت زناشویی همبستگی مثبت و معنادار دارد. به عبارت دیگر، هرچه دشواری تنظیم هیجانی بالاتر باشد (که نامطلوب است)، خیانت زناشویی افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مهارت‌های دشواری در تنظیم هیجانی می‌توانند به شکل پایدار در روابط میان زوجین مؤثر باشند و عدم توانایی و یا به قولی عدم تعادل در بیان احساسات و عواطف باعث ایجاد مشکل در روابط زناشویی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: احتمال خیانت زناشویی، خودتنظیمی هیجانی، پیش‌بینی خیانت زناشویی، مهارت‌های ارتباطی.

بررسی رابطه بخشش با بی‌ثباتی زناشویی در زنان متأهل متقاضی طلاق

سارا عادل‌نیا^۱، فریبا سعیدپور^{۲*}

*۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، مازندران، ایران
۲- دانشجوی دکترای تخصصی مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

fariba.saeedpour@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: زندگی زناشویی با ثبات و رضایتمند موجب افزایش سلامت روانی، جسمانی و بهبود کیفیت زندگی افراد در جامعه می‌شود. بر همین اساس، توجه به زمینه‌های مؤثر در بروز بی‌ثباتی زناشویی و اقدام به طلاق، از مواردی است که حائز اهمیت است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه بخشش با بی‌ثباتی زناشویی در زنان متأهل متقاضی طلاق بود.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل متقاضی طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر لاهیجان در سال ۱۴۰۰ بودند که ۱۷۱ نفر به شیوه در دسترس انتخاب شدند. آزمودنی‌ها پرسشنامه بخشش رای (RFI) و پرسشنامه بی‌ثباتی زناشویی ادوارد (EMII) را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد بین بخشش با بی‌ثباتی زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد؛ هرچه میزان بخشش بیشتر باشد، بی‌ثباتی زناشویی کمتری تجربه می‌شود.

نتیجه‌گیری: باتوجه به نتایج به دست آمده و از آنجایی که ثبات زناشویی بر سلامت روانی، جسمانی و بهبود کیفیت زندگی افراد تأثیرگذار است، لازم است مداخلات درمانی مؤثری جهت ارتقای جنبه‌های مؤثر بر گسترش ثبات زناشویی و افزایش بخشش در کار با زنان متأهل متقاضی طلاق صورت گیرد تا از افزایش ناسازگاری زناشویی و اقدام به طلاق پیشگیری شود.

واژه‌های کلیدی: بخشش، بی‌ثباتی زناشویی، طلاق

بررسی رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با نگرش به روابط فرا زناشویی در زنان متأهل متقاضی طلاق

نغمه رمضانی پاک پور لنگرودی^۱، فریبا سعیدپور^{۲*}

۱- کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، مازندران، ایران
۲- دانشجوی دکترای تخصصی مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

fariba.saeedpour@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: گرایش به روابط فرا زناشویی یکی از آسیب‌هایی است که زندگی زناشویی زوجین را تحت تأثیر قرار داده و منجر به فروپاشی بنیان خانواده می‌گردد. بر همین اساس، توجه به عوامل مرتبط با نگرش سهل گیرانه زوجین نسبت به روابط فرازناشویی، از مواردی است که به توجه مضاعفی نیازمند است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با نگرش به روابط فرا زناشویی در زنان متأهل متقاضی طلاق بود.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متقاضی طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر لاهیجان در سال ۱۴۰۰ بودند که ۱۷۱ نفر به شیوه در دسترس انتخاب شدند. آزمودنی‌ها مقیاس نگرش سهل گیرانه به روابط فرا زناشویی وایتلی (ATIS) و پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان گارنفسکی و کرایچ (CERQ) را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد بین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با نگرش سهل گیرانه به روابط فرا زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد؛ هرچه میزان کاربرد راهبردهای تنظیم شناختی هیجان بیشتر باشد، نگرش سهل گیرانه به روابط فرازناشویی کمتر خواهد بود.

نتیجه‌گیری: باتوجه به نتایج حاصل از این پژوهش، نگرش سهل گیرانه به روابط فرازناشویی یکی از آسیب‌های اساسی در زندگی زناشویی زوجین است. جهت پیشگیری در این زمینه می‌توان از طریق کاربرد مداخلات درمانی مؤثر، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان را در زنان متأهل متقاضی طلاق افزایش داد تا از نگرش سهل گیرانه به روابط فرازناشویی کاسته شود.

واژه‌های کلیدی: تنظیم شناختی هیجان، روابط فرا زناشویی، طلاق

بررسی رابطه بین نگرش به روابط فرازناشویی و ناگویی هیجانی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی اهواز

کفایت سلمانیان

کارشناس ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

Kefayat.salmaniyan@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: ازدواج یک مؤلفه بسیار مهم و با ارزش در حیات انسانی است. یکی از عوامل آسیب‌زا در ساختار، ثبات خانواده و سلامت زندگی زوجین، که با زیرپا گذاشتن تعهد و اعتماد در خانواده پدید می‌آید، روابط فرازناشویی است. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین نگرش به روابط فرازناشویی و ناگویی هیجانی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی شهر اهواز بود.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی شهر اهواز بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۱۵۰ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه الکسی تایمیا اهواز مکوندی و همکاران (۲۰۱۱) - AAS-26 و نگرش به روابط فرازناشویی واتلی (۲۰۰۸) - ATIS استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و همچنین از روش آلفای کرونباخ جهت محاسبه ضریب پایایی استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که بین نگرش به روابط فرازناشویی و ناگویی هیجانی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی اهواز رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش می‌توان گفت ناگویی هیجانی با عدم رضایت از زندگی و فقدان حمایت اجتماعی پیوند یافته و این مسئله باعث تخریب روابط با همسر نیز می‌شود و در نهایت کاهش رضایت زناشویی و حتی نگرش سهل‌گیرانه تری به روابط فرازناشویی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: نگرش به روابط فرازناشویی، الکسی تایمیا، ناگویی هیجانی، ازدواج، خانواده.

پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر اساس هوش معنوی و حرمت خود زوجین

فاطمه سادات میر تاج‌الدینی^۱، مهشید تجربه‌کار^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی، تهران

* ۲- استادیار، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

m.tajrobehkar@uk.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: بدون تردید ازدواج یکی از بزرگترین و مهم‌ترین رویداد زندگی هر فردی است. هر فردی در ساختار اجتماعی خانواده متولد می‌شود و پرورش می‌یابد و تنها در این چهارچوب است که به فردی بالغ تبدیل شده و به ثبات می‌رسد؛ بنابراین مطالعه عوامل مرتبط با مسائل زناشویی و سازگاری زناشویی و ابعاد مختلف آن به جهت تأثیری که در بهبود رشد فردی و استحکام بیشتر نظام خانواده دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است. هوش معنوی و حرمت خود زوجین نقش مهمی در سازگاری زناشویی آنان دارد. هدف از انجام پژوهش حاضر پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوجین بر اساس حرمت خود و هوش معنوی آن‌ها است.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را زوجین شهر کرمان در سال ۱۳۹۹ تشکیل داده‌اند و برای نمونه‌گیری در این پژوهش ۳۰۰ نفر زن و مرد متأهل (۱۷۴ زن، ۱۲۶ مرد) با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از سه پرسشنامه هوش معنوی کینگ (SISRI)، سازگاری زناشویی لاک-والاس (LWMA) و حرمت خود روزنبرگ (SEI) استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها نیز از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که هوش معنوی و حرمت خود با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معناداری دارند؛ بدین صورت که با افزایش هوش معنوی و حرمت خود، سازگاری زناشویی نیز افزایش می‌یابد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد حرمت خود بیش از هوش معنوی می‌تواند سازگاری زناشویی را پیش‌بینی کند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج به دست آمده و نقش پیش‌بین تأیید شده در این پژوهش، می‌توان هوش معنوی و حرمت خود را از تعیین‌کننده‌های سازگاری زناشویی دانست و همچنین با توجه به رابطه مثبت هوش معنوی و حرمت خود با سازگاری زناشویی، نتیجه‌گیری می‌شود که با افزایش هوش معنوی و حرمت خود به ویژه حرمت خود در زوجین، می‌توان در افزایش سازگاری زناشویی آنان کوشید.

واژه‌های کلیدی: سازگاری زناشویی، حرمت خود، هوش معنوی، ازدواج

مؤلفه‌های اخلاق رابطه‌ای به عنوان پیش‌بین وضعیت زناشویی

رضا خجسته مهر^{۱*}، زهرا خرسندی^۲، ذبیح الله عباس پور^۳

^{۱*} - دکتری، استاد تمام، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ - کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

^۳ - دکتری، استادیار، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

khojasteh_r@scu.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: از جمله عوامل تأثیر گذار بر کیفیت زندگی زناشویی اخلاق رابطه‌ای است. اخلاق رابطه‌ای به اعتماد، عدالت، وفاداری، مسئولیت‌پذیری و احساس محقق بودن در روابط اشاره دارد و منصفانه بودن روابط را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زمانی اخلاق بر روابط حاکم است که بین طرفین رابطه، تبادل احترام، وفاداری، عشق و صمیمیت و مسئولیت‌پذیری برقرار باشد. اخلاق رابطه‌ای در دو بعد روابط عمودی (روابط والدین و فرزندان) و نیز روابط افقی (روابط زن و شوهر) مطرح است و هر بعد متشکل از سه عامل عدالت و اعتماد، وفاداری و حقوق (محقق بودن) است. هدف پژوهش حاضر تعیین مؤلفه‌های اخلاق رابطه‌ای به عنوان پیش‌بین موفقیت و شکست ازدواج بود.

روش پژوهش: جامعه پژوهش حاضر زنان متقاضی طلاق و عادی شهر اهواز بودند. نمونه پژوهش شامل ۱۵۰ زن متقاضی طلاق و ۱۵۰ زن عادی بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. شرکت کنندگان مقیاس اخلاق رابطه‌ای (RES)، و پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی محقق ساخته را تکمیل کردند. در این پژوهش برای تحلیل داده از روش تحلیل ممیز استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش حاضر نشان داد مؤلفه‌های اخلاق رابطه‌ای (عدالت و اعتماد، حقوق - مستحق بودن) در خانواده اصلی و در زوجین پیش‌بین قوی ($P < 0/001$) موفقیت ازدواج و طلاق زنان بودند و روش تحلیل ممیز تفکیکی نیز نشان داد که این مؤلفه‌ها هم در خانواده اصلی و هم در زوجین هر کدام به تنهایی موفقیت و شکست ازدواج ($P < 0/001$) را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری: فضیلت‌های اخلاقی نظیر اعتماد، عدالت، وفاداری، مسئولیت‌پذیری و احساس محقق بودن نقش تعیین کننده‌ای در پیش‌بینی کارکردهای خانواده و ماندگاری روابط زناشویی دارد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر به سیاست‌گذاران نهاد خانواده کشور و زوج درمانگران توصیه می‌شود در برنامه‌های خود، آموزش فضیلت‌های اخلاقی را هم برای والدین و هم برای زوجین در اولویت قرار دهند.

واژه‌های کلیدی: فضیلت‌های زناشویی، ماندگاری ازدواج، طلاق

بررسی رابطه بین خشونت خانگی با میزان رضایت جنسی در بین زنان جنوب کرمان

محمدحسین رودباری^{۱*}، افشین طیبی^۲، مهدیه بی نیاز^۳

* - دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی کیش، کیش، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دکتری، استادیار روانپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی کیش، کیش، ایران

۳- کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندر عباس، بندرعباس، ایران

Mroudbari9@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: خشونت علیه زنان که امروزه شیوع بیشتری پیدا کرده است، توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است. زنان قربانی که مورد انواع آسیب‌های فیزیکی، روانی و جنسی از سوی همسر خود قرار می‌گیرند، متحمل آسیب‌های بسیاری از جمله ناراضی جنسی می‌باشند. رضایت از رابطه جنسی یکی از عوامل مهم رضایت از زندگی زناشویی است، کسانی که رضایت جنسی بیشتری دارند، کیفیت زندگی بهتری را نسبت به کسانی که رضایت جنسی ندارند، گزارش می‌دهند. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین خشونت خانگی با میزان رضایت جنسی در بین زنان جنوب کرمان است.

روش: این پژوهش، پژوهشی توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان متأهل شهرستان‌های جنوب کرمان تشکیل می‌دهند که از بین آن‌ها ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه پژوهش به شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و در پژوهش شرکت داده شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه سنجش خشونت علیه زنان (CTS) حاج یحیی و پرسشنامه رضایت جنسی (LISQ) لارنس و همکارانش استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که بین خشونت علیه زنان با رضایت جنسی زنان متأهل ارتباط معناداری وجود دارد. به بیان دیگر بین خشونت علیه زنان و رضایت جنسی آنان رابطه منفی و معکوس وجود داشت. همچنین میزان شیوع خشونت روانی ۴۸ درصد، خشونت فیزیکی ۳۳ درصد، خشونت جنسی ۹ درصد و خشونت اقتصادی ۶ درصد بود.

نتیجه‌گیری: میزان خشونت خانگی در زنانی که از رضایت جنسی بر خوردار بودند، نسبت به زنان ناراضی ۳۸ درصد بالاتر بود که این مسئله میزان اهمیت مفهوم رضایت زناشویی را می‌رساند.

واژه‌های کلیدی: خانواده، خشونت خانگی، رضایت جنسی، رضایت زناشویی

بررسی تأثیر آموزش فرزندپروری بر اساس مهرورزی بر سبک‌های فرزندپروری و رابطه والد - فرزند مادران دارای کودکان مبتلا به اختلال یادگیری

محمدحسین رودباری^{۱*}، ابوالفضل افشاری^۲، محمدسنجری نیک^۳

*۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی کیش، کیش، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندر عباس، بندرعباس، ایران

۳- کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، واحد جیرفت، جیرفت، ایران

Mroudbari9@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: فرزندپروری فعالیت پیچیده‌ای شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزند پروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است. تربیت و پرورش فرزندان دارای اختلال یادگیری یکی از دشوارترین و حساس‌ترین مسئولیت‌های والدین محسوب می‌شود. هدف اصلی تحقیق حاضر تعیین اثربخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهرورزی بر سبک‌های فرزندپروری و رابطه والد - فرزند مادران کودک دارای اختلالات یادگیری بود.

روش پژوهش: روش تحقیق مورد استفاده از نوع نیمه تجربی به صورت پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این تحقیق شامل تمامی مادران کودکان دارای اختلالات یادگیری شهر کرمان به تعداد ۳۸۰ نفر بود که از بین آن‌ها ۳۵ نفر بصورت نمونه گیری هدفمند وارد مطالعه شدند و بصورت تصادفی ساده در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه سبک‌های دلبستگی (PSI) بامریند و پرسشنامه رابطه والد- کودک (CPRS) پیاننا بود. اطلاعات گردآوری شده در نرم افزار SPSS-۲۲ و با استفاده از آزمون کواریانس چند متغیره مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده نشان داد آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهرورزی بر بهبود سبک فرزندپروری مستبدانه و کاهش سبک قاطع و اطمینان بخش تأثیر معناداری دارد ($P < 0/05$) اما در سبک فرزند پروری سهل گیرانه تأثیر ندارد ($P > 0/05$). آموزش فرزندپروری مبتنی بر مهرورزی بر کاهش تعارض و افزایش صمیمیت والد - کودک تأثیر معناداری دارد ($P < 0/05$)، اما بر وابستگی والد- کودک تأثیر ندارد ($P > 0/05$).

نتیجه‌گیری: بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت آموزش سبک فرزندپروری مبتنی بر مهرورزی می‌تواند موجب بهبود سبک فرزندپروری و ارتقای کیفیت ارتباط والد-کودک شود.

واژه‌های کلیدی: خانواده، فرزندپروری، رابطه والد - فرزند، اختلال یادگیری.

پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی بر اساس ناگویی هیجانی، احساس تنهایی و بهزیستی روان‌شناختی در زنان متأهل

پگاه خرم نیا

کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

pegah_1375@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: مطالعه روابط زوجین به روشن شدن چهارچوب‌های ساختاری که روابط زوجین در آن شکل می‌گیرد کمک می‌کند. در بیشتر جوامع، بررسی کیفیت روابط زناشویی نقش اساسی در ارزیابی کیفیت کلی ارتباطات خانوادگی دارد. هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی بر اساس الگوی تنهایی و احساس تنهایی و بهزیستی روان‌شناختی در زنان متأهل شهر اهواز می‌باشد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به خانه‌های بهداشت در شهر اهواز بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۳۴۰ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه کیفیت روابط زناشویی (RDAS) باسبی و همکاران، الگوی تنهایی (2011) مکوندی و همکاران، پرسشنامه احساس تنهایی راسل و همکاران و پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی (RSPWB) ریف، استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون گام به گام و همچنین از روش آلفای کرونباخ جهت محاسبه ضریب پایایی استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های بدست‌آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که ناگویی هیجانی، احساس تنهایی و بهزیستی روان‌شناختی قادرند کیفیت روابط زناشویی را در زنان متأهل شهر اهواز پیش‌بینی کنند و بهزیستی روان‌شناختی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده کیفیت روابط زناشویی بود.

نتیجه‌گیری: می‌توان گفت ناگویی هیجانی، احساس تنهایی و بهزیستی روان‌شناختی نقش مهمی در کیفیت روابط زناشویی زنان متأهل دارد.

واژه‌های کلیدی: ناگویی هیجانی، احساس تنهایی و بهزیستی روان‌شناختی، کیفیت روابط زناشویی.

اثربخشی درمان راه حل محور بر افزایش صمیمیت زناشویی زنان دچار تعارضات زناشویی

مژگان پوردل^۱، منصور سودانی^{۲*}

۱- کارشناس ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲- دکتری، استاد گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

sodani_m@scu.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: یکی از اصلی‌ترین نهادهای جامعه، خانواده است و اساس شکل‌گیری و رشد، رابطه زوجین است که لازمه تقویت زندگی خانوادگی، ثبات و دوام آن و نوع نگرش و طرز تعامل زوجین با یکدیگر است. در این میان تعارضات زناشویی سبب اختلال در کارکردهای خانوادگی می‌شود. نقص در صمیمیت و تعارضات زناشویی همواره یکی از دلایل اصلی طلاق بیان شده است. هدف این پژوهش اثربخشی درمان راه حل محور بر افزایش صمیمیت زناشویی زنان دچار تعارضات زناشویی بود.

روش پژوهش: پژوهش حاضر شبه آزمایشی با گروه آزمایش و گواه و طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون بود. جامعه آماری در این پژوهش را زنان دارای تعارضات زناشویی مراجعه‌کننده به مراکز روان درمانی شهر شوشتر در پاییز ۱۳۹۹ تشکیل دادند. از بین این افراد ۳۰ نفر از زنان انتخاب و سپس به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری آزمایش و کنترل جایگزین شدند. شرکت‌کنندگان با مقیاس صمیمیت (MIS) واکر و تامپسون، مورد ارزیابی قرار گرفتند. گروه آزمایش ۸ جلسه (هفته‌ای یک بار) فنون درمان راه حل محور را بر اساس بسته آموزشی گرانت آموزش دیدند و گروه گواه هیچ آموزشی را دریافت نکردند. از تحلیل کوواریانس برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر اثربخشی آموزش درمان راه حل محور بر صمیمیت زناشویی زنان دچار تعارضات زناشویی، مورد تأیید قرار گرفته است و زنان دچار تعارضات زناشویی گروه آزمایش نسبت به زنان دچار تعارضات زناشویی گروه کنترل در پس‌آزمون، به‌طور معناداری صمیمیت زناشویی بیشتری داشتند ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که درمان راه حل محور بر روی ویژگی‌های مثبت و عملگرایی تمرکز دارد. بنابراین هر مراجع مسیر خود را در جهت راه‌حلی که براساس تعریف هدف، راهبردها، نقاط قوت و منابع مختص خودش است، پیدا می‌کند. تاکید راه حل محور بر یادگیری این که چه چیزی برای هر فرد مؤثر است، باعث شده این رویکرد گزینه‌ای جذاب باشد و بتواند بر افزایش صمیمیت زناشویی زنان دچار تعارضات زناشویی اثربخش باشد.

واژه‌های کلیدی: درمان راه حل محور، صمیمیت زناشویی، تعارضات زناشویی.

اثربخشی درمان مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی بر تعارضات زناشویی زوجین در حال طلاق

پروین میرشکاریان بابکی^{۱*}، زهرا ذاکرخاتونی^۲

*۱- کارشناس مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

۲- کارشناس ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب تهران، تهران، ایران

pmbabaki8031@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: طلاق به عنوان پدیده‌ای که انسجام خانواده را نشانه می‌رود و از مهمترین عوامل ایجاد تنش و فشار است. طلاق، شایع‌ترین تأثیر مخرب تعارض و کاهش نارضایتی زناشویی است. تعارض و رضایت زناشویی در سلامت و کارکرد خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است. هدف این پژوهش اثربخشی درمان مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی بر تعارضات زناشویی زوجین در حال طلاق بود.

روش پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی بود و از لحاظ روش، نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری در این پژوهش را زوجین متقاضی طلاق شهر تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل دادند. از بین این افراد ۳۰ نفر از آنان انتخاب و سپس به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفری آزمایش و کنترل جایگزین شدند. شرکت کنندگان با پرسشنامه تعارضات زناشویی براتی و ثنایی مورد ارزیابی قرار گرفتند. گروه آزمایش ۸ جلسه (هفته‌ای یک بار) درمان مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی را دریافت کردند و گروه گواه هیچ آموزشی را دریافت نکردند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر اثربخشی درمان مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی بر تعارضات زناشویی زوجین در حال طلاق، مورد تأیید قرار گرفته است ($P < 0/05$) و زوجین دچار تعارضات زناشویی گروه آزمایش نسبت به زوجین دچار تعارضات زناشویی گروه کنترل در پس‌آزمون، به‌طور معناداری، تعارضات زناشویی کمتری داشتند ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که درمان مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی می‌تواند بر ارتقا و بهبود کیفیت زندگی و عملکرد خانواده تأثیری باثبات و پایدار داشته باشد و جهت کاهش تعارضات زناشویی زوجین در حال طلاق مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: درمان مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی، تعارضات زناشویی، طلاق

بررسی الگوهای فرزندپروری در شبکه‌های اجتماعی

مهدیه بی نیاز*^۱، محمدحسین رودباری^۲، حمیده شهریاری نژاد^۳

*۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندر عباس، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین‌المللی کیش، کیش، ایران

۳- کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سیرجان، سیرجان، ایران

mahdieyh_biniaz@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: آینده خانواده و دوام و فروپاشی آن همیشه در نظر جامعه‌شناسان مهم بوده است. دگرگونی‌ها و تغییراتی که بر خانواده وارد می‌شود خصوصاً در کشورهای صنعتی، موجب دل‌نگرانی آنان می‌شود. پژوهش حاضر به منظور شناخت و بررسی میزان و انگیزه‌ی استفاده‌ی مادران از اینستاگرام و رابطه‌ی آن با نوع سبک فرزندپروری مقتدرانه - مستبدانه - سهل‌گیرانه آنان صورت پذیرفت.

روش: روش پژوهش توصیفی از نوع زمینه‌یابی بود. نمونه‌گیری تحقیق به روش هدفمند بود و در نهایت به دو روش گلوله‌برفی و هدفمند انجام شد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه‌ی مادران دارای فرزند زیر ۱۰ سال است که حداقل یک سال عضو اینستاگرام بودند. حجم نمونه ۳۰۸ نفر بود. ابزارهای اندازه‌گیری شامل دو پرسشنامه الگوهای فرزندپروری (PSI) بامریند و پرسشنامه تنظیم شده بر مبنای نظریه استفاده و رضایت‌مندی (MSLSS) هیونبر بود. داده‌ها با نرم افزار SPSS۲۴ تحلیل شدند.

یافته‌ها: با آزمون کای اسکور بین میزان استفاده‌ی زیاد از اینستاگرام و سه الگوی فرزندپروری رابطه‌ی معناداری بدست نیامد؛ که نشان می‌دهد میزان استفاده از اینستاگرام به تنهایی بر الگوی فرزندپروری تأثیری ندارد و انگیزه‌ی استفاده از اینستاگرام نیز اهمیت دارد. انگیزه‌های استفاده مادران از اینستاگرام شامل: اطلاع از اخبار روزانه و کسب خبرهای جدید، تماشای تصاویر خبرهای جدید، یافتن دوستان قدیمی و ارتباط با آنان، تقویت دوستی با دوستان فعلی، از بین بردن فاصله مکانی و زمانی و تسهیل ارتباطات استفاده از اینستاگرام به عنوان جایگزین تلویزیون و رادیو، دسترسی به اخبار شخصیت‌های مهم یا مشهور، تماشای مطالب و نظرات آموزنده و جالب از اینستاگرام، به منظور سرگرمی و گشت و گذار و تماشای تصاویر و ویدیوهای دیگران و استفاده از پیج‌های کاربردی اینستاگرام، بود.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که بیشترین انگیزه‌ی مادران از اینستاگرام به منظور استفاده اطلاعاتی و سرگرمی و استفاده از برنامه‌های کاربردی اینستاگرام است. اکثریت مادران شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه داشتند که نشان‌دهنده‌ی بالا بودن درک و دانش مادران امروزی نسبت به تربیت فرزند است. از این پژوهش می‌توان برای تولید محتوا و میزان تأثیر آن بر مادران و تأثیرات آن بر زندگی روزمره استفاده نمود.

واژه‌های کلیدی: خانواده، فرزندپروری، شبکه‌های اجتماعی، شهرستان جیرفت



بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر ملاک‌های همسرگزینی در دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر کرمان

مهديه بی نیاز^{۱*}، محمدحسین رودباری^۲، حمیده شهریاری نژاد^۳

۱* - کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندر عباس، بندرعباس، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین المللی کیش، کیش، ایران

۳- کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سیرجان، سیرجان، ایران

mahdieyh_biniaz@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: ازدواج به عنوان مهم ترین و اساسی ترین رابطه بشری توصیف شده است، زیرا ساختاری اولیه برای بنا نهادن رابطه خانوادگی و تربیت کردن نسل آینده را فراهم می سازد. پژوهش‌ها نشان می دهد که افرادی که در برنامه‌های آموزش‌های قبل از ازدواج شرکت داشته اند نگرش مثبتی نسبت به آموزش قبل از ازدواج و اثرات آن دارند و آن را رویداد ارزشمندی می دانند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر آموزش پیش از ازدواج بر ملاک‌های انتخاب همسر در دانش آموزان دختر دبیرستانی می باشد.

روش: پژوهش حاضر یک پژوهش آزمایشی از نوع پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان مجرد سال سوم دوره متوسطه شهر کرمان بود. طرح جامع خانواده پایدار به منظور فرهنگ سازی در خصوص افزایش ازدواج و کاهش طلاق به صورت برگزاری کارگاه‌ها در میان مدارس و نوجوان برگزار گردیده بود. نمونه شامل ۶۵ نفر از دانش آموزان دختر مجرد، که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شده و به صورت تصادفی ساده در دو گروه آزمایش و کنترل قرار داده شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه اولویت بخشی ملاک‌های همسرگزینی (PCSSI) رفاهی و همکاران بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل کواریانس چند متغیری استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش مشخص ساخت آموزش پیش از ازدواج طرح جامع خانواده پایدار موجب تعدیل ملاک‌های انتخاب همسر و مؤلفه‌های آن (محتوایی و فرایندی) در دانش آموزان دختر دبیرستانی می شود.

نتیجه‌گیری: پس از اجرای طرح آموزش پیش از ازدواج شاهد شناخت بیشتر افراد از ملاک‌های مؤثر در ازدواج و انتخاب آگاهانه تر در افراد گردیده بود که در نتایج کاملاً مشهود بود.

واژه‌های کلیدی: خانواده، ازدواج، همسرگزینی، دختران دبیرستانی



بررسی چالش‌های دورکاری زنان شاغل در دوران کرونا: یک مطالعه کیفی

مهرنوش صفی خانی^۱، مریم غلامزاده جفره^{۲*}

۱- کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران
۲- دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

maryam-jofreh@iauahvaz.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: شیوع بیماری کرونا باعث ایجاد تغییرات زیادی در سراسر جهان شد. کسب و کارهای زیادی به علت گسترش بیماری تعطیل شدند و بسیاری از کارها به صورت دورکاری ادامه پیدا کردند. اشتغال زنان و کارهای خانه بار مضاعفی را بر دوش آن‌ها گذاشته است و باعث ایجاد چالش‌هایی در زندگی آن‌ها شده است. از این رو، هدف پژوهش حاضر بررسی چالش‌های دورکاری زنان شاغل در دوران کرونا می باشد.

روش: پژوهش حاضر مطالعه‌ای کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی روان‌شناسانه است که در آن ۱۳ شرکت‌کننده زن، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و این روند تا مرحله اشباع داده‌ها ادامه یافت.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد، تجربه زنان شاغل دورکار ۴ جز تشکیل دهنده دارد: ۱- عدم حمایت سازمانی و فراهم نمودن امکانات ۲- مشکلات خانوادگی ۳- تعارض کار و زندگی ۴- عدم نظارت کارفرما

نتیجه‌گیری: تجارب مشارکت‌کنندگان نشان می دهد دورکاری با وجود چالش‌ها و مشکلاتی که دارد، اما می‌تواند تجارب خوشایندی نیز داشته باشد. ایجاد زیرساخت‌های مناسب و حمایت کارفرمایان می‌تواند دورکاری را به فرصتی مناسب جهت ایجاد تعادل کار و زندگی تبدیل نماید.

واژه‌های کلیدی: کرونا، زنان شاغل، دورکاری، تعادل کار و زندگی

بررسی تجربه زیسته زنان آسیب دیده از نقش فضای مجازی در تعارضات زناشویی: یک مطالعه کیفی

صدیقه سبحانی جو^{۱*}، حسن سواری^۲

^{۱*} - کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ - کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

sobhanishams@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: اینترنت با همه خوبی‌ها و فوایدش، از مشکلات و آسیب‌هایی نیز برخوردار است و کارکردهای مثبت و منفی دارد که مهم‌ترین کارکرد منفی آن استفاده افراطی و آسیب‌زا از اینترنت و ایجاد تضاد و تنش در خانواده و روابط بین زوجین و امکان فروپاشی نظام خانواده است. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه زیسته زنان آسیب دیده از نقش فضای مجازی در تعارضات زناشویی می باشد.

روش: پژوهش حاضر مطالعه‌ای کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی روان‌شناسانه است که در آن ۱۶ شرکت‌کننده زن، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و این روند تا مرحله اشباع داده‌ها ادامه یافت.

یافته‌ها: نتایج این مطالعه نشان داد تجربه زنان آسیب دیده ۵ جز تشکیل دهنده دارد: ۱- تشدید فاصله بین زوجین ۲- پر کردن خلأهای ایجاد شده در زندگی مشترک ۳- تغییر ارزش‌ها ۴- دسترسی سریع‌تر به زندگی دیگران ۵- تسهیل روابط فرازناشویی

نتیجه‌گیری: افراد در خانواده دارای نیازها و خواسته‌های مختلفی هستند که اگر در بطن خانواده تأمین نشوند منجر به اختلافات و تعارضات زناشویی می‌شود. هرچند فضای مجازی تنها عامل اختلافات زناشویی نیست، اما زمانی که بستر روابط زناشویی مستعد تنش و اختلاف باشد فضای مجازی می‌تواند به عنوان عامل تشدید کننده، تعارضات زناشویی را پررنگ‌تر کند.

واژه‌های کلیدی: فضای مجازی، اینترنت، تعارضات زناشویی، زنان آسیب دیده

بررسی مدل ارتباط بین صمیمیت زناشویی و خانواده اصلی با رضایت زناشویی با میانجی گری انعطاف پذیری کنشی در زنان معلم

آسیه عبودی^{۱*}، فهیمه عابدی^۲

^{۱*} - دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور واحد خرامه، خرامه، ایران

Asieyehaboudi@yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به منزله رضایت وی از خانواده محسوب می شود و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی بوده و در نتیجه، تسهیل در امر رشد و تعالی و پیشرفت مادی و معنوی افراد و در یک مقیاس بزرگتر، در خدمت بهبود سلامت جامعه خواهد بود. با توجه به اهمیت کارکرد متعادل خانواده و تأثیرات آن بر افراد جامعه، شناخت عوامل مرتبط با رضایت زناشویی که پایه استحکام بخش زندگی خانوادگی است، و تداوم رضایت زناشویی و جلوگیری از متلاشی شدن خانواده را تضمین می کنند ضروری به نظر می رسد. هدف پژوهش حاضر، بررسی مدل ارتباط بین صمیمیت زناشویی و خانواده اصلی با رضایت زناشویی با میانجی گری انعطاف پذیری کنشی در معلمان زن متاهل شهر شیراز بود.

روش پژوهش: طرح پژوهش حاضر، همبستگی از نوع پیش بین بود. جامعه ی این پژوهش شامل تمامی معلمان زن متاهل شهر شیراز بود که از این میان 200 معلم به روش نمونه گیری داوطلب در دسترس انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (EMSS)، پرسشنامه صمیمیت زناشویی (MIS)، پرسشنامه ی انعطاف پذیری کنشی (CD_RISC) و پرسشنامه خانواده ی اصلی (FOS) می باشد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش های همبستگی و تحلیل مسیر و نرم افزارهای SPSS-۲۱ و تحلیل ساختارهای گشتاوری (AMOS) استفاده شد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیرهای صمیمیت زناشویی با خانواده اصلی ($r = 0/43$ ، $p < 0/01$)، صمیمیت زناشویی با انعطاف پذیری کنشی ($r = 0/37$ ، $p < 0/01$)، صمیمیت زناشویی با رضایت زناشویی ($r = 0/62$ ، $p < 0/01$)، خانواده اصلی با انعطاف پذیری کنشی ($r = 0/48$ ، $p < 0/01$) و انعطاف پذیری کنشی با رضایت زناشویی ($r = 0/37$ ، $p < 0/01$) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین، بیشترین ضریب مربوط به رابطه بین صمیمیت زناشویی و رضایت زناشویی ($r = 0/62$) می باشد.

نتیجه گیری: نتایج شاخص های برازندگی از برازش مدل پیشنهادی حمایت کرد. نتایج تحلیل مسیر حاکی از معناداری ضرایب مسیر مستقیم کلیه ی مسیرهای مدل نهایی و نیز میانجی گری انعطاف پذیری کنشی در رابطه بین صمیمیت زناشویی و خانواده اصلی با رضایت زناشویی بود.

واژه های کلیدی: صمیمیت زناشویی، خانواده اصلی، رضایت زناشویی، انعطاف پذیری کنشی.

